



بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی

حمد و ثنا آفریدگاری را که افلاک دوایر و نجوم سوایر بیافرید
و شکر و سپاس واجب الوجودی را که آفرینش ذره‌ایست از ذرای صنایع او
و کون و مکان نقطه از نقاط بدایع او زحل هندو چهره پاسبان جادو
بر بام ایوان هفتم داشته اقتضاء قضاء او مشتری
کاهن چهره قاضی خواهش بر مسند صدر ششم مقتضاء ارادت او
مریخ خون ریز با خنجر تیز در میدان پنجم جلاد سیاست او
شمس انور با تاج و افسر بر تخت چهارم نوربخش عنایت او
زهره زهرا جبین مطرب رعنا در خلوتخانهٔ سیم حامی حمایت او
عطارد دانا چهره دبیر کافی بر طاق درگاه دویم کاتب اوراق او
قمر مضی جبین برید مرتضی بر منازل فلک اول پیک اشارت او
هم از او و هم به او فتبارک الله احسن الخالقین و صد هزاران

تحف تحیات و نثار صلوات بر مرقد منور و روضهٔ مطهر سید انبیاء محمد مصطفی و اولاد و اشیاع و اصحاب
و اتباع او باد و سلم تسلیما کثیرا اما بعد این مختصریست در معرفت احکام اتصالات کواکب [illegible]
از برجی به برجی و شرف و هبوط هر یک و مناسبات و خسوف و کسوفات
و آنکه در روی تقویم واقع شود از کلی و جزوی و فواید دیگر که بعضی متعلق است بطالع مولود و تحویل عامه
و دوایر روز و اند بحسب اصطلاح هر قومی که از کتب معتبر و انتخاب رسایل مجمل کوشیار و تفهیم
ابوریحان و کفایة التعلیم و روضة المنجمین و اشباه روایت نمود [illegible] الراجی الی رحمة الملک الغفار
محمد بن محمد الملقب بانجیا[?] انتخاب کرده و جدول نهاده تا طالبان را بسهولت مطلوب حاصل شود و از
اختراعات را از غلطات و دیگر تصرفات چنانچه عادت است خالی شد ما مول که متقدمان
اینجا مولف این مختصر را بفاتحه و دعای خیر یاد کنند شعر یا ناظرا فیه سل بالله مرحمة علی
المصنف و استغفر لصاحبه و اطلب لنفسک من خیر تریده بها من بعد ذلک غفرانا لکاتبه
پیش از آنکه شروع در جدول شود مقدمه معلوم باید کرد در تعریف قرانات و نیز از احکام آن
بدانکه بقول اکثر اصحاب احکام قرانات را اثری عظیم است و موثرترین قرانها قران
مشتری و زحل است و قران این دو کوکب چهار نوع بود اعظم اکبر اوسط اصغر و بعضی اعظم
و اکبر را یکی گیرند اما قران اعظم آن بود که قران کنند در حمل و مثلثات وی دوازده بار و در
ثور و مثلثات وی سیزده بار و در جوزا و مثلثات وی دوازده بار و در سرطان و مثلثات
وی سیزده بار همچنین در دوازده برج چون قران کنند صد و پنجاه قران بود در مدت دو هزار و
هشتصد و هشتاد سال اما قران اکبر آن بود که در چهار مثلثه قران کنند در مدت
نهصد و شصت سال اما قران اوسط آن بود که در یک مثلثه قران کنند
دوازده نوبت یا سیزده نوبت در مدت دویست و چهل سال تقریبا اما
قران اصغر آن بود که چون قران کنند این دو کوکب در مثلثه
تا آن وقت که دیگر قران کنند مدت بیست سال بود
بیشتر یا کمتر تقریبا و در تعیین لهاء این قرانات اختلافی
هست و تفصیلی دارد که این محل اقتضاء آن نمیکند که تطویل می انجامد

تتمهٔ تعریف قرانات چهار گانه و احکام آن

اما تاثیر قران اعظم آن بود که طوفانی واقع شود که احوال عالم بالکلی از حال خود بگردد و متغیر شود
ملتها و دولتها دیگرگون شود و گرمسیر سردسیر و سردسیر گرمسیر شود و دریاها بیابان گردد و بیابانها
دریا شود و عجایب و نوادر در عالم پیدا شود و شهرها ویران گردد و ویرانها آبادان گردد و صورت
مردم از حالی بحالی گردد و همچنین زبان مردمان و خط و صنعت و رسم و آیین و خلقت
و خورش ایشان متغیر شود و از حال خود بگردد و در چهارپا و وحوش و طیور هم تغییری پیدا شود و دهاد آن
جبابره پیدا شوند و دعویها بزرگ کنند و کارهای عجیبی بر دست ایشان برآید و
تغییری گردد خلقت و هیات مردم پیدا شود مناسب صورت طالع
قران و مستعلی و مستولی و دلایل ایشان بود و اثر این قران در
عالم باشد تا قران اعظم دیگر که آن بقولی دو هزار و پانصد و هشتاد سال است
و بقولی دو هزار و نهصد و چهل سال شمسی تقریبا والله اعلم و تاثیر قران اکبر
آن است که بعضی از احوال عالم تغییر و تبدیل پذیرد و جمعی پیدا
آیند و دعوی پیغمبری کنند و دین و شریعت نو نهند و چون
قرار گیرد آن ملت و شریعت باشد و بیشتر اقالیم منقاد
شوند و تقویت کنند و رسوم و قواعد قران اعظم را بعضی بکار
دارند و همچنین تغییر و تبدیل

بقیهٔ احکام قرانات چهار گانه

سلاطین و حکام واقع شود و ملک و دولت متغیر گردد و خرابها آبادان شود و آبادان
خراب شود و صورت و لباس و خورش خلایق بقدر متغیر شود و احوال و اوضاع نو پیدا شود و از اثر
این قران بعضی گویند که نصف قران اعظم بود و بعضی گویند که ثلث قران اعظم
بود و مدت تاثیر این قران نیز تا قرانی دیگر بود که آن بقولی نهصد و هشتاد سال باشد
و بقولی نهصد و شصت سال تقریب و گفته اند که در این مدت چهل و هشت کس پادشاهی
کنند والله اعلم و تاثیر قران اوسط آن بود که دولتها بگردد و در ملتها نیز بقدر تغییری
پیدا شود و مملکت از خاندانی بخاندانی نقل کند و اغلب مردم بر دین و ملت و شریعت صاحب
قران اکبر روند اما رسوم سلطنت و پادشاهی بر مقتضای قران اوسط دیگر جنس
مستعلی بود و در این قران نیز صورتها غریب روی نماید و مردم را نقل و تحویل از جلا و وطن
واقع شود و در طعم و البسه نیز تغییری واقع شود و اثر این قران نیم قران کبری بود و مدت تاثیرش
دویست و چهل سال و بقول بعضی دویست و چهل و پنج سال بود و در این مدت دوازده کس یا
سیزده پادشاهی کنند و تاثیر قران اصغر آنست که دولت و حکومت منتقل شود اما از میان
خویشان بیرون نرود و خوارج غلبه کنند و حربهای عظیم افتد و گاه بود که دولت
و ملک از خاندانی بخاندانی نقل کند و تغییر و تبدیل در بعضی احوال
واقع شود و مدت تاثیر این قران بیست سال بود والله اعلم

بعد از این شروع نمودیم در جداول

جدول احکام قرانات کواکب با زحل در مثلثهٔ آتشی کران ٤ ک ح

قران مشتری و زحل

دلیل است بر خروج کسانی که در دین و ملت سخن گویند و انتقال
دولت از خاندانی بخاندانی و فرو رفتن سفلگان و تفرقه و تشویش
حکام و اکابر و اشراف و بدی هوا و تفاوت نرخها و بسیاری
بیماری از هر نوع و تغییر و تبدیل بعضی از عادات
و پدید آمدن داد و عدل در سلاطین و امرا و سروران
هر قومی و معموری مساجد و مدارس و اکثر این تاثیرات
در جانب مشرق و اقلیم اول و دوم بظهور رسد

تتمهٔ قرانات مثلثهٔ آتشی

قران مریخ و زحل

دلیل است بر تفرقه و تشویش لشکریان و بسیاری محاربه و مقاتله
و بزرگ شدن فرومایگان و ساختن اسلحه و فراخی و سوختن مواضع و موت
اکابر و ملال صحرانشینان و غارت و شبیخون در کوه پایها و میان
احشام و نقصان بازرگانی و رزدن درم قلب و ملال خاطر سلاطین
و امرا و داروغگان و ظلم حکام و کدورت و بدی هوا و تغییر
مزاجها و خوف و هراس خلایق خاصه در روسا و دهاقین و فاسد شدن
خون در انفجار و موت فجاءة در پیران و اکثر این
تاثیر در طرف مشرق و بعضی از اقلیم اول و سیم از قوه بفعل آید

تتمهٔ احکام قرانات کواکب با زحل در مثلثهٔ آتشی ٤ ک ح

قران زهره و زحل

دلیل است بر سرما در وقت و بیماری در زنان و دختران و ارباب طرب
و بستن نکاحها و بی رغبتی و دشواری وضع حمل و خصومت میان ازواج
و تفرقه و تشویش خلایق خاصه اهل اسلام و ملال و بیرنجی ندیمان و
ارباب لهو و لعب و تفاوت نرخها و پیدا شدن ابرهای تیره
و فاش شدن اسرار و انکار لهو و طرب در مشایخ و اهل
خانقاهها و قدیم و صحرانشینان و کسادی بازار اقمشه و البسه
و تغییر هوا و آمدن کاروانها و آوردن برده و غلام و فقیر

تتمهٔ احکام قرانات در مثلثهٔ آتشی

قران عطارد و زحل

دلیل است بر تغییر و عفونت هوا و وقف و حال دبیران و اهل قلم و
نوشتن خطوط و مثالها و به تزویر و نا حق و کثرت اراجیف و زدن دلکس
و رنج و زحمت محترفه و آمدن کاروانها و ملال تجار و بازرگانان و نفع و محاسبه
و مناظره و تقریر میان متصرفان و عمال و مزارعان و نارستی رعود و
و رعد و برق و باد و باران در وقت خود و فاسد
گشتن زرع و تفاوت نرخها و بیماری از هر نوع
خاصه صرع و مالیخولیا و امراض دماغی و بیع برده
و عقاقیر و رنج و زحمت دواب

احکام قرانات کواکب با زحل در مثلثهٔ خاکی ا ه ط

قران مشتری با زحل

دلیل است بر ترقی حال خاندانهاء قدیم و خداوندان ضیاع
و عقار و قوت حال مشایخ و سعادت حال روساء و صحرانشینان و فراخی
اطعمه و بسیاری زراعت و عمارت و انتقال ملک و دولت
و بودن خسف و زلزله و توسط باران کی و فاء بعضی
نباتات و اختلاف هوا و سرما در وقت و بیماریهاء دراز
و پیدا شدن رسمها و آیینهاء مجدد و اغلب این
تاثیر میان مشرق و جنوب و اقلیم اول ظهور آید

تمت احکام قران با زحل

قران مریخ با زحل

دلیل است بر سرگردانی و بدحالی لشکریان و امرا و اهل سلاح
و آنگیختن فتنه و بسیاری ظلم و قوت گرفتن سفلگان و گرفتاری
دزدان و ملال راه داران و بیماریها مخوف و جراحت و بریدن
اعضا و قتل بناحق و شبیخون و حرب و مصادره توانگران
و موت اکابر و خوف و هراس در صحرانشینان
و اهل قلاع و جبال و کمی باران و فاء اشجار و نباتات
و بیم خسف و زلزله و پدید آمدن ملخ و بیشتر
این اثر در اقلیم سیم بود

تتمه احکام قرانات کواکب با زحل در مثلثهٔ خاکی ا ه ط

قران زهره با زحل

دلیل است بر رنج و تفرقه خاتونان و سختی و بدحالی خادمان
و مطربان و بیماری در این طایفه و دشواری وضع حمل و ناسازکاری
ازدواج و رغبت مشایخ بنکاح و زنان و تلف میوها و نباتات و ریاحین
و سرما در وقت و کدورت و ابر و تاریکی در هوا و نقصان
باران کی و کسادی عطریات و ارزانی اقمشه و البسه
و اندوه خلایق و عفونت در آب و هوا و اغلب این
تاثیرات در اقلیم پنجم و آذربایجان و رشت عیب بود

تمت احکام قران با زحل

قران عطارد با زحل

دلیل است بر تفرقه و تشویش و بیماری اهل قلم و اصحاب دیوان
و منجمان و خطا در معالجات اطبا و زحمت عمال و تجار و وکلا
و اندوه محترفه و فتنه و حرب در بعضی مواضع و بسیاری اراجیف
و تهمت و دروغ و ناایمنی راهها و وهم در کار روانیان و فرید
و وزحمت ضیاع و عقار و بیماری اطفال و فساد کشت و
زرع و کسادی بازار کتاب و کتابت و تغییر هوا و سرما و باد و باران
و برف بوقت خود و موت ناگاه و رنج بردگان و گرفتاری دزدان
اکثر این اثر در اقلیم اول و ششم بود

قران مشتری و زحل

احکام قرانات کواکب با زحل در مثلثه بادی ب و ی

دلیل است بر قوت حال ارباب دین و مباحثه در علوم ظاهر و دین
و مذهب و اگر در برج دلو بود بحث در علم دقیق کنند و اگر در برج
جوزا بود علم طب و حکمت و خط و ریاضیات ورزند و خلایق
بشعر و موسیقی رغبت نمایند و اگر در برج میزان بود قحط و تنگی در
اغلب بلاد واقع شود و مردم شریف بی عزت شوند و باران
باعتدال آید و پادشاهان عادل ظهور کنند و خاندان قدیم
رونق پذیرد و بیشتر اثر در زمین مغرب
پیدا شود

قران مریخ و زحل

تتمه احکام قران با زحل در مثلثه بادی

دلیلست بر فتنه و حرب و اراجیف و بدی هوا و بیماری از غلبه خون
و خطا در معالجات اطبا و خواسته ظلم بر رعایا و قتل در معارف
و کمی باران و خشکی هوا و پیدا شدن آتش در هوا و فساد
اشجار و خرابی مواضع و بدحالی دزدان و بدکاران و سستی
مردم در کار دین و سرما و باد در وقت نا وقت و تفاوت
نرخها و کسادی بازارها و ملال و زحمت رسانیدن حشم و ارباب قلاع و جبال
از امرا و لشکریان و بی حضوری عامه و قتلهای پنهانی و موت پیران
و غارت و صحرانشینان و اکثر این تاثیر در مغرب در اقلیم
ظاهر شود

قران زهره و زحل

تتمه احکام قرانات کواکب با زحل در مثلثه بادی ب و ی

دلیلست بر نکبت زنان و خادمان و افسون گران و مخالفت
ازواج و دف و حال عطاران و بزازان و پیدا شدن ابرهای سیاه
و باران و سرما در وقت خود و آفت زنان حامله و دشواری وضع
حمل و وقوع شورها در رستاق و میل مشایخ بعشقبازی و کم صلاحی
و ملال ادبا و نقص اهل طرب و بسیاری نکاحها و موت دختران
و بیشتر اثر در اقلیم پنجم و جهت مغرب بود

قران عطارد و زحل

تتمه قران با زحل در مثلثه بادی ب و ی

دلیلست بر بیماری بزرگان و علما و تجار و محاسبه عمال و وکلا
و ملال اطبا و اهل تنجیم و کثرت اراجیف و گواهیها بدروغ
و کسادی بازارها و گرانی بعضی ماکولات و آمدن کاروانها و کثرت
فنا در نباتات و تنگی زر و بودن ابر و باد و باران در وقت
خود و میل مردم بعلوم دقیق و مرض اطفال از ترس و سودا
و زحمت و تنگدستی محترفه و دعوتهای باطل و رنج چارپایان
و اکثر این تاثیر در اقلیم ششم بود

احکام قرانات کواکب با زحل در مثلثهٔ آبی ح د یا	
دلیل است بر رفعت و منزلت یافتن فرومایگان و انتقال ملک و دولت بمردم عوام و بودن مخالفت میان ملوک و حکام و خروج قوی بر سلاطین و بسیاری آبها و تفاوت نرخها و بدحالی مسافران دریا و آفت کشتیها و بودن سرما و باد و باران در وقت خود و خرابی مواضع از آب و پیدا شدن سلطانی عادل و اغلب این تاثیر در جانب شمال بود	قران مشتری و زحل
تتمهٔ احکام قران با زحل در مثلثهٔ آبی	
دلیلست بر فتنه و تشویش و مخالفت قومی با بزرگان خود و جنبش مردم سفله و قتل بزرگان و خرابی مواضع و شکست خانیان بد دزدان و فساد مسافران دریا و بدحالی لشکریان و خروج مدعیان سفله و قوت لشکر بیگانه و زحمت خاندانهای قدیم و مردم صحرا و زیان علما و وزراء و قضات و یاران منجم و مهم و تنوقه اهل قلاع و جبال و اغلب این تاثیر در اقلیم سیم ملاف شمال بود	قران شمس و زحل

احکام قران با زحل در مثلثهٔ آبی ح د یا	تتمه
دلیلست بر بسیاری باران و آبها و شکستن گرما و زیان میوه‌ها و گلها و نباتها و بیماری از سردی و بلغم و پیدا شدن علت در زبان و قی در زنان و دختران و بسیاری زنت و زرع و فراخی اطعمه و اشربه و نشاط در پیران و توبه سلطانان و فساد حال زنان و بدکاری و خلاص محبوسان و میل مردم بسفر دریا	قران زهره و زحل
تتمهٔ قران با زحل در مثلثهٔ آبی	
دلیلست بر ابر و باران و سرما و تگرگ در وقت خود و زیان نباتات و بدحالی مسافران دریا و آمدن وآنها کار و کسادی بازارها و اراجیف و رونق آب کاران و شراب فروشان و قوت طالع ها قیم و صحرانشینان و بیماری اهل قلم و تجار و زحمت فرزندکی این طایفه و در بعضی ممالک خشکسال بود و نرخها ارزان گردد و دلیل است بر خطهای دروغ و گواهیهای ناحق	قران عطارد و زحل

جدول احکام قرانات کواکب با مشتری در مثلثهٔ آتشی ه ی ح

قران مریخ و مشتری

دلیل است بر قوت حال ارباب سلاح و امرا و جمع آمدن عساکر
و ملال وزرا و ائمه و انحراف امرا و لشکریان و مصادرهٔ توانگران
و قتلها بوجه قصاص و عدل در سلاطین و حکام و زدن درهم
و فراخی اطعمه و گرمی هوا و بیماری از غلبهٔ خون و صفرا
و حرارت در مزاج خلایق و اکثر این اثر در طرف مشرق
و خراسان و عراق و اقلیم دویم و سیم بود

تتمهٔ احکام قران با مشتری

قران زهره و مشتری

دلیلست بر جمعیت و رفاهیت خلایق و عفت و صلاح
زنان و توبهٔ اهل گناه و بسیاری مناکحات و مواصلات و
امانت و دیانت در مردم و قوت دین اسلام و میل بزرگان و اشراف
بزینت و نکاح و شادی علما و ائمه و قضات و توانگران
و راستی در میان مردم و عدل و داد حکام و اجابت دعاها
و اعتدال هوا و تندرستی خلایق و فراخی اطعمه و میل مردم
بخیرات و رسیدن قوان از اطراف

تتمهٔ احکام قران با مشتری در مثلثهٔ آتشی ه ی ح

قران عطارد و مشتری

دلیل است بر رونق کار خرابان و محترفه و مستوفیان
و دبیران و منصرفان و تجار و راستی و امانت در عدول
و آمدن کار روانها و بسیاری بیع و شری و معاملات با منفعت
و ارزانی و فراخی اطعمه و راست آمدن معالجات اطبا و
احکام نجوم و گفتن سخنان حق و رونق دین اسلام
و آمدن اخبار راست و اعتدال هوا

قران کواکب با مشتری در مثلثهٔ خاکی ا ه ط

قران مریخ و مشتری

دلیل است بر فتنه و تشویش میان بزرگان و نکبت معارف
و ائمه و قضات و افتادن اراجیف و فساد و استمرار و بدی هوا
و آفت زراعت خاصه از ملخ و بیماریها از گرمی و خشکی و قوت
ارباب سلاح و تفرقه و ملال وزرا و توانگران از امرا و لشکریان
و فساد و نباتات و بی رونقی دار الاحتساب و ملال و نقصان
تجار عظام و تقرب خلفا علما و زیان اکابر و بی رونقی مساجد و مدارس
و اغلب این تأثیر در اقلیم دوم و سیوم بظهور آید

تتمه احکام قران با مشتری در مثلثه خاکی آن ا ه ط

قران زحل و مشتری

دلیل است بر نیکوی حال اهل طرب و زینت و تملق در علما
و فقها و میل سادات و قضات و بزرگان بمناکحات و مواصلت
و ضیافتها و جمعیتها و اجابت ادعیه و بسیاری میوه و فراخی
اطعمه و شیرینی و خرید و فروخت اقمشه و ابریشمینه و اعتدال
هوا و صحت بیماران و راستی و ایمنی در خلایق و صلاح کشت و
زرع و بسیاری عمارات و رای و اتفاق در مردم و رونق دار الشرع

تتمه احکام قران با مشتری در مثلثه خاکی ا ه ط

قران عطارد و مشتری

دلیل است بر روایی بازارها و فراخی و ارزانی حبوبات و نباتات
و سعادت حال وزراء و ائمه و قضات و قوت حال اطبا و منجمان
و شعرا و ندما و روایی محترفه و بازرگانان و معاملات با منفعت
و رواج کتب و کتابت و خوشی حالی اهل قلم و آمدن خبرهای خوش
و دوستی میان وزرا و نویسندگان و اهل قلم و راستی و امانت
در عمل و رونق متکلمان و بحث کردن در علوم و ایمنی بارانها
معتدل در وقت خود و دوستی دلها و اعتدال هوا و فرونی و ارزانی

احکام قران کواکب با مشتری در مثلثه بادی ب و ی

قران مریخ و مشتری

دلیل است بر فتنه و آشوب و اراجیف و خصومت میان اکابر
و وزراء و علما و قضات و تنزل و ملالت طایفه از لشکریان
و امرا و بدی هوا و آمدن بادهای گرم و فترت از سرخ باد
و بیماری از غلبه صفرا و ستعجله و تا خوف و خصومت و حصبه و آبله و دمل
و جراحت و محاربه و مقاتله و مصادره توانگران و معارف
و سرقت انزال و دروغ اطعمه و ظهور آتش در هوا و توسط
باران و دروغ خطوط و فتوی ها بناحق و ناراستی در اهل محکمه

تتمه احکام قران با مشتری در مثلثه بادی ب و ی

قران زهره و مشتری

دلیل است بر قوت دین اسلام و جمعیتها و خیر و رفتن مردم بمزارات
و زیارات و اجابت دعاها و امانت و دیانت و خیرات و طاعات
میان خلایق و نشاط و طرب در بزرگان و اشراق و دولت
و توفیق عبادات و ملبوسات و اعتدال هوا و دوستیها و دها
خوشی و تن درستی خلایق و ایمنی و اشجار و اثمار از آفات سماوی و رواج
رفتن احکام شرع و توبه مفسدان و بدکاران و بسیاری
مناکحات و مواصلات و آسانی معیشت و ایمنی و تن درستی

تتمهٔ احکام قران با مشتری در مثلثهٔ بادی ب و ی

قران عطارد و مشتری

دلیلست بر سعادت حال وزرا و اهل قلم و مستوفیان و متصرفان و عمال و تجار و اهل بازار و مباحثه و مناظره میان علما و رونق متکلمان و آمدن کار روانها و آوردن برده و آمدن اخبار راست و اعتدال هوا و صحت بیماران خاصه کودکان و سلامتی استیجار و انبار از آفات و فراخی اطعمه و راست آمدن احکام نجوم و معالجات اطبا و راستی در عمل و رواج بازار کتب و اهل قلم

احکام قرانات کواکب با مشتری در مثلثهٔ آبی ج ر یا

قران مریخ و مشتری

دلیلست بر بیری شود و بادی و قصد امرا و لشکریان و زراء و ائمه و قضات و نقصان توانگران و اگر در عقرب بود قوت حال لشکریان و راه داران بود و اگر در سرطان واقع شود خلاص محبوسان بود و قوت غزو ماندگان و سفلگان و اگر در حوت بود ضعف حال وزرا و سادات و قضات باشد و مخوف و منهزم بودن توانگران و اشراف و مخالفت و تجار و عظام از اهل سلاح و ظلم بر معارف و اعیان و اشراف و تجار و عظام از اهل سلاح و مخالفت میان اکابر و صدور و معارف و بدا شدن فتنه خاصه در اقلیم دوم و سیم

تتمهٔ احکام قران با مشتری در مثلثهٔ آبی ج ر یا

قران زهره و مشتری

دلیلست بر قوت حال وزرا و سادات و قضات و ائمه و تجار و جمعیت خاتونان و صلاح حال خادمان و بسیاری نعم و باران در وقت خود و اعتدال هوا و صحت بیماران و امن و رفاهیت و فراخی و ارزانی و نیکی سفر دریا و بسیاری نباتات و میوه و اطعمه و نشر نعمتی و اگر در برج حوت بود دلیلست بر جمعیتها و نیکی حال خواتین بزرگ و اجابت ادعیه و بر آمدن نکاحها و رونق دین اسلام و عدل پادشاه و نیکی حال عام و سکان دریا و ایمنی ساکنان خلایق

تتمهٔ احکام قران با مشتری

قران عطارد و مشتری

دلیلست بر خوشحالی اهل قلم و تربیت یافتن از وزرا و نیکی حال اصحاب دریا و بسیار وران و بیع و شری نباتات و جواهر آبی و آلات کشتی و ادویه و رونق کار اطبا و منجمان و باران در وقت و ارزانی نرخها و خرید و فروخت باغ و املاک و اجتماع مزرکان جهت صلاح کارها و بودن بحث و مناظره و رغبت زنها و دخترها بر ضیافت و حکمیات و میل مردمان بشعر و موسیقی و آمدن اخبار راست و دوستی میان وزرا و اصحاب دیوان و رواج دار القضات ز صلاح بندیان

احکام قرانات کواکب با مریخ در مثلثهٔ آتشی ها ک ح

قران زحل و مریخ

دلیلست بر فساد حال زنان و بی باکی ایشان و محاربه و مقاتله
و رفتن بعضی مواضع و کثرت فسق و فجور و رغبت مردم بکارهای
ناستوده و آشکار شدن نوحش و بیماری از غلبهٔ خون و صفرا بهم
در خاتونان و دختران و خادمان و نکاحهای فاسد ناستوده
و دلیری زنان بدکار و نقصان بارندگی و بدی هوا
و غلبه کردن دزدان و زنان خاینه و میل امرا و لشکریان
بزنان و بسیاری لهو و لعب و بی باکی در خلایق

تتمهٔ احکام قران با مریخ ها ک ح

قران عطارد با مریخ

دلیل است بر ساختنی آلت حرب و حرکت لشکریان و غضب و
حدت در مزاج مردمان خاصه اهل قلم و ملال و زحمت عمال
و تجار و اهل بازار و مستوفیان و متصرفان و کثرت اراجیف
و اهل بازار و غمز و تهمت و خیانت میان خلایق و محاسبه و کیلان
و اخبار مخوف و فتنه و غوغا در اقلیم سیم و ششم و شهرها که به
مریخ و عطارد منسوب بود و زدن فلوس و دراهم قلب و ظهور
طراران و کیمیاگران و داغ دواب و بیماری خاصه در
اطفال و اهل قلم و عفونت هوا و گرفتاری دزدان

10

قران با مریخ در مثلثهٔ خاکی ا ه ط

قران زهره و مریخ

دلیل است بر دلیری دزدان و راه داران و کثرت فسق
و فجور و مشغول گشتن بلهو و طرب و دف و نبات و بدی هوا و
تفاوت نرخها و بیماری و بر زنان و دختران و ناسازگاری
ازواج و طلاق و فراق بسبب عاشقی و اگر در برج جدی باشد دلیل است
بر قوت حال امرا و لشکریان و بدست آوردن ولایت و اگر در
برج سنبله بود دلیل است بر فساد حال بازرگانان و عطاران
و نقاشان و خیاطان و تفرقهٔ حال اطبا و منجمان و اهل قلم و اراجیف

تتمهٔ قران با مریخ در مثلثهٔ خاکی ا ه ط

قران عطارد و مریخ

دلیل است بر خروج فضولان و ناایمنی راهها و غلبه کردن دزدان
و طراران و نقصان بازرگانان و ملال و زحمت دبیران و متصرفان
و خرابی مزرعها و نقصان بعضی حبوبات و آمدن کاروانها
و کثرت اراجیف و بدحالی متصرفان و وکیلان و آفت دواب
نقصان باران و خوف اهل قلم و متصرفان دیوان از امرا
و لشکریان و ترتیب یافتن لشکریان و خرید و فروخت اسلحه
و دواب و اگر در سنبله بود دلیل است بر طلب و خواست
و ظلم بر رعایا و تباهی و فساد نباتات

احکام	قران کواکب با مریخ در مثلثهٔ بادی ب و ی
قران زحل و مریخ	دلیل است بر فساد حال مغنیان و مطربان و کیبازی(?) و فسق و فجور و خصومت از زواج و آفت اشجار و کثرت بیماریها و اسقاط وضع حمل زنکان و نکاحها زور و آشکار شدن نواحی و دلیری زنان بدکار و تباه شدن میوها و آفت ریاحین و ارزانی اقمشه و البسه و اگر این قران در برج میزان واقع شود فساد کمتر باشد و رونق مطربان و ندیمان بود و بادها مستولی زند و اگر در برج دلو بود دلیل است بر کیفی(?) صفت حافظ شیاطی(?) و دکایتی(?) از ارباب خاندان
	تتمه قران با مریخ در مثلثهٔ بادی ب و ی
قران مشتری و مریخ(?)	دلیل است بر زحمت و مشقت دبیران و مستوفیان و عمال و تجار و اهل بازار و غضب امرا بر اهل قلم و بیدادی و ظلم لشکریان و ملال دولتخواهان(?) شعرا و ندما و فضلا و گفتن هجاها و کثرت اراجیف و بیع برده و دواب بسیار و ازدیاد(?) خشکی و غلبه جنون و سرفه و باد و صرع و مالیخولیا و دلی دواهی بازار کتب و کتابت و خطا در معالجات اطبا و اهل تنجیم و تقبید(?) افتادن دزدان و خائنان و فاش شدن خیانت زنان

احکام	قران کواکب با مریخ در مثلثهٔ آبی ج ز یا
قران زهره و مریخ	دلیل است بر فساد آبها و حیوانات آبی و بدحالی زنان بدکار و قوت کودکان و زنکان و جهال بی‌بنیاد و نبودن سرما و بارندگی در وقت و اختلاف هوا و آفت نباتات و عفونت آبها و گرفتاری بی‌باکان و اهل فسق و فجور و بدنامی زنان زناکار و اگر این قران در برج سرطان بود دلیل است بر خلاف محبوبان و اگر در برج عقرب باشد شرف(?) بدکاران و رسوایان(?) بود
قران عطارد و مریخ	دلیل است بر فساد و غرق شدن کشتیها و ملال مسافران دریا و زحمت متصرفان و عمال و تجار و زنبراب(?) داران و بدی آب و هوا و کثرت اراجیف و پیدا شدن بخار و تاریکی در هوا و بیماری از سستی اعضا و کندی زبان و بودن ظلم و طلب خراجات از رعایا و غمز و تهمت بر مردم و اگر این قران در برج حوت باشد بدتر باشد خاصه سفر دریا و اگر در عقرب باشد سلامتی کشتیها بود و اگر در برج سرطان باشد دلیل است بر بسیاری دزدان و خیانتها

احکام قران عطارد و زهره در مثلثات

در مثلثهٔ آتشی

دلیل است بر رونق کار تیر اپه فروشان و عطاران و زرگران
و اهل بازار و بسیاری بیع جواهر و برده و حیوانات و اعتدال
هوا و ابر و تاریکی و رعد و برق و نم در وقت خود و افتادن
عداوتها و عشق بازی میان دختران و پسران و ارزانی
ماکولات خاصه گوشت و شیرینی و نشاط اهل
قلم و آمدن اخبار راست

در مثلثهٔ خاکی

دلیل است بر بسیاری بیع و شری اطعمه و حبوبات و البسه و
اقمشه و نیکی و سلامتی نباتات از آفات سماوی و بسیاری
غله و ارزانی و فراخی و آمدن شغل کاروانها و کثرت اخبار و
رونق مشعبدان و بازیگران و کمی باران و بودن
سرما خشک در وقت خود و نشاط دبیران و اهل قلم
و مایل بودن این طایفه بدست آوردن املاک
و اگر در برج سنبله بود اطعمه بسیار بود و اگر ثور بود انبارها نهند

تتمه قران عطارد و زهره در مثلثات

در مثلثهٔ بادی

دلیل است بر رونق مستوفیان و دبیران و عمال و تجار
و متصرفان و مباحثه علما و اجتماع فضلا و تیزی بازار
برده و حیوانات و عطرها و لباسها و رواج کار شعرا و
بزمها و جمعیت زنان و قوت و صحت کودکان و نوشتن
عشق نامها و سلامتی اشجار و اثمار از آفات و جستن
بادها معتدل و سرما در وقت و آمدن کاروانها و رونق
دین اسلام و بسیاری سورها و ضیافات و کثرت
اخبار

در مثلثهٔ آبی

دلیل است بر آمدن مسافران دریا و بسیاری بیع جواهر آلی
و معموری باغها و بستانها و بسیاری آبها و بارندگی و سرما
در وقت و رونق کار شراب داران و لهو و لعب و طرب
در عامه و اگر در برج عقرب بود لواطه و فواحشه بسیار بود
و اگر در برج سرطان واقع شود دلیل است بر بیع جواهر و اقمشه
که از دریا باز آرند و آمدن رسولان و اگر برج حوت
شود صلاح حال ملاحان و غواصان بود و سلامتی کشتیها

جدول احکام تثلیثات و تسدیسات کواکب با یکدیگر

تثلیث مشتری و زحل

دلیل است بر الفت و محبت میان ملوک و ارباب دولت
و اعیان مملکت و شفقت وزرا بر روسا و صحرانشینان
و اهل قلاع و جبال و صلاح پذیرفتن کارها و کوشیدن سلاطین
و حکام و سروران بعدل و داد و رعیت پروری و میل مردم بخیرات
و طاعات و ایمنی و رفاهیت مشایخ و خاندانهاء قدیم
و توسط نرخها و بسیاری عمارت و زراعت
و این حکمها در تثلیث زیادت باشد

تسدیس مریخ و زحل

دلیل است بر زحم ملوک و حکام و امرا و اکابر و زیردستان
و ضعیفان و رعایا و فقرا و رونق کار محتسبان و خوف دل
لی‌باکان و کسانی که بکارهاء ناستوده مشغول باشند
و بسیاری امر و نهی و پدید آمدن حق از باطل و عمارت یافتن
حصنها و قلعها و دوستی میان شریران و مشایخ
و ساخته شدن کار روسا و حشام از امرا و لشکریان
و خشکی هوا و توسط حال مطعومات و ماکولات

تتمه احکام تثلیث و تسدیس

تثلیث زهره و زحل

دلیل است بر بزرگی و ریاست یافتن مردم بیکان و صحرا
نشینان و رونق خاندانهاء قدیم و نیکی حال مزارعان
و ترتیب یافتن این طایفه و اهل قلاع و جبال از سلاطین
و بزرگان و کم شدن جور و ستم بر رعایا و قوت پیران و ترتیب
یافتن صوفیان و گوشه نشینان و این احکام و این
نتایج در تثلیث زیاده از قوت بفعل اید

تسدیس زهره و زحل

دلیل است بر موافقت و الفت میان زنان و شوهران و فرح
مشایخ و دهاقین و میل پیران و خاندانها قدیم بعشرت
و نکاح و بسیاری عقد و زفاف و بیع برده و دواب
و فراخی و ارزانی طعمه و بسیاری البسه و اعتدال
هوا در تابستان و سرما و باران در وقت خود و بودن
سورها در حشام و اهل صحرا و خرمی در اهل قلاع و جبال و سلامتی
کشتیها

تتمه احکام تثلیثات و تسدیسات کواکب

تثلیث و تسدیس عطارد و زحل

دلیل است بر قرار کارها و بستن عهدها و نوشتن عهدنامها و رونق اهل بازار و پیشه کاران و بیع املاک و برده و رونق کار حکما و تغییر هوا و سرما و بازندگی در وقت و نوشتن قبالها و شفقت اهل قلم بر رو و صحرانشینان و کثرت اعمال و اشغال و کیلان و آمدن اخبار

تثلیث و تسدیس مریخ و مشتری

دلیل است بر دوستی میان امرا و وزرا و تربیت یافتن امرا و لشکریان و قوت کار ارباب سلاح و امرا و بزرگان و رغبت نمودن این طایفه بخیرات و طاعات و امن و رفاهیت و راندن قصاصها و ارزانی نرخها و گرمی هوا و شکستن سرما در وقت و عزت گوشت و چربی و تربیت یافتن اهل منصب از امرا و میل پادشاهان و دبیران به توبه و بازگشتن مردم از کارهای بد و ناستوده

تتمه احکام تثلیثات و تسدیسات

تثلیث و تسدیس آفتاب و مشتری

دلیل است بر قوت حال ملوک و سلاطین و سروران هر قومی و افزونی جاه و حرمت وزرا و مقربان ملوک و قضات و ائمه و حکام و اشراف و تربیت یافتن این طایفه از سلاطین و حکام و داد و عدل در پادشاهان و دارغگان و بزرگان و رواجی نقود و بسیاری خیرات و طاعات و صدقات و فراخی و ارزانی و گرمی هوا

تثلیث و تسدیس زهره و مشتری

دلیل است بر روشنی اهل ادیان و فرح در وزرا و ائمه و قضاة و توانگران و اشراف و توبه اهل طرب و سلامت حال زنان و خادمان و عزت پیرایه و ملبوسات و عطریات و برده و خوشی معیشت خلایق و ارزانی نرخها و اعتدال هوا و صحت خلایق و آمدن باران در وقت و موافقت و راستی میان ازواج و شرکا و دعوتها و ضیافتها و بسیاری مناکحات و مواصلات

تتمهٔ احکام تثلیثات و تسدیسات کواکب

دلیل است بر رونق اهل فضل و علما و متکلمان و فقها و شعرا و قوت
حال دبیران و مستوفیان و متصرفان و بازارگانان و تربیت یافتن
این طایفه از وزرا و بزرگان و امانت و راستی خلایق و بازرگانی
با منفعت و تیزی بازارها و ایمنی راهها و اخبار راست و گفتن سخنان
حق و رونق مساجد و مدارس و رغبت آمدن معالجات اطبا
و احکام نجومی و ارزانی نرخها و اعتدال هوا و بسیاری خرمن و رواج زراعت

دلیل است بر قوت حال امرا و لشکریان و اهل سلاح و تربیت یافتن و شفقت
این طایفه از سلاطین و حکام و ساختن کار لشکرها و عزت آلت حرب و اسلحه
و فراغت خلایق و گرمی هوا در وقت خود و حرارت بی موقت در مزاج
خاصه در مزاج حکام و سروران و فراخی اطعمه و رونق دار الضرب و جمعیت
و رواج آتش کاران و در زمستان دلیل است بر شکستن سرما و قیمت
گرفتن لحوم و دسوم و بعضی حبوبات که در طبعش چربی بود

دلیل است

تتمهٔ احکام تثلیثات و تسدیسات

دلیل است بر بسیاری نکاحها و شرکتها و میل امرا و لشکریان به عشرت
و نشاط و دوستی ایشان با اهل طرب و بسیاری لهو و لعب و زینت
و ضیافتها و نقش و بخور و گشتن توبهها و عشق بازی زنان با مردان
و تغییر هوا مایل با اعتدال و موافقت ازواج و نم و باران در وقت
خود و عزت گوشت و چربی و شیرینی و ارزانی دیگر اطعمه
و بسیاری میوه و بیماری از غلبهٔ خون

دلیل است بر رونق دواوین و ترقی حال عمال و متصرفان و ظهور
کیمیاگران و ساختن آلت حرب و کثرت اخبار و قوت حال ابهران
و تیزی بازارها خاصه بازار اسلحه و دواب و برده و سفید پوست و دباغی
علما و فضلا و شعرا و ریاحی محترقه و قوت حال اطبا و منجمان و تربیت
یافتن اهل قلم و عمال از امرا و داروغگان و دوستی میان لشکریان
و صحابه دیوان و گرمی و خشکی در تابستان و اعتدال هوا در زمستان

تتمه احکام تثلیثات و تسدیسات

تثلیث و تسدیس عطارد و زهره

دلیل است بر نشاط و لهو و طرب و روز را و اصحاب دیوان و متصرفان
و اهل بازار و تجار و تیز بی بازار برده و عطریات و البسه و ابریشمینه
و دوستی و عشق بازی میان پسران و دختران و رونق کار زمین
و اهل ساز و سمیه و مستقی و ترقی و خوشحالی شعرا و تیر مار لطیف طبعان
و رونق مطربان و خوش آوازان و فرح اطبا و منجمان و آمدن
خبرهای راست و اعتدال هوا

جدول احکام تربیعات و مقابلات کواکب

تربیع و مقابله مشتری و زحل

دلیل است بر مخالفت میان علما و مشایخ و وزرا و قضاة و اهل
زهد و آنکه و بیلادی و بزرگان و اشراف و اعیان و خطابت را
بار و ساو احشام و اهل قلاع و جبال و مخوف بودن صحرانشینان و ظلم
و جور بر رعایا از عاملان و بد حالان و بیماری و ملال مشایخ
و توانگران و تنزل حال خاندانهای قدیم و خرابی مواضع و تغییر حال
ملوک و ممالک و تفاوت نرخها و بد شدن هوا و بیماری بزرگان از غلبه سودا

بالای تیر از

تتمه احکام تربیعات و مقابلات

تربیع و مقابله مریخ و زحل

دلیل است بر فتنه و آشوب و محاربه و مقاتله و افتادن
عداوتها و بدحالی زردان و قصد بزرگان و حیرت و نا
ایمنی خلایق و بدحالی صحرانشینان و فرار رعایا و شبیخون
در کوه و پایها و ملال قلعه داران و تفرقه و سرگردانی لشکریان
و بیماریها مهلک و نا ایمنی راهها و قطع و تب و دوات و خرابی
خاندانها قدیم و ظلم و جور بر رعایا و بد شدن هوا و بی کنش حیا
و دشمنان و گرفتاری دزدان

خرابی مرزها شهرها

تتمه احکام تربیعات و مقابلات

تربیع و مقابله آفتاب و زحل

دلیل است بر فتنه و آشوب خاصه در اقلیم اول و چهارم و غضب
ملوک و حکام بر رعایا و احشام و ظلم و جور و طلب از رعایا و خیانت
وکلا و انگیختن عداوتها و خصومتها و رسوا شدن دشمنان
ملوک و سختی و بیماری و خوف ملوک و سروران هر قومی
و حیرت شدن ایشان در تعویق و توقف در مهمات خاصه حکام
و سلاطین را و فنا و نقود و دواب و تفرقه رعایا و تغییر احوال
و سرما و برف نامناسب وقت

تتمهٔ احکام تربیعات و مقابلات

تربیع و تقابل زحل و زهره و مشتری

دلیل است بر شفتگی میان زنان و شوهران و رغبت
علما و اهل ورع بطرب و زینت و فاش شدن راز پارسایان
و طلب کردن حقوق شرعی و تهمت بر ایشان و قضات
و وزرا و مصیبتها و تفاوت نرخها و اعتدال هوا و
بسیاری میوه و شیرینی و بودن مجالس موعظه و نصیحت
و رونق دین اسلام و خوف و وهم در فاسقان و بی باکان
و خرید و فروخت اقمشه و البسه

تربیع و تقابل عطارد و مشتری

دلیل است بر جدل و مناظره میان دانشمندان و تعصب
اهل ادیان و حیلت و نفاق در میان بزرگان و نوشتن
محجتها و فتویها به تزویر و تفاوت نرخها و خیانت
متصرفان و عمال در صورت راستی و جستن بادها
خوش و نم و باران در وقت خود و نا راستی در قضات
و اشراف و بزرگان و خطاب ایشان را با متصرفان و مستوفیان
و محاسبه و مناظره میان اهل قلم و اصحاب دیوان
و کثرت اخبار ملون

تتمهٔ احکام تربیعات و مقابلات

تربیع و تقابل آفتاب و مشتری

دلیلست بر مخالفت امرا و لشکریان با ملوک و سلاطین
و غضب ملوک بر این طایفه و افتادن عدا و تها و فتنه و حیرت
سفیران و خانیان و فاش شدن اسرار منی الفان
و حرب مقاتلان و اراجیف و هراس غذر دیها و خرابی
مواضع و در ماندن بدکاران و نکبت ملوک قدیم و بدی
هوا و بیماری و فساد در زر و درهم و تنفر قمرانان اکابر
و جوهریان

تربیع و تقابل زهره و مشتری

دلیل است بر رسوا شدن اهل فسق و فجور و تهمت و غمز
بر مردان و زنان و فراق و طلاق و اسقاط و منع حمل و در ماندن
زنان بدکار و بیماری خواتین و اهل طرب و غلبه خون و امزجه
و تفاوت نرخها و نقصان و ملال خواتین و نقصان
ایشان از مریخیان و لشکریان و فساد و نقصان
میوه و تغییر هوا و باد که مضطرب و قبض خاطر مردم

تتمهٔ احکام تربیعات و مقابلات

تربیع و مقابلهٔ عطارد و مریخ

دلیل است بر عداوت میان امرا و اهل قلم و اصحاب
دیوان و متصرفان و لشکریان و غضب امرا بر عمال
و مباشران و طلب آلت حرب و ظلم و خورت بر مخترفه
و خیانت عمال و وکلا و اهل قلم و زدن راهها و خطا
در معالجات اطبا و احکام نجومی و فساد حال کیمیاگران
و آتش کاران و ساحران و وراحنف و نوشتن حفظها
دروغ و اندوه فضلا و فاش شدن خیانتها و تغییر غفوتها

تمام شد احکام قرانات و تثلیثات
و تسدیسات و تربیعات و مقابلات
و احکامی که ذکر رفت در تثلیثات و مقابلات
زیاده از قوت بفعل آید
که در تسدیسات و تربیعات
و بعد از این در احکام احتراقات شروع نماییم

محمد تقی رشت

جدول احکام احتراقات کواکب در مثلثات

احتراق زحل در مثلثات آتشی

دلیل است بر نکبت ملوک و سلاطین در اطراف مشرق و اقلیم
چهارم و کشته شدن بزرگان و رنج و زحمت اکابر و خاندانهای قدیم
و بلا و فساد اهل بیتها و تفرقهٔ حال مزارعان و بسیار بهاء در ارکش
و تغییر هوا و اگر مشتری اینجا بود یا ناظر باشد دلیل است بر
منی الفت لشکریان با ملوک و اگر زهره بود دلیل است بر بیماری
و موت زنان و اگر عطارد بود اندوه اهل قلم باشد
و اگر قمر بود دلیل است بر بدحالی عامه

دلیل بر وفات
اطبا و کمی فساد
و اگر مریخ اینجا بود
و دلیلست

تتمهٔ احکام احتراقات

احتراق زحل در مثلثات خاکی

دلیل است بر فساد حال ملوک و اکابر خاصه در جهت جنوب
و زمین خراسان و تباهی نباتات و خوردنیها و سرما و
تغییر هوا و اگر مشتری اینجا بود یا ناظر بود فساد کمتر بود و میوه
نیکو بود و فراخی بود و اگر مریخ اینجا بود خشک سال بود و فساد
اطعمه و گرانی کاریزها و اگر زهره بود بیماری زنان و ناسازگاری
با شوهران و اگر عطارد بود [illegible] دلیل است بر زوال
حال اهل قلم و بیم از نهب و زلزله و اگر قمر بود بازرگانی و رنج
مسافران بود و اندک کاروانها

تتمه احکام احتراقات

احتراق زحل در ... بادی ...

دلیل است بر فتنه و تشویش میان ملوک و اکابر در جهت
جنوب و بدی هوا و بیماری عامه و سرما و برف در وقت
خود و اگر مشتری انجا بود یا ناظر باشد بادها خوشی و زر
و میوه و اطعمه نیکو بود و اگر ~~زهره انجا بود~~ در جنوب و اقلیم
سیم فتنه و تشویش بود و اگر زهره انجا بود اهل طرب
و زنان را زیان رسد و آفت اشجار و انهار بود و اگر
عطارد انجا بود مردم در علوم دقیق کوشند و رواج شعرا
و ندما بود و اگر قمر بود بارندگی و سرما بود در وقت و تفرقه ع...
در رسولان

مریخ انجا بود

احتراق زحل در ... ابی

دلیل است بر علت و رنج ملوک در اطراف شمال و اقلیم چهارم
و فساد و مسافران دریا و بارندگی و سرما در وقت
و اگر مشتری انجا بود یا ناظر باشد سود دریا بهتر بود
و بازرگانان را منفعت دهد و اگر مریخ انجا بود بیم بود از فتنه
و فتنه میان زنگان و اگر زهره انجا بود بارندگی و سرما
بود در وقت خود و علتها از بلغم و سودا و اگر عطارد
انجا بود کار و انهار رسد و تیزی بازارها باشد و اگر قمر
بود کشتیها خراب گشتن آید و آمد شد مسافران

تتمه احکام احتراقات

احتراق مشتری در ...

دلیل است بر قوت حال ملوک و سلاطین اطراف مشرق و
اقلیم چهارم و نکبت وزرا و ایمه و اقلیم دوم و فتنها پوشیده
و عزت نقود و گرمی هوا و فراخی اطعمه و اگر مریخ بود یا ناظر
باشد قتلها واقع شود در طرف مشرق و خراسان و غضب در
مزاج ملوک و ساختن آلت حرب و اگر زهره انجا بود
اعتدال هوا و نیکی طعام و میوه و اگر عطارد بود
تیزی بازارها و اب و صرافان و جوهریان
بود و اگر قمر انجا بود ابرها و نمها بود و کثرت اخبار

احتراق ... در ...

دلیل است بر قوت حال سلاطین در جهت جنوب و داد
و عدل ایشان و فراخی اطعمه و شیرینیها و اگر مریخ انجا بود
یا ناظر باشد خیانت و ظلم و خواست باز دید آورد و خشکی
هوا و فساد اطعمه و حرکت عساکر و اگر زهره انجا بود
فراخی اطعمه بود و سرما در وقت و اگر عطارد بود
دلیل تغییر هوا است و اگر قمر بود بارندگی باشد
و زحمت مسافران

دلیل است بر تفرقه بسط حال ملوک در طرف مغرب و بکار داشتن ناموس و
فراخی طعمه و نیکی اشیا و صحت خلایق و میل مردم بطاعات و خیرات
و حرارت هوا واگر مریخ انجا بود یا ناظر باشد بیماری
باشد از باد گرم و غلبه خون و بدید آمدن شهب واگر زهره
انجا بود دلیل است بر بر آمدن نکاحها و ارزانی میوه
واگر عطارد انجا بود بادهاء سخت وزد و تیزی بازارها
بود واگر قمر انجا بود بارندگی بوقت اید و تغییر هوا

دلیل است بر نیک حالی ملوک در طرف شمال و اعتدال هوا و
سلامتی مسافران دریا و بسیاری آبها و فراخی معیشت واگر
مریخ انجا بود یا ناظر باشد فساد کشتیها و جنبش اهل آن
بود و فساد حیوانات آبی واگر زهره انجا بود آبها و بارانها
بسیار باشد و ابرهاء سیاه و کدورت در هوا پیدا شود واگر
عطارد انجا بود خرید و فروخت بسیار واقع شود و دلیل است
بر بر آمدن کارها و اگر قمر بود سیلابها مخرب آید

دلیل است بر غضب و تندی در مزاج ملوک و حکام و حرب و مقاتله و
در جهت مشرق و اقلیم سیم و چهارم و فتنهاء پنهانی و نکبت اکابر و
مخالفت میان امراء و لشکریان و مرگ حیوانات و فساد جواهر
واگر زهره انجا بود یا ناظر باشد اعتدال هوا بود و ارزانی
نرخها و فرح بزرگان واگر عطارد بود دلیل است بر آمدن
رعد و برق و زدن درهم واگر قمر انجا بود

دلیل است بر نکبت ملوک و اکابر در جهت جنوب و فتنها و فرو
رفتن قومی و مخالفت لشکریان و خیانت و دزدی و خرابی
مزارع و مقامهاء عالی واگر زهره انجا بود یا ناظر باشد
نیکی و فراخی میوه و پنبه و کتان بود و سرما در وقت واگر عطارد
انجا بود خشکی سرما بود و مرگ بهایم و بیع و شری برده و تنوق
حال اهل قلم و تغییر هوا و اراجیف واگر قمر انجا بود باران
و سرما بود و قوت نباتها و آمدن حب فراق و تردد بیگانه و جاسوسان

بقیهٔ احکام احتراقات

دلیل است بر قتل و بیماری در سلاطین و حکام مزمن و تشویش و اراجیف و بیماری از سرخ با دو غلبهٔ خون در امزجه و بدی حال امرا و لشکریان و مخالفان پادشاه و بقید افتادن بدکاران و دزدان و اگر زهره اینجا بود یا ناظر باشد دلیل است بر برآمدن بادهای خوش و بارندگی و تن درستی خلایق و فراخی و ارزانی اطعمه و البسه و اگر عطارد اینجا بود اراجیف بسیار باشد و اگر قمر اینجا بود نم و وبا بود و منی نعمت عامه

بقیهٔ احکام احتراقات

دلیل است بر فتنه و مخالفت در جانب شمال و توجه کردن سنفلکان و قتل و شبیخون و فساد در بها و فرو ماندن خانیان و اگر زهره اینجا بود یا ناظر باشد باران و سرما در وقت بود و فراخی و ارزانی اطعمه و حبوبات و اگر عطارد اینجا بود معانی ساقران بود و تغییر هوا و کسادی بازارها و اگر قمر اینجا بود سیلها خراب کننده آید و آبها زیادت شود

بقیهٔ احکام احتراقات

دلیل است بر بیماری زنان و خادمان و اهل طرب و فساد در اقلیم پنجم و افتادن فتنهها و آفتها و نکاحها و رغبت و قیمت گرفتن البسه و اعتدال هوا و میل سلاطین و حکام بعشرت و نشاط و خطاب کردن بزرگان با خادمان و زنان و بیماری و موت دختران و اگر عطارد اینجا بود زدن سکه و نقش بستن کارها و بیع جواهر و دواب باشد و اگر قمر اینجا بود اختلاف هوا و نم و سرما بود در وقت خود

دلیل است بر فنا و خلل نباتات و میوه و باغ و زحمت خاتونان و اهل طرب و ضرر بهم در طرف جنوب و اقلیم پنجم و برآمدن نکاحها و بیماری خاصه در اطفال و دختران و مرغ کاو و کوسفند و ف و اطعمه و شکوفه و سرما در وقت و اگر عطارد بود اینجا بود تشویش و اراجیف بود و تفاوت نرخها و اگر قمر اینجا بود باران بسیار آید اما در وقت خود و سرما و فراخی اطعمه آید و رسولات و پیکان کوسف

تتمه احکام احتراقات

دلیل است بر رنج خواتین و خدم و اهل طرب و بیماری در طرف
مغرب و اقلیم پنجم و فساد برده و آمدن باد تند و خورش و بسیاری
نکاحها و سورها و رواج مغنیان و اگر عطارد آنجا بود
دلیل است بر بسیاری بیع و شری و عزت جامهها و قیمت و
رونق کار اهل طرب و رواج شعرا و ندما و اگر قمر آنجا بود
یا ناظر باشد سرما بود در وقت جنبیدن آبها و
اندک مسافران و غوغا در میان عامه والله اعلم

دلیل است بر بسیاری توالد و تناسل و رنج زنان حامله و
اگر در برج عقرب بود دلیل است بر فساد حال زنان بدکار
و بارندگی و اگر در سرطان بود دلیل است بر ارزانی جواهر
آبی و طرب در عامه و اگر در برج حوت بود دلیل است بر تنگی
سود دریا و قوت خاتون تا در جهت شمال و اگر عطارد
آنجا بود دلیل است بر بارندگی و آمد شد مسافران و اگر
قمر آنجا بود یا ناظر دلیل است بر بسیاری آبها و آمدن سیلها در وقت
و حرانی سکار زیرا

تتمه احکام احتراقات

دلیل است بر رونق دواوین و زیادتی خراج و خراج
از رعایا در طرف مشرق و رنج متصرفان و عمال و بیماری
اطبا و منجمان و نبوشتن منشیها دیوانی و بیع جواهر و
مرصعات و اندوه تجار و محترفه و محاسبه و کیلان
و اگر قمر آنجا بود یا ناظر باشد تجار و منجم و کودک درست
پیدا شود و خرید و فروخت جواهر آبی بسیاری و اکسته
و خبرهای مختلف رسد والله اعلم

جدول احکام جاسدات کواکب از احتراق

دلیل است بر فساد نباتات و رنجها و روانیان تجار
و سرما در وقت و بیماری در حیوانات سم شکافته
و زحمت ارباب قلم و متصرفان و خشکی هوا خاصه در
جهت جنوب و بسیاری بیع ضیاع و عقار و اگر قمر آنجا بود
یا ناظر باشد سرما مفرط بود اما در وقت در برابستان
گرما باشد و در حیوانات آبی بود و وهم
مسافران دریا و بازرگانان بی منفعت و کثرت اراجیف

دلیل است بر حرارت در مزاج ارباب قلم و وزرا و مستوفیان
و عمال و تجار روا آمد شد کار روا نهاد و بیع رده و دوات و دلتنگی غمناکیها
و ستم بر اهل دیوان و آمدن باد های خوش خاصه کر در جوزا بود
دلیل است بر نزهتها و نکاحها و سورها و بیع جامها با قیمت
و اگر در دلو بود مردمان میل نمایند بعلم اسطرلاب و آلات رصد
و اگر قمرانی بود دلیل است بر آمد شدن رسولان و نوشتن نامها
و بوت حال پیکان و جاسوسان

تم احکام احراقات

دلیل است بر آفت کشتیها و تنوقه مسافران دریا و بسیاری
آبها و تغییر هوا و ریح جوانب آلی افت میوه و بارندگی در وقت
و مخوف و منهزم بودن محاسبون و وکیلان و کسادی بازارها
بازار کتابت و بیماری کودکان و اگر قمرانی بود دیا نار آب سیلها
مخرب آید و آبها بسیار شود و اما نباتات و فواکه
نیکو آید و عمارت باغ و بستانها کنند و در مواضع نیل بشکند دریا

تم احکام احراقات

دلیل است بر قوت حال مشایخ و اهل خاندانها قدیم و افزونی
جاه و مرتبه این طایفه و تازه شدن دولتها قدیم و فراخی
معیشت و رونق صوامع و زاویها و میل مردم بعبادت و زهد
و ناموس و قوت حال گوشه نشینان و رفتن
مردم بمزارات و مواضع متبرکه و نیکی حال حشام
و مزارعان و بسیاری زراعت و سلامتی مزروعات

تم احکام مجاسدات

دلیل است بر ضد آنچه در احکام راس گفته شده و دلیل است
بر بیماری و فساد دواب بارکش و بدخوری و موت پیران
و ارباب خاندانها قدیم و خشکی هوا و امراض مزمن
از بلغم و سودا و موت از زهر و بسیاری حقنه و رنجها و نهانی
و فساد حال صحرانشینان احشام و رنج کودکان
از دیو و پری و زحمت از مفسدان و بدسلان

تتمه احکام مجاسدات کواکب

مشتری با راس

دلیل است بر بسیاری خیرات و طاعات و خوشحالی اهل ایمان و میل مردم به تقوی و رفتن بزیارات و سفر حجاز و اجابت ادعیه و داد و عدل در سلاطین و حکام و قوت حال وزرا و سادات و رونق دار القضات و رونق مساجد و مدارس و فراخی و ایمنی خاصه در اقلیم دوم و خراسانات

مشتری با ذنب

دلیل است بر ضد آنچه در راس گفته شد و بدی هوا و خیانت اهل دیانتی در کارها و اسراف و مرض و تاراج رعایا و نفاق میان بزرگان و نا راستی حکام و عدول و تحکم و میل قضات به باطل کردن حقوق شرعی و محروم شدن مستحقان

مریخ با راس

دلیل است بر توبه بدکاران و مفسدان و شریران و جانیان و بدید آمدن زاهد و پارسایان بی عمل و رونق پذیرفتن اعمال و اشغال لشکریان و صحت بیماران خاصه در اقلیم سیم و ترحم در مزاج امرا و داروغگان و بدید آمدن عساکر در اطراف

تتمه احکام مجاسدات

مریخ با ذنب

دلیل است بر ضد آنچه در راس گفته شد و بودن خیانتها و قصد بزرگان از امرا و بیماریها از مرض و سوداوی و متعهد شدن امرا و معزولی ایشان از مناصب و سرگردانی لشکریان و وجع و مالیخولیا و فتنهها ناحق و نا ایمنی و گرفتار شدن دزدان و کسادی بازار اسلحه

آفتاب با راس

دلیل است بر داد و عدل ملوک و سروران و کوشش نمودن ایشان در خیر و صلاح و افزونی محاکم و ارزانی و بیرون آمدن جواهر با قیمت از کانها و میل مردم بخیرات و مهربانی و زیادتی عز و جاه بزرگان و علما و فقها و منجمان و سپاه و تی درستی خاصه در اقلیم چهارم

آفتاب با ذنب

دلیل است بر ضد آنچه در راس گفته شد و الجوری بزرگان و قبض خاطر سلاطین و حکام و قید و بند داروغگان و ملال حکام از سفلگان و بد حالی و درد چشم و هراس در بزرگان و خشکی هوا و نقصان آبها و فساد چرندگان و بیماری از صرع و سودا

تتمه احکام مجاسدات

زهره با راس

دلیل است بر قوت و حشمت خاتونان و اهل طرب و ترقی احوال
خادمان و توبه اهل طیب و دهقانان و رونق دین اسلام
و افزونی اعتقاد مردم در راستی و صحه و رونق بازار عطر
و مروارید و البسه و برده و قیمتی و آمدن بادهای خوش و
فراخی معیشت و نیکی نباتات و اجابت دعاها

زهره با ذنب

دلیل است بر ضد آنچه در راس گفته شد و اسقاط وضع
حمل و بیماری در زنان و خادمان از آکسیر ریشی
و حصبه و آبله و بیرون آمدن زنان ساحره و تفرقه
حال اهل طرب و تضحاط عامه و بی رونقی دین اسلام
و بدی هوا و نقصان میوه و شکوفه و نباتات

عطارد با راس

دلیل است بر قوت حال اصحاب دیوان و تجار
و اهل تفنگ و بیشه کاران و ظهور فصحا و شعراء
و رغبت مردم بخواندن و نوشتن اخبار راست
و راست آمدن احکام منجمان و معالجات اطباء و فرو رفتن
و امانت و درستی اهل قلم و نوشتن مثالها و عهدنامها
و رواج بازار کتب

تتمه احکام مجاسدات

عطارد با ذنب

دلیل است بر ضد آنچه در راس گفته شد و بروز کردن
مردم منافق و دروغگوی و گفتن هجوها و بیماری از
دیوانگی و صرع و ترس کودکان و نوشتن خطها
به تزویر و دروغ و کسادی بازارها و خیانت عمال راستی
عمال و متصرفان و گواهی به دروغ و نادرستی در عدول
و بی رونقی پیشه کاران و کثرت اراجیف

تمام شد احکام مجاسدات کواکب
با راس و ذنب بعد از این
شروع نماییم در احکام
قران قمر با کواکب سبعه در
بروج

جدول احکام قرانات قمر با کواکب ششگانه در بروج قران قمر با زحل

در حمل	دلیل است بر تغییر هوا و بخارها و سرما و باران در وقت و فساد حیوانات و تفرقه عام و تردد لشکریان و آمدن اخبار از سفر
در ثور	دلیل است بر غم و اندوه اکابر و بزرگی زادگان و زنان محترم و فساد نباتات و دواب و سرما در وقت
در جوزا	دلیل است بر جستن بادها مضطرب و ملال فضلا و اهل قلم و رنج مسافران و زحمت و کسادی بازارها و تیرگی هوا و آمدن اخبار
در سرطان	دلیل است بر سرما و بارندگی در وقت خود و کراهیت عامه و مسافران دریا و جستن بادها معتدل و آفت حیوانات آبی و ملال تجار و کدورت هوا
در اسد	دلیل است بر وسستی کار و قبض خاطر بزرگان و بدحالی مسافران و رسولان و جاسوسان و تغییر هوا و الله اعلم بالصواب
در سنبله	دلیل است بر نکبت مسافران و زحمت متصرفان و سرما در وقت خود و فساد اطعمه و نباتات و رسیدن اخبار و ملال خاطر و تفرقه عامه

تتمه قران قمر با زحل

در میزان	دلیل است بر جستن بادها مختلف و آمدن اشخاص و رسولان از جهت نکاح بزرگان و بیع برده و دواب و سرما و تغییر هوا و بادها و آفت و ملال و دلگیری
در عقرب	دلیل است بر فرو ماندن مسافران و در ماندن جاسوسان و پیکان و سرما و بارندگی در وقت و سرگردانی قافله‌ها و گرفتاری دزدان و بدکاران والله اعلم
در قوس	دلیل است بر فرو ماندن مسافران و در ماندن جاسوسان و پیکان و سرما و بارندگی دلیل است بر بیماری میان خلایق خاصه بزرگان و فساد حیوانات که بر سواری
در جدی	دلیل است بر بدحالی مسافران و قاصدان و آفت حیوانات که در کوه باشند و نقصان کشت و زراعت و اندوه
در دلو	دلیل است بر جستن بادها خوش و قبض خاطر بزرگان و علما و مشایخ و بارندگی و سرما در وقت خود و خوف در عامه و عفونت
در حوت	دلیل است بر ابر و نم و باران در زمستان و فساد حال مسافران خاصه در طرف دریا و آفت کشتیها و مکروهی و قبض خاطر علما و وزرا و اشراف و تجار

عامه

عامه

در قران ماه با زحل در میزان آفت حاصل شود و تشویش و سفر عام

مشایخ و سرما و باد در برف و ... در وقت خود در کوه‌ها

جدول	تمت تحویل احکام قمر با مشتری در بروج دوازده گانه
در حمل	دلیل است بر کمی هوا و گرمی و نیک حالی مسافران و ایمنی و رفاهیت خلایق و خرید و فروختن حیوانات و زینت و آرایش و ساختن زر و سیم
در ثور	دلیل است بر قوت و جمعیت عامه و بزرگ زادگان و ایمنی راهها و رسیدن کاروانها و آوردن برده و سلامتی انسجام (?) بروا ستار (?)
در جوزا	دلیل است بر رسیدن خبرهای خوش و اجتماع خلایق به مهمات خیر و اعتدال هوا و نوشتن خطها و نامها و وزیدن بادهای معتدل
در سرطان	دلیل است بر نیکی حالی عام بر محترفه و فرح در بزرگان و بیع جواهر ابلی (?) و آمدن کاروانها و سلامتی مسافران و نیکی کار تنها با متعلق
در اسد	دلیل است بر بزرگی و عزت طلبیدن عامه و خرید و فروخت جواهر و رواجی بازار صرافان سبب ختی (?) سیر ابر و زینت و گرمی هوا
در سنبله	دلیل است بر قوت حال بزرگان و جمعیت وزرا و اهل دیوان و ترقی حال علما و اشراف و نیکی کشت و زرع و خرید و فروخت حبوبات و اطعمه

	تمت احکام قران قمر با مشتری
در میزان	دلیل است بر وزیدن بادهای خوش و نیکی میوه و آمدن اخبار راست و اجتماع علما و اشراف و تباری (?) صالح و مواصلات
در عقرب	دلیل است بر بسیاری باران در وقت و توبه رهزنان و بندگان و فرومایگان و مسافران و حرکت لشکر یا جمله در جهت شمال و بیماری اطفال
در قوس	دلیل است بر قوت حال و جمعیت ایمه و سادات و اتقیا (?) مردم و برآمدن قضا و نیش (?) حاکمان و خرید و فروخت دواب و برده و گرمی هوا و میل مردم به علوم
در جدی	دلیل است بر ایمنی راهها و نیکی حال مسافران و اعتدال هوا و جمعیت عام و سلامتی نباتات و شد فرزاد (?) و گوسفندان کوهی و گرد آمدن خلایق به ضرورت [illegible]
در دلو	دلیل است بر جستن دزدان و اجتماع صناع و حکما و اهل طلسمات و خواندن غرایب و قوت حال خاندانهای قدیم
در حوت	دلیل است بر نشاط (?) عامه و اجتماع و صحبتها خیر و تردد خلایق به قضات و وزرا و آمدن مسافران خاصه در طرف دریا و باران نافع والله اعلم

جدول احکام قران قمر با مریخ در بروج دوازده گانه

برج	احکام
در حمل	دلیل است بر گرمی هوا و خصومت و تفرقه عامه از لشکریان و بیماری از غلبه و تباه شدن حیوانات خاصه در کوسفندان
در ثور	دلیل است بر غلبه عامه و لشکریان و فرو ماندن خانیان و ملال مسافران و غلبه کردن دزدان و راه زنان و ظلم بر عالم
در جوزا	دلیل است بر خبرها دروغ و فتنه میان عوام و اهل فضل و ملال ارباب قلم و تجار و جستن بادها و بیماری از غلبه خون
در سرطان	دلیل است بر غوغا و گفت گوی عامه و فساد و بدکاران و زحمت و مشقت مسافران دریا و نم دار و کدورت هوا و رعد و برق در وقت خود
در اسد	دلیل است بر آمد شد رسولان و جاسوسان و گرمی هوا و فساد حیوانات و مردن سباع و اندوه و تفرقه حکام و خوف در دل از ایشان
در سنبله	دلیل است بر کثرت اراجیف و ظلم از دیوانیان و لشکریان بر رعایا و رنج و زحمت محترفه و آفت نباتات و مزروعات و بیماری اهل قلم

تتمه قران قمر با مریخ در بروج

برج	احکام
در میزان	دلیل است بر مخاطره مسافران و زحمت و تفرقه حال زنان و اهل طرب و جستن بادها گرم و ناسازگاری
در عقرب	دلیل است بر قید و بند جاسوسان و پیکان و بدحالی مسافران دریا و متعفن شدن آبها و پیدا شدن بخارها و کدورت و تغییر هوا
در قوس	دلیل است بر حرارت هوا و داغ کردن چهارپایان و کارها آتشی کردن و خصومت میان اکابر و سستی تجار و دیت
در جدی	دلیل است بر گرفتار شدن قاصدان و پیکان و حاجیان و زحمت و مشقت عوام از لشکریان و خصوص در اعمال میان ...
در دلو	دلیل است بر جستن بادها گرم و بیماری مشایخ و خوف در راه سادات و حشم و مردم خاندانهای قدیم و بدی هوا و توقف مسافران و ساختن طلسمات
در حوت	دلیل است بر برف و آبها و آفت کشتیها و مردن حیوانات آبی و زحمت مسافران دریا و اندوه عامه و ملال و تفرقه علما و سادات و اشراف

جدول	احکام قران قمر با شمس در بروج دوازده گانه
در حمل	~~دلیل است بر اندوه خاطر ملوک و سروران و آمدن رسولان و جستن بادها و بستن نکاحها و غم و تاریکی و کدورت هوا~~
در ثور	دلیل است بر زرف و آفت نباتات و مزروعات و رنجوری حیوانات سم شکافته و بدحالی مسافران و نهادن بناها و زحمت دلال اهل طرب
در جوزا	دلیل است بر جستن بادها و نوشتن مثالها و فساد و نقصان اشجار و اثمار و گرمی و تیرگی هوا و اندوه اهل قلم و آمدن اخبار
در سرطان	دلیل است بر بزرگی جستن عام و کدورت و تغیر هوا و باران در وقت و آمدن مسافران دریا و [illegible]
در اسد	دلیل است بر اجتماع ملوک از کار در مجلس و مواضع رفیع و شادی و طرفات و فاش شدن اسرارها و گرمی هوا و آمدن مسافران و قاصدان ملوک
در سنبله	دلیل است بر جمعیت اهل دیوان و رسیدن خبرها و نامها و نوشتن فرمانها و نشانها و سرگردانی عام و روایی مسطعومات

	تتمه احکام قران قمر با شمس
در میزان	دلیل است بر اندوه خاطر ملوک و سروران و آمدن رسولان و جستن بادها و بستن نکاحها و غم و تاریکی و کدورت هوا
در عقرب	دلیل است بر بازماندگی و سرما در وقت و درماندن جاسوسان و توقف مسافران و فساد اینها و تیرگی هوا و سرگردانی لشکرگاه
در قوس	دلیل است بر اختلاف هوا مایل بگرمی و کدورت خاطر بزرگان و زحمت علما و قضات و اشراف و بسیاری بیع و شری برده
در جدی	دلیل است بر بیماری اغلب از خشکی و درماندن جاسوسان و پیکان و فساد حیوانات کوهی و اندوه
در دلو	دلیل است بر رنج ملوک و خوف اکابر و جستن بادها خنک و نم و باران در وقت خود و بدحالی مسافران و ناایمنی راهها
در حوت	دلیل است بر بازماندگی و سرما در وقت خود و بزرگی جستن عامه و سفلگان و رسیدن مسافران و اجتماع وزرا و علما و اشراف والله اعلم

جدول احکام قران قمر با زهره در بروج دوازده گانه	
در حمل	دلیل است بر خرید و فروخت جواهر و پیرایه و سیم و بسیاری مناکحات و مواصلات و ارزانی گوشت و خرمی و ابر و کدورت هوا و اخبار
در ثور	دلیل است بر صلاح حال بزرگان و وزرا و کتّاب و عزت خاتونان و رواج اهل طرب و اجتماع زنان و عروسیها و مهمانیها و رسیدن مسافران
در جوزا	دلیل است بر وزیدن بادها و خوشی و رسیدن خبرها و راستی و درستی عهدها و مهرها و میل مردمان بشعر و خط و نقاشی و نشاط اهل قلم
در سرطان	دلیل است بر بسیاری جواهر آبی و منفعت و فایده مسافران دریا و نشاط و طرب در عام و بارانها نافع در وقت خود و اخبار
در اسد	دلیل است بر بسیاری نکاحها و معاشرت خاصه میان بزرگان و لهو و طرب در ملوک و حکام و وزرا و درهم و فرح و عشرت خاتونان و رواج دار الضرب
در سنبله	دلیل است بر نیک حالی مسافران و خوش حالی بیکاران و راه داران و نکاحها و زور و رغبت و نشاط در وزرا و اهل قلم و بیع و شری برده و دواب

تتمه احکام قران قمر با زهره در بروج	
در میزان	دلیل است بر قوت حال خاتونان و رونق اهل طرب و برآمدن نکاحها و جمعیت خلایق و ضیافتها و عروسیها و وزیدن بادهای معتدل
در عقرب	دلیل است بر بازرگانی و سرما در وقت خود و زود شکستگی احوال مسافران و رنجیدن خاتونان و اهل طرب و خدمتکاران و ناایمنی و تفرقه عامه
در قوس	دلیل است بر رونق و نشاط در علما و فقها و میل عامه بزهد و ورع و بیع برده و دواب و درهم و زر و رونق سکه و اجتماع خلایق در مدارس و دار القضا
در جدی	دلیل است بر شفقت و سرگردانی مسافران و فنا قلعها و نیکی کشت و زرع و خوشی هوا و سرما و بسیار بیع برده و دواب
در دلو	دلیل است بر جستن بادها و نم و باران در وقت خود و عشرت مشایخ و قوة حال حکام و برآمدن نکاحها و بسیاری لهو و طرب و کثرت اخبار
در حوت	دلیل است بر خنکی هوا و آمدن باران و سیل در وقت خود و اجتماع خواتین و نشاط اهل طرب و وزرا و بزرگان و منفعت مسافران خاصه سفر دریا

جدول احکام قمر با عطارد در بروج دوازده گانه

در حمل	دلیل است بر خریدن و فروختن اسلحه و دواب و تغییر هوا و پدید آمدن ابرها و بخارها و رسیدن اخبار از ملوک و گشتن عهدنامها
در ثور	دلیل است بر خشکی هوا و خریدن و فروختن حبوبات و حیوانات و ضیاع و عقار و بیماری عماران و کشت و زرع و آمدن رسولان و قاصدان
در جوزا	دلیل است بر رونق دواوین و قوت حال اهل قلم و عمال و نوشتن خطها و رسیدن اخبار و نامها و جستن بادها و بیع برده و دواب
در سرطان	دلیل است بر فرستادن رسولان و آمدن کشتیها و بیع جواهر آبی و بارندگی در وقت و گرد و تاریکی در هوا و فرح عام
در اسد	دلیل است بر حرکت ملوک و حکام و رسیدن قاصدان و اخبار از ملکی و بیع جواهر کانی و گشتن عهدنامها و فتنها
در سنبله	دلیل است بر رونق دیوانها و مجادله و مباحثه اهل محکمه و آمدن رسولان و خریدن و فروختن غله و برده و میل مردم بخواندن و نوشتن

تتمه احکام قران قمر با عطارد

در میزان	دلیل است بر جستن بادها مضطرب و نم و کدورت هوا و بیع برده و رونق کار شعرا و ندما و اهل طرب و دوستی میان دختران و پسران
در عقرب	دلیل است بر ابر و کدورت هوا و کثرت اراجیف و زحمت مسافران و درماندن جاسوسان و قاصدان و روائی بازار اسلحه
در قوس	دلیل است بر بیع برده و حیوانات و رونق پیشه کاران و رسیدن منشیان و مناظره و مباحثه و نوشتن فتاوی
در جدی	دلیل است بر فرو ماندن مسافران و بیگانگان و اختلاف هوا و بیع ستور و سرما در وقت و مناظره و مباحثه میان علما
در دلو	دلیل است بر جستن بادها مختلف و خوف عام و کثرت اخبار و بحث در علوم دقیق و ساختن طلسمات
در حوت	دلیل است بر رسیدن مسافران و تیرگی هوا و بارندگی در وقت و دعویها و گفت و گوی میان خلایق و فروبستگی کارها والله اعلم

احکام مجاسده قمر با راس و ذنب و کید

[illegible]

دلیل است بر نیکی احوال عام و خیرات و طاعات میان مردمان و شفقت بزرگان بر زیردستان و رعایا و روایی کارها و بازرگانیها با منفعت و انجبار خوش و رفتن مردم بمزارات و اجابت دعاها

[illegible]

دلیل است بر خنده در راس که هر شرد بیماری کودکان و کفت و گوی عام و فروبستگی کارها و کثرت اراجیف و فساد میوه و نباتات و تفرقه و پراکندگی مسافران و درد چشم و ترس در اطفال

تتمه احکام

[illegible]

دلیل است بر ملال و تفرقه و قید خاطر عام و سرگردانی پیکان و رسولان و جاسوسان و نا ایمنی راهها و اخبار دروغ و خوف و فزع بی سببی و بیماری در اطفال خاصه دختران

جدول احکام تثلیث و تسدیس قمر با کواکب سبعه

[illegible]

دلیل است بر موافقت ازدواج و دلخوشی میان زنان و مردان و دوستی موافقت میان پدران و فرزندان و تغییر هوا و قوت حال وزرا و دهاقین و صحرانشینان و ترقی حال اهل قلاع و جبال و رونق کار صیادان و باران ارزان

[illegible]

دلیل است بر میل و رغبت خلایق بطاعات و خیرات و سلامتی و منفعت مسافران و عدل و راستی و ایمنی میان مردم و شفقت و رحمت بزرگان بر رعایا و زیردستان و فزونی اطعمه و روایی حاجات و تردد مردم بر اکابر و علما و قضات

[illegible]

دلیل است بر گرمی هوا خاصه در فصل تابستان و حرکت لشکریان و فرح در مردم اوباش و میل امرا و لشکریان بسواری و شکار و دیگر داشتن انواع اسلحه و بسیاری مناکحات و خلاصی محبوسان و جرات رسولان و پیکان

تمام احکام تثلیث و تسدیس قمر با کواکب سته

[illegible]	دلیل است بر داد و عدل ملوک و حکام و رعیت پروری و عنایت بزرگان با زیردستان و کارهای توانا [illegible] از شفقت و موافقت میان پدران و فرزندان و الفت و محبت میان زنان و شوهران و نیکی احوال عام و آمدن و شدن رسل میان ملوک
[illegible]	دلیل است بر تیزی بازارها و بیع غلامان و کنیزان ترک و بسیاری فرح و طرب و عقد بستن و سورها و مهمانیها و برآمدن حاجات از زبان دولت
[illegible]	حال اهل طرب و [illegible] و سلامت مسافران و اعتدال هوا و ارزانی نرخها و نیک شدن شکوفه و میوه
تثلیث و تسدیس قمر با عطارد	دلیل است بر تیزی و روایی بازارها خاصه بازار کتب و کتابت و نوشتن خطها و مثالها و فرستادن رسولان و رسیدن اخبار خوش احکام منجمان و درست آمدن معالجات اطبا و فرصت طلب عمال و متصرفان و بازرگانان با منفعت

ورستی

جدول احکام تقابله و تربیع قمر با کواکب سته

[illegible]	دلیل است بر افتادن خصومت میان عام و [illegible] و شدت و تفرقه مسافران و ناامینی راهها و ملال و تفرقه [illegible] و دکاکین و کراهت و رنجش میان پدران و فرزندان و فتنه ازواج و بیماریها مختلف و تفاوت نرخها و خوف در خلایق
[illegible]	دلیل است بر کراهت و تنفر خاطر علما و ایمه و تشنیع عام بر قضات و وزرا و اشراف و ظهور دعویهای شرعی و بوقف خصومتها و مجادلها و مناظره و اندوه توانگران و اشراف و ملال و تشویش معارف و توانگران و سفرهای
[illegible]	ضروری بغیر اختیار و آمدن اخبار
[illegible]	دلیل است بر گروهی ملال عامه و ظلم و جور لشکریان بر ایشان و قصد کردن مردم یکدیگر را و به عوالی همدیگر رنجاستن و بیماری کودکان و ناامینی راهها و بدحالی مسافران و جراحت و دمل و شکافتن و شق کردن

تمت احکام تربیع و مقابله قمر با کواکب سبعه

تربیع و مقابله قمر با آفتاب	دلیل است بر غضب ملوک و قهر و سیاست بر عام و خون کشتن بدیهای مردم و تغییر هوا و شکستن سرما و بودن نم و کفت و گوی خلایق و تغییر امزجه و خطاب سلاطین و حکام بر پیکان و جاسوسان
تربیع و مقابله قمر با زهره	دلیل است بر تیزی بازار عطریات و کراهیت خاطر زنان و اهل طرب و خفونت و ناسازگاری زنان و فاش شدن خیانتها و اسرار خاتونان و خازنان و تنفر و تشویش شودکان و اعتدال هوا و آفت اشیای رو والله اعلم
تربیع و مقابله قمر با عطارد	دلیل است بر کسادی بازارها و اخبار دروغ و خیانت رسولان و مجادله و مباحثه میان عامه و اهل بازار و محاسبه و کیلان و متصرفان و اندوه اهل فضل و ارباب قلم و بیماری کودکان تمام شد احکام اتصالات قمر با کواکب

جدول احکام خسوف قمر در بروج دوازده گانه

خسوف قمر در حمل	چون ماه در برج حمل بگیرد دلیل است بر ظلم و جور بر رعایا از جانب سلاطین و حکام و لشکریان و ترس و بیم در رعایا و معزولی وزرا و ارباب مناصب و تنزل حال معارف و مشاهیر و بی رغبتی اشراف و توانگران و بیماری گوسفندان و هلاک ستوران و مرض در سر و دماغ
خسوف قمر در ثور	چون ماه در ثور گرفته شود دلالت کند بر نقصان آبها و آفت مزروعات و مرگی در گاو و شتر و کم شدن عصیره و شراب و دست تنگی خلایق و گرانی و عزت حبوبات و برنج و تفرقه دهقانان و مزارعان و بیماریها و جراحت در گردن و حلقوم
خسوف قمر در جوزا	چون ماه در برج جوزا منخسف گردد دلیل است بر تیرگی و عفونت هوا و جستن بادهای سخت و بسیاری ظلم و جور و باریدن بارانها زیان کار و پیدا شدن علامات سماوی و مردن حیوانات پرنده و مردن زنان آبستن و تفرقه اصحاب دیوان و مرض از درد دست و شانه

تمت احکام خسوف قمر در بروج

خسوف قمر در سرطان

جون ماه دربرج سرطان گرفته شود دلیل است رانر
وکدورت هوا وکمی باران وملال و دشواری در سفر
وبی منفعتی مسافران دریا وتنکی وخوف میان خلایق
وآفت ماهیان وحیوانات آبی وبی منفعتی در صید آبی .
وملال ومشقت کشتی بانان وبیماری زنان وسرکردانی بیکاران

خسوف قمر در اسد

جون ماه دربرج اسد منخسف کردد دلیل است برملال
وزحمت حکام ووزرا وبزرکان وتعنت ورنجش
سلاطین از بزرکان واعیان واشراف وظلم وجور
بررعایا اما زود صلاح پذیرتر شود وآفت حرافان
وبازاریان ومردن بهایم والله اعلم

خسوف قمر در سنبله

جون ماه دربرج سنبله گرفته شود دلالت کند بر
بیماری میان عامه وبسیار فسق وفجور وبیماری
وملال اهل قلم واطبا ومنجمان وآفت کشت
وزرع وکثرت اخبار وکسادی بازارها
وفاش شدن خیانت عمال ومتصرفان

تمت احکام خسوف قمر در بروج

خسوف قمر در میزان

جون ماه دربرج میزان بگیرد دلیل است بربیماری
وموت قضاة وبزرکان وخیانت مردم خاصه درکیل و
ترازو وکریختن زنان از مردان وطلاق دادن
مردان زنان را وکریختن غلامان وکنیزان ومرگ بزرگان
وظلم وجور پادشاه بررعایا وعفونت هوا وملال خواجگان اهل طرب

خسوف قمر در عقرب

جون ماه دربرج عقرب منخسف کردد دلالت کند خشکی
سال وقحط وتنکی دربعضی مواضع خاصه اربا دیه عرب
وعلت دررحم زنان وآفت حیوانات
آبی واندک شدن منفعت دریا وملال وزحمت
مسافران دریا بار وبیماری ورنشکریان وزنان

خسوف قمر در قوس

جون ماه دربرج قوس گرفته شود دلیل است برمرگ
جهارپایان وترس مردم از لشکریان وتاختن
آوردن دزدان وراه زنان وفساد حال
بازرکانان ووبا دربعضی بلاد ومکر وحیل ودروغ
میان خلایق وکسادی بازار زر وآهن وروی

تتمه احکام خسوف قمر در بروج

خسوف قمر در جدی	چون ماه در برج جدی منخسف گردد دلیل است بر ویران شدن زمینها و حوالی عمارات و خشک شدن گیاهها و اندک شدن کشتها و درگی بزان و گوسفندان و بسیاری و زوال و راه زنان و عزیمت گزیدن دهقان و کمی منفعت در صید و صیادی
خسوف قمر در دلو	چون ماه در برج دلو بگیرد دلیل است بر بسیاری برگ و بیماری و رطوبت در هوا و پیدا شدن غوغا و فتنه در زمین خراسان و نواحی مشرق و اندوه دهاقین و صحرانشینان و آمدن بادهاء مختلف
خسوف قمر در حوت	چون ماه در برج حوت منخسف گردد دلیل است بر تنزل اهل ادیان و دین‌ها بی مردم و آشکارا شدن فسق و فجور و حرام را حلال پنداشتن و نکاحها نه بر وجه شریعت و خوردن خمر و ویران شدن جویها و زمینها و تفرقه عامه تمام شد احکام خسوف والله اعلم

جدول احکام کسوف آفتاب در بروج

در حمل	چون آفتاب در برج حمل بگیرد دلیل است بر هلاک گوسفندان و خوار شدن از و بیم و خوف در سلاطین و حکام و خطاب ملوک با امرا و فتنه و غارت در اطراف خاصه در اقلیم سیم و نقصان و تلف اموال و خزاین
در ثور	چون آفتاب در برج ثور منکسف گردد دلیل است بر آفت شتران و گاوان و سوخته شدن حبوبات و تباه شدن میوه‌ها و خراب شدن بناها و بسیاری غم و اندیشه و بیم و خوف اهل طرب و تنزل احوال ملوک و سروران
در جوزا	چون آفتاب در برج جوزا منکسف گردد دلالت کند بر تیرگی و عفونت هوا و جستن بادها و مضطرب افتادن و با و مرگ میان مردم خاصه اهل قلم و حکام و سروران و اطفال و نقصان شان و آمدن اخبار مخوف و زحمت کارکنان

تتمه احکام آفتاب در بروج

در سرطان

چون آفتاب در برج سرطان منکسف گردد دلیل است بر مردن
ماهیان و حیوانات آبی و عفونت آبها و بسیاری
آبها و آفت کشتیها و نقصان خربزه و باد رنگ
والجه بدان ماند و تفرقه حکام و سروران و تشویش در اکثر بلدان

در اسد

چون آفتاب در برج اسد بگیرد دلالت کند بر بدخویی و غضب پادشاهان
و بزرگان و افتادن مرگی در سباع خاصه شیر و بلا و تفرقه
در زمین روم و انقلاب در اقلیم چهارم و فتنه و جنگ
در خراسان زمین و بسیاری ظلم و جور در اطراف

در سنبله

چون آفتاب در برج سنبله بگیرد دلیل است بر مردن دختران
بکر و آفت کشت و زرع و کم شدن جو و گندم
و برنج و جراحتها و بریدن اعضا و تنگدستی
و فقر در میان عامه و خوف در متصرفان و عمال و کتبه و اطبا و منجمان

تتمه احکام کسوف آفتاب در بروج

در میزان

چون آفتاب در برج میزان منکسف گردد دلیل است
بر بسیاری بیماری خاصه در خاتونان و اهل طرب
و عفونت هوا و افتادن وبا و طاعون خاصه در
طرف مغرب و بلا و محنت بزرگان و غضب پادشاهان
و آفت طیور و ناراستی در میان اهل بازار

در عقرب

چون آفتاب در برج عقرب منکسف گردد دلالت کند بر
مردن حیوانات آبی و غرق شدن کشتیها
و قحط و تنگی در جزایر عرب و بسیاری بارانهاء مخرب
و ویرانی در شهرهای حبشه و پدید آمدن ملخ و تفرقه حکام و لشکریان
و اکثر این تاثیر در طرف شمال بود

در قوس

چون آفتاب در برج قوس منکسف گردد دلیل است براوی
بازار ستوران و بیماری خلایق و شکستن نرخها و کسادی
بازار زر و نقره و ظهور دزدان و تفرقه وزرا و
اشراف و اعیان و فتنه و تشویش در ارمینیه و اصفهان
و اطراف مشرق

تتمه احکام کسوف آفتاب در بروج دوازده گانه

جدی	چون آفتاب در برج جدی منکسف گردد دلیل است بر مرگ گوسفندان خاصه بزان کوهی آفتی رسد و قحط و تنگی و سر خفته شدن کشتیها و تفرقه و تشویش میان اهل هند و بعضی از فارس و تغییر و تبدیل حکام در اقلیم اول و جانب جنوب و خرابی ابنیه و بیماری در پیران و صغرا انشان
دلو	دلیل است بر عفونت هوا و مرگی در عام و مرغان و بیماری از غلبه خون و طاعون در طرف مغرب و اقلیم اول و غروی و حرب در خلایق و تیرگی هوا و جستن بادها و باران و رعد و برق و صاعقه خاصه در وقت خود و زلزله و پیدا شدن علامات سماوی و زحمت خاندانها قدیم
حوت	چون آفتاب در حوت گرفته شود دلیل است بر غرقه شدن کشتی و مردم و بسیاری بارانها و هلاک زاهدان و عابدان و خوار شدن بزرگان و اشراف و خوف و ضرر از سلاطین و حکام و نقصان توانگران و ملال سادات و قضات

تمام شد احکام کسوف آفتاب والله اعلم

جدول احکام تحویلات کواکب به بروج اثنی عشر

تحویل زحل به حمل	چون زحل به برج حمل تحویل کند دلیل است بر خشکی هوا و تنگی خاطر امرا و لشکریان و لشکر کشیدن سلطانی بسوی سلطانی بحرب کردن و خون ریختن و دشمنی ملوک با رعیت و برق و باران در وقت خود
تحویل زحل به ثور	چون زحل برج ثور نقل کند دلیل است بر فتنه و حرب میان سلاطین و حکام خاصه از جهت جنوب و آفت بشی از ملوک و ترس و بیم در خلایق و آفت گاو و گوسفند و حیوانات سم شکافته و بیماری از سردی و خشکی
تحویل زحل به جوزا	چون زحل به برج جوزا تحویل کند دلیل است بر جستن بادهای سرد و عزت اطعمه و میوه و آفت اشجار و طیور و کمی باران و اندوه اهل قلم و فتنه و خون ریختن در بعضی بلاد خاصه در جهت مغرب

تتمه احکام تحویل زحل بر بروج

چون زحل به برج سرطان تحویل کند دلیل است بر قلت باران
و ملال و رافت صحرانشینان و اهل جانور انها قدغ و فتنه
و تشویش در سمرقند و بلخ و فرغانه و کاشغر
و امدن [illegible] عساکر

چون زحل به برج اسد تحویل کند دلیل است بر فراخی
اطعمه و [illegible] و نقصان در اموال و خزاین ملوک
و خشکی هوا و دردی بهایم و سباع و فتنه و اشوب
در اکثر بلاد خاصه در جهت مشرق و بعضی از جنوب

چون زحل به برج سنبله نقل کند دلیل است بر گرمی در فصل
تابستان و سرما در فصل زمستان و وبا و طاعون در
دیار عرب و جنگ و حرب در زمین خراسان و در [illegible] کاوان
و گوسفندان و قبض خاطر اهل قلم

تتمه احکام تحویل زحل به بروج

چون زحل نقل کند به برج میزان دلیل است بر قوت
ارباب [illegible] و صحرانشینان و میران و [illegible] دلیل است
که یکی از ملوک بمیرد یا کشته شود و ترا ایلیان زیاد
خواهند از درویشان و ملال و تفرقه خواطر و فتنهها روی نماید

چون زحل تحویل به برج عقرب کند دلیل است بر انکه
آب چشمها کم شود و در تابستان گرما بسیار کنند
و در زمستان سرما بافراط بود و در دو فصل دیگر
خشکی هوا بود و بیماری و فتنه بود غلبه در زمین [illegible] بادیه عرب

چون زحل به برج قوس تحویل کند دلیل است
بر انکه سلطانی از جهت دفع دشمن از رعیت
و خویش یاری و مدد خواهد و در حد مشرق فتنهها
پدید آید و جنگها شود در میان مردم بیم و
فزع بود و اندوه و قبض خاطر اشراف و اعیان باشند

تتمه احکام تحویل زحل به بروج

تحویل زحل بجدی

جون زحل نقل به برج جدی کند دلیل است که دران سال زمستان سخت بود و در زمین هند فتنها بسیار روی نماید و باران بسیار آید و بیم دیوانگی بود در خلایق و قوه روسا و حکام بود و اوضاع غیب روی نماید

تحویل زحل بدلو

جون زحل به برج دلو نقل کند در میان خلایق بیماری باشد و مرگ زنان بسیار بود و آفت جهارپایان بسیار باشد و باد و رعد و برق و کدورت هوا بود و قوت حال صحرانشینان و اهل قلاع و جبال بود

تحویل زحل بحوت

جون زحل به برج حوت تحویل کند دلیل است بر آنکه سلطانی بمیرد یا کشته شود و در میان عام فتنه و آشوب و دست تنگی بود و آبها کم بود و مرگ زنان واقع شود و فتنه در طبرستان و طرف شمال واقع شود تمام شد احکام تحویل زحل

جدول احکام تحویل مشتری به بروج دوازده گانه

تحویل مشتری بحمل

جون مشتری به برج حمل نقل کند دلیل است بر حرارت هوا خاصه در بهار و تابستان و بلاها و فتنها در زمین خراسان و باران در وقت و بسیاری و ارزانی گوسفندان و قوت حال اهل صلاح و آشوب در طرف شمال

تحویل مشتری بثور

جون مشتری تحویل کند به برج ثور دلیل است بر فراخی و ارزانی اطعمه و ماکولات و بسیاری ستوران و نیک شدن کشت و زرع و بسیاری و معموری مواضع والله اعلم الصواب

تحویل مشتری بجوزا

جون مشتری تحویل به برج جوزا کند دلیل است بر تندی حال وزرا و قضات و اشراف و توانگران و شادی و تن درستی عامه و اعتدال هوا و بارانها نافع و داد و ستد میان مردمان و قوت حال عمال و متصرفان دیوان والله اعلم

تتمه احکام تحویل مشتری به بروج

چون مشتری به برج سرطان نقل کند دلیل است بر قوت حال وزرا و اشراف و اعیان و نیکی حال عام و تن درستی خلایق و فراخی و ارزانی نعمت و ایمنی راهها و تنگ حالی [illegible]

چون مشتری به برج اسد نقل کند دلیل است بر قوت حال ملوک و سرداران و صرافان و نا ایمنی و ظلم بر زیردستان و حرارت هوا خاصه در تابستان و ساختن زرینها و زینتها

چون مشتری به برج سنبله نقل کند دلیل است بر اعتدال هوا و خوشدلی عام و روائی بازارها و تن درستی مردمان و میل مردمان به علوم ظاهر و بسیاری مزروعات و قوت حال اهل قلم و تنزل وزرا و قضات

تتمه احکام مشتری به بروج

چون مشتری به برج میزان نقل کند دلیل است بر ایمنی راهها و آفت از هر نوع و جور و ستم از ملوک و جستن بادها و معتدل و عزت اطعمه و افلاس عام و قوت حال خواتین و صلاح ایشان

چون مشتری به برج عقرب آید دلیل است بر جنگ و عداوت میان مردم و جور و ستم از بزرگان و بیدادی بر رعایا و بدست آمدن مال لشکریان را و سلامتی کشتیها و مسافران دریا

چون مشتری به برج قوس نقل کند دلیل است بر اعتدال هوا و خوشدلی مردمان و رغبت مردم به صلاح و راستی و کارهای خیر و فتنه اندر میان لشکریان و اهل سلاح و قوت حال وزرا و سادات و قضات و اهل صلاح

تمت احکام مشتری به بروج

تحویل مشتری به جدی	چون مشتری به برج جدی تحویل کند دلیلست بر خوشحالی و تن درستی عام و سلامتی زنان حامله و قوة حال مزارعان و ارباب خانداتها و قدیم و بسیاری زراعت و ضعف حال زراد سادات و قضاة و انزوا تدانگان
تحویل مشتری به دلو	چون مشتری به برج دلو تحویل کند دلیل است بر نیکویی حال ستوران و فراخی اطعمه و ارزانی نرخها و کشاده شدن کارها و موافقت و سازگاری ازواج و نیکی حال مزارعان و قوة خاندانها قدیم
تحویل مشتری به حوت	چون مشتری به برج حوت نقل کند دلیل است بر خنکی هوا و باران با منفعت و قوت حال علما و اشراف و تن درستی خلایق و فساد و نقصان از ملخ و فراوانی زمین طبرستان و جمعیت وزرا و تجار عظام تمام شد احکام مشتری به بروج

جدول احکام تحویل مریخ به بروج دوازده گانه

تحویل مریخ به حمل	چون مریخ به برج حمل نقل کند دلیل است بر ارزانی اطعمه و نیکی احوال ستوران و سرده و قوة حال لشکریان و ترقی و حرمت امرا و سران سپاه و عزت آلت حرب و گرانی لحوم و دسوم و عنایت سلاطین با مقربان
تحویل مریخ به ثور	چون مریخ به برج ثور نقل کند دلیل است بر مخالفت زنان و ناسازگاری ازواج و بیدادی و جور ملوک و حکام بر زیردستان و رعایا و فساد حال زنان حامله و بی باکی خوانین و سرگردانی لشکریان و تلف زراعت
تحویل مریخ به جوزا	چون مریخ به برج جوزا نقل کند دلیل است بر غم و اندوه و نفرقه عام و حرارت و عفونت هوا و ناراستی میان خلایق و ملال و زحمت اهل قلم از مرا و لشکریان و بیماری در اهل دیوان

تتمه احکام مریخ به بروج

تحویل مریخ در سرطان

چون مریخ به برج سرطان نقل کند دلیل است بر فتنه
و آشوب بسیار و حیف بسیار و میل سلاطین و امرا بسوی
و سفر و بیدادی از ملوک و جور و ستم و قحط و سبب
از رعایا و مرگ ناگهانی در بلاد و فرغانه و ضعف حال لشکریان و نقصان بها

تحویل مریخ در اسد

چون مریخ به برج اسد تحویل کند دلیل است بر گرمی هوا
و خشکی و قوت حال ملوک و امرا و لشکریان و صحت و
درستی خلایق و بازارگانیها با منفعت و رواج
بازار اسلحه و مرگ سباع و عزت لحوم و دود و سموم

تحویل مریخ در سنبله

چون مریخ به برج سنبله آید دلیل است بر تغیر هوا
و فساد و نباتات و بیماری و خوف حادث در اهل
قلم و مشقت کار و ایشان و زنا و ایمنی راه و اخبار
مختلف و آفت مزروعات و خطا در معالجات
و احکام اطبا و منجمان

تتمه احکام تحویل به بروج

تحویل مریخ در میزان

چون مریخ به برج میزان نقل کند دلیل است بر نیکویی
حال عامه و آمدن بارانها و ارزانی نرخها و جستی
بادها گرم و ملال و مرض در حیوانی و اهل طرب
و مخوف بودن این طایفه از لشکریان

تحویل مریخ در عقرب

چون مریخ به عقرب نقل کند دلیل است بر جنگ و عداوت
میان مردمان و بسیاری خصومت و جور
و ستم بر رعایا و فسق و فجور در میان زنان
و بیماری از بلغم و صفرا و قوت حال ملوک و لشکریان و کمی باران

تحویل مریخ در قوس

چون مریخ به قوس تحویل کند دلیل است بر ظلم و خواست
از رعایا و گرمی هوا و بیماری از غلبه خون و صفرا و ضعف
حال قضات و اشراف و مصادره توانگران و صوفیا
و ملال و زحمت وزرا و اعیان از لشکریات

جدول احکام تحویل مریخ به بروج

تحویل مریخ بجدی	چون مریخ به برج جدی نقل کند دلیل است بر قوت حال لشکریان و اهل سلاح و ترقی حال امرا و عزت گوشت و رواج بازار اسلحه و آفت گشت و زرع و وفات گوسفندان کوهی و زحمت مزارعان از لشکریان
تحویل مریخ بدلو	چون مریخ به برج دلو آید دلیل است بر اعتدال هوا و بودن نم و باران در وقت با منفعت و خوف و بیماری در مشایخ و صحرانشینان و سرگردانی حشام و تفرقه حال اهل قلاع و جبال
تحویل مریخ بحوت	چون مریخ به برج حوت نقل کند دلیل است بر اعتدال هوا و فساد حالها از زرکان و بسیاری فسق و فجور و زحمت معارف و اشراف و خصومت میان امرا و وزرا

جدول احکام تحویل آفتاب به بروج دوازده گانه

تحویل شمس بحمل	چون آفتاب به برج حمل نقل کند دلیل است بر اعتدال هوا و آمدن بارانها با منفعت و ابر و کدورت هوا و رعد و برق و علامات سماویه و داد و عدل در سلاطین و ترتیب یافتن امرا و لشکریان از سلاطین
تحویل شمس به ثور	چون آفتاب به برج ثور نقل کند دلیل است بر تغییر هوا و آمدن باران و باد و کسادی بازارها و عزت اطعمهها و نیکی حال شکوفه و ترقی حال خاتونان و بسیاری نباتات و مزروعات
تحویل شمس بجوزا	چون آفتاب به برج جوزا در آید دلیل است بر بسیاری آبها و تغییر هوا ما یل بگرمی و بیماری عامه از غلبه خون و صفرا و قوت حال ملوک و سروران هر قومی و ترقی حال اهل قلم والله اعلم بالصواب

تتمه احکام تحویل آفتاب به بروج

تحویل شمس بسرطان

~~چون آفتاب به برج سرطان آید دلیل است بر اعتدال هوا و جستن بادها و روایی بازارها و بسیاری اطعمه و میوه و تنزل حال سلاطین و حکام و ترقی خاتونان و اهل طرب~~

تحویل شمس باسد

چون آفتاب به برج اسد آید دلیل است بر رفعت و منزلت پادشاهان سلاطین و حکام و در داد و عدل و رحمت کوشیدن و ناروایی و کسادی بازارها و نرخها و غلبه خشم در امزجه و قوت حال صرافان و رواج دار الضرب

تحویل شمس بسنبله

چون آفتاب به برج سنبله آید دلیل است بر ترقی حال علماء و بازرگانان و رغبت نمودن بزرگان بعلوم ریاضی و غم و اندوه و دل مشغولی عامه و مخوف و منهزم بودن اهل دیوان از سلاطین و حکام

تتمه احکام تحویل آفتاب به بروج

تحویل شمس بمیزان

چون آفتاب به برج میزان نقل کند دلیل است بر اعتدال هوا و جستن بادها و روایی بازارها و بسیاری اطعمه و میوه و تنزل حال سلاطین و حکام و ترقی خاتونان و اهل طرب

تحویل شمس بعقرب

چون آفتاب به برج عقرب نقل کند دلیل است بر خشکی هوا و آمدن باران و ناانصافی در عامه و قوت حال سفیران و سفلگان و خصومت و عداوت میان خلایق و بسیاری میوه و نقصان آنها و سلامتی مسافران دریا

تحویل شمس بقوس

چون آفتاب به برج قوس نقل کند دلیل است بر خشکی و خنکی هوا و آمدن برف و باران و قوت حال ملوک و لشکریان و ناانصافی مردم و آهستگی بازارها و توسط نرخها و ترقی حال اشراف

تتمه احکام تحویل آفتاب به بروج

تحویل شمس بجدی

چون آفتاب به برج جدی نقل کند دلیل است بر سرما و سقوط
و برف و باران و عزت چوب و هیزم و تنزل حال
ملوک و سروران و ترتیب یافتن روسا و حکام
از حکام و ملال و نقصان صرافان و خرابات

تحویل شمس بدلو

چون آفتاب به برج دلو نقل کند دلیل است بر شدت سرما
و عزت لحوم و رسوم و کمی و گرانی حبوبات مثل گندم
و جو و تغییر نرخ و جستن بادها و برف
و باران و بسته شدن راهها

تحویل شمس بحوت

چون آفتاب به برج حوت نقل کند دلیل است بر تغییر هوا
و جستن بادها و رعد و برق و باران و رغبت مردم
با عمال و اشتغال حکام و بسیاری باران
و حرارت در فراج وزرا و اشراف و خرابی از آنها

تتمه احکام تحویل زهره به بروج

تحویل زهره بحمل

چون زهره به برج حمل تحویل کند دلیل است بر تغییر هوا
و ملال و بیماری اهل طرب و خواتین و خرمی و نشاط در
امراد لشکریان و آمدن بارانها با منفعت و پیدا
شدن ابر و کدورت در هوا و صلاح حال گوسفندان

تحویل زهره بثور

چون زهره به برج ثور نقل کند دلیل است بر قوت
حال اهل طرب و ترقی حال خواتین و جستن بادها
و نیک آمدن کشت و زرع و ابر و باران در وقت خود
و بسیاری مناکحات و مواصلات

تحویل زهره بجوزا

چون زهره به برج جوزا نقل کند دلیل است بر تغییر
هوا مایل بر رطوبت و نشاط در خلایق و ~~[illegible]~~ جیلوبلا
معتدل و راست آمدن معالجات اطبا و احکام
نجوم و نشاط اهل قلم و ترقی حال عمال و
متصرفان والله اعلم بالصواب

دور زدن بادهای

تتمه احکام تحویل زهره به بروج

تحویل زهره در سرطان

چون زهره به برج سرطان اید دلیل است بر خنکی
هوا و ابر و باران در وقت خود و لغت وکز ند انبهار
واثماد و غرقه شدن کشتیها و زیاده شدن
آبها و بسیاری حیوانات آبی که امد شد رسولان

تحویل زهره در اسد

چون زهره به برج اسد نقل کند دلیل است بر اعتدال
هوا و رغبت عامه بعیش و طرب و قوت حال
زنان بزرکان و رواج بازار صرافان و نشاط
ولهو ولعب در حکام و سروران

تحویل زهره به سنبله

چون زهره به برج سنبله نقل کند دلیل است بر نیکی
نباتات و مزروعات و اعتدال هوا لیکن
در اخر سنبله سرما پیدا کند و تن درستی خلایق
و عزت و نشاط در نقاشان و اهل قلم

تتمه احکام تحویل زهره به بروج

تحویل زهره به میزان

چون زهره نقل کند به برج میزان دلیل است بر نیکی
حال عامه و تن درستی خلایق و رغبت کردن
مردمان زنان و عشق و عزت و خوشی هوا و قوت
حال اهل طرب و نیکی اشجار و اثمار و جنبها و با معتدل

تحویل زهره به عقرب

چون زهره به برج عقرب نقل کند دلیل است بر ضعف
و تنگدلی زنان و خاتونان و اهل طرب و سرما با فراط
در زمستان و باران بسیار بی منفعت و ملال
خاطر عامه و کسادی بازار اقمشه و البسه

تحویل زهره به قوس

چون زهره به برج قوس نقل کند دلیل است بر تغییر هوا
و نشاط در وزرا و سادات و اشراف و قضات
و توانکران و ابرها بسیار و وقوع اتش در هوا و تغییر
حال مردم و منفعت و فایده در بازرکانیها

تتمه احکام تحویل زهره به بروج

تحویل زهره به جدی	چون زهره به برج جدی نقل کند دلیل است بر آفت کشتیها و ارزانی و بسیاری مطعومات و ماکولات و بیماریها گوناگون و میل هوا بخشکی و نشاط و خرمی صحرانشینان والله اعلم بالصواب
تحویل زهره به دلو	چون زهره به برج دلو نقل کند دلیل است بر ابرها و بارانها با قوت و بادها خنک و بسیاری و فراخی طعمه و نشاط صحرانشینان و بسیاری گنج برده و دواب و برف و باران و تنگی در وقت خود
تحویل زهره به حوت	چون زهره به برج حوت نقل کند دلیل است بر قوت حال علما و اشراف و بسیاری فسق و فجور و سلامتی مسافران دریا و بسیاری جواهر آلی و قوة حال خاتونان و مطربان و مناکحات و مواصلات میان اشراف والله اعلم

در اهل قلاع و بسیاری مناکحات در میان ... و صح

جدول احکام تحویل عطارد در بروج دوازدگانه

تحویل عطارد به حمل	چون عطارد به برج حمل آید دلیل است بر جستن بادها گوناگون و کثرت اخبار متلون و گرمی هوا و تیزی بازار برده و ستور و اسلحه و مخالفت میان اهل قلم و لشکریانی و پدید آمدن آتش از هوا
تحویل عطارد به ثور	چون عطارد به برج ثور نقل کند دلیل است بر اعتدال هوا و جستن بادها مضطرب و کدورت از هوا و تفرقه عامه و خواستن طلب از محترفه و نیکی حال کشت و زرع و رسیدن اخبار
تحویل عطارد به جوزا	چون عطارد نقل به برج جوزا کند دلیل است بر قوت حال صناعت وران و دبیران و اهل خرید و فروخت و ارباب دیوان و راست آمدن معالجات اطبا و احکام نجومی و وزیدن بادها معتدل و آمدن اخبار راست

تتمه احکام تحویل عطارد به بروج

تحویل عطارد به سرطان

چون عطارد به سرطان نقل کند دلیل است بر بسیاری
بادها با قوت وابرها بندد و بارانها تیز وتند ورعد
خود و رعد و برق در نشنبم و غرق شدن کشتیها
و تنزل حال دیوانیان و اهل قلم

تحویل عطارد به اسد

چون عطارد به برج اسد آید دلیل است بر قوه
گرما و آمدن بادهای گرم و قوت حال وزرا
و اهل قلم و غنایت و ترتیب یافتن اصحاب
دیوان از احکام و سلاطین و آمدن اخبار و رواج
بازار صرافان

تحویل عطارد به سنبله

چون عطارد به برج سنبله اید دلیل است بر قوه
حال اهل قلم و ترقی حال عمال و متصرفان و اهل دیوان
و حکما و شعرا و اعتدال هوا و خوشی روزگار
و رونق حال اطبا
و کتاب و اهل نجوم

تتمه احکام تحویل عطارد به بروج

تحویل عطارد به میزان

چون عطارد به برج میزان نقل کند دلیل است بر قوة حال تنبیه کاران
و بسیاری مطعومات و ماکولات و داد و بیداد احکام و وزرا
و جستن بادهاء معتدل و بسیاری خرید و فروخت خاصه اگر بکیل فیر ازو گذشتند

تحویل عطارد به عقرب

چون عطارد به برج عقرب نقل کند دلیل است بر آمدن بادها خنک
و خشکی هوا و نمود فریب نیان خلایق و بارآشتی کردن با یکدیگر
و بی دیانتی در اصحاب دیوان و اهل قلم

تحویل عطارد به قوس

چون عطارد به برج قوس نقل کند دلیل
بر بیماریهای مختلف میان عامه و ناانصافی
خلایق و میل هوا بحرارت و میل
مردم معلوم ظاهر دوستی وزرا با اصحاب دیوان و متصرفان

تتمه احکام تحویل عطارد به بروج

تحویل عطارد به جدی	چون عطارد به برج جدی نقل کند دلیل است بر خنکی هوا و برف و سرماء مفرط در زمستان و استکی بادها و عزت چربی و گوشت و بسیاری بیع بسر ده و دواب
تحویل عطارد به دلو	چون عطارد به برج دلو نقل کند دلیل است بر تری هوا و آمدن بادهاء خراب کننده و کمی برف و باران و اختلاف هوا و تنزل عام و خرید و فروخت عقاقیر
تحویل عطارد به حوت	چون عطارد به برج حوت نقل کند دلیل است بر ضعف حال عمال و متصرفان و اطبا و منجمان و خنکی هوا و آمدن بارانها و اخبار مختلف و بیماری کودکان

جدول در معرفت احکام رجعت و استقامت کواکب

استقامت زحل	دلیل است بر استقامت حال ارباب خاندانهاء قدیم و ترقی روسا و مزارعان و انبارداران و قوة حال گوشه نشینان و زاهدان و اهل صحرا و عزت بعضی از حبوبات صیفی و فوت و تن درستی پیران
رجعت زحل	دلیل است بر ضعف حال مشایخ و دهاقین و نقصان در خرید و فروخت باغ و زمین و سرگردانی صحرانشینان و خوف اهل قلاع و جبال و کسادی بازارها و ضعف و موت پیران
استقامت مشتری	دلیل است بر قوت حال وزرا و سادات و علما و اشراف و فقها و استقامت احوال تجار عظام و توانگران و ترقی حال قضات و ایمه و تربیت یافتن این طایفه از حکام و رواج دار الشرع و میل مردم بعلوم ظاهر

تتمهٔ احکام رجعت و استقامت کواکب

رجعت مشتری	دلیل است بر فرو بستگی کارها و توقف در امور وزرا و سادات و قضات و اشراف و توانگران و تنزل احوال این طایفه و سستی اسلام در کارها تاخیر و کسادی بازارها و بی رونقی محکمه و دار الاحتساب
استقامت مریخ	دلیل است بر قوت و منزلت یافتن امرا و استقامت حال لشکریان و ارباب سلاح و بازار اسلحه و دواب و جراحت دزدان و مفسدان و عزت لحوم و دسوم و رواج کار قصابان و جراحان و میل حکام
رجعت مریخ	دلیل است بر ضعف حال امرا و سرگردانی لشکریان و بی روایی بازار اسلحه و ارزانی گوشت و جربی و گرفتار شدن دزدان و مفسدان و بی باکان و توقف و تعطل در مهمات و اشغال سپاهیان

تتمهٔ احکام رجعت و استقامت کواکب

استقامت زهره	دلیل است بر قوت حال خواتین و جمعیت اهل طرب و میل مردم بعشرت و نشاط و نیکی اشجار و اثمار و عزت اقمشه و البسه و ابریشمینه و میل مردم بنکاح
رجعت زهره	دلیل است بر کسادی بازار اقمشه و البسه و پیرایه و تنفر خاطر زنان از مطربان و در فی وفا توانان و دختران و بی روایی مطربان و فرو بستگی کارها و ملال عام و بازار بی نفع
استقامت عطارد	دلیل است بر قوت حال عمال و تجار و کتاب و متصرفان و مستوفیان و نیکی حال پیشه کاران و راست آمدن معالجات اطبا و احکام نجومی و روایی بازارها خاصه بازار کتاب و اسباب آن

رجعت عطارد	بقیه احکام رجعت و استقامت
رجعت عطارد	دلیل است بر کسادی بازارها و ضعف حال ارباب دیوان و متصرفان و توقف در مهمات اهل قلم و متصدیان امور شرعی و خطا در معالجات اطبا و احکام نجومی و اراجیف و جستی بادها
	تمام شد احکام رجعت و استقامت کواکب
	[illegible]

جدول	احکام شرف و هبوط ستارگان
شرف زحل	دلیل است بر قوة حال ملوک قدیم و ترقی دهاقین و صحرانشینان و نیکی کشت و زرع و کن دهشدن کارها و فراخی معیشت و بسیاری نعمت و رواج بازار ستوران و قوت پیران و بسیاری نعمت و نیکی حال مشایخ و گوشه نشینان
هبوط زحل	دلیل است بر ضعف حال زارعان و نقصان کشت و زرع و پیدا شدن امراض سوداوی و بیماری مزمن و سل و دق و هلاک ستوران و بیماری بردگان و تنزل حال گوشه نشینان و زحمت قوافل
شرف مشتری	دلیل است بر قوت حال علما و اشراف و قضات و رفعت و منزلت وزرا و اعیان و عنایت و تربیت یافتن این طایفه از حکام و سلاطین و بازرگانان با منفعت و فراخی نعمت و خرمی و آسانی معیشت و ترقی حال سادات و قضات و علما و فقها و میل مردم بعلوم ظاهر

تتمهٔ احکام شرف و هبوط ستارگان

هبوط مشتری

دلیل است بر ضعف حال آن طایفه که در شرف یاد کردیم
مثل سادات و قضات و وزرا از تنزل و توقف
در احوال و اوضاع ایشان و بی رونقی اهل شرع
و خیانت در عدول و قضات و نقصان بازرگانان و افت
بعضی حبوبات

شرف مریخ

دلیل است بر ترقی حال امرا و قوت لشکریان و اهل
سلاح و میل مردم بفسق و شرب و کارهای ناشایسته و عزت
گوشت و چربی و تربیت یافتن عساکر از امرا
و سلاطین و رواج بازار اسلحه و میل حکام
بسواری و شکار

هبوط مریخ

دلیل است بر تنزل و ضعف حال امرا و لشکریان
و اهل سلاح و خوف و ملال شیران و وهم و هراس
در مردم و کم گفتاری دزدان و راهزنان
و نابکاران و کسادی بازار اسلحه و گوشت
و چربی و ملال قصابان و تنزل جراحان

تتمهٔ احکام شرف و هبوط ستارگان

شرف آفتاب

دلیل است بر قوت و سعادت و زیادتی نعمت
و منزلت ملوک و سلاطین و سروران هر قومی و
زیادت شدن جاه و مال دختران و داد و عدل
در ملوک و خوشحالی سران سپاه و اعتدال هوا
و استقامت حال رعایا و ایمنی و رونق دار الضرب

هبوط آفتاب

دلیل است بر تنزل و ضعف حال ملوک و بزرگان
و سروران هر قومی و فروبستگی و توقف در مهمات
این طایفه و کسادی بازارها و ارزانی اسب و خنکی
هوا و جور از سلاطین و حکام و نقصان جواهر
و معدنیات

شرف زهره

دلیل است بر قوت حال خاتونان و دختران
و جمعیت مطربان و ترقی خواجه سرایان و بسیاری
لهو و طرب در مردم و تن درستی خلایق و صحت
بیماران خاصه زنان و دختران
و نیکی کشتی روانشمار

هبوط زهره

دلیل است بر ضعف حال زنان و دختران و دلال
و لند و نقی مطربان و خواجه سرایان و مکر و حیلت
و آشکار شدن فسق و فجور و بی باکی خواتین
و کسادی بازار عطریات و اقمشه و البسه و الفت و اشجار و اثمار

شرف عطارد

دلیل است بر قوت حال اهل قلم و ترقی دبیران و متصرفان
و عمال و کتاب و منجمان و راست آمدن معالجات اطبا
و احکام نجومی و یافتن عز و مرتبه اهل قلم از حکام و
رواج بازار کتب و میل مردمان بمعقولات و سیاری معاملات

هبوط عطارد

دلیل است بر ضعف حال اهل قلم و اصحاب دیوان
و رسیدن اخبار دروغ و بهتان و دروغ گفتن مردمان
در حق یکدیگر و رسوا شدن خیانت عدول
و بلکچیان و تباهی حال صرافان و غمازان و بدی
هوا و تنزل حال اطبا و منجمان و بیماری کودکان

شرف قمر

دلیل است بر نیکی حال عام و ترحم یافتنی
از ملوک و قوت حال ایلچیان و رسولان و قاصدان
و نیک آمدن ابتدای کارها و ترقی حال زنان
و دختران و سلامتی مسافران و تنی درستی
طفلان و سلامتی کشتیها والله اعلم

هبوط قمر

دلیل است بر توقف و تشویش بهای خلایق
و گفتگوی در بازارها و هیچ کار نشاید
کردن اندرون روز خاصه در آن
ساعت و بدحالی مسافران خاصه
در طرف دریا و بی منفعتی در بازرگانیها و زحمت سیاحان

تمام شد احکام
شرف و هبوط ستارگان

جدول در معرفت احکام وبال ستارگان

وبال زحل	دلیل است بر تنزل و دل تنگی و غمناکی و دردمندی اکثر خلایق خاصه اهل صحرا و ارباب خاندانهای قدیم و سرگردانی احکام و کوتوالان قلاع و مردم کوه پایه و دیگر بعضی حبوبات بارزانی و ضعف ادراک
وبال مشتری	دلیل است بر ضعف احوال ارباب دانش و قضات و وزرا و امرا و اشراف و تعویق و توقف در کار ایشان و بی رونقی دار الاحتساب و بی منفعتی در بازار کاتبها و ناراستی در محکمه و زاهل فتوی و بیماری معارف و نقصان اموال خزاین
وبال مریخ	دلیل است بر ضعف حال اهل سلاح و لشکریان و دلتنگی و غمناکی امرا و گرفتاری دزدان و شریران و فتنه و جنگ و عداوت میان مردم و ظلم و بیداد از لشکریان و بی روایی بازار اسلحه و ارزانی گوشت و جربی والله اعلم

[illegible]

تتمه احکام وبال ستارگان

وبال آفتاب	دلیل است بر تنگی خاطر ملوک و حکام و بیماری ایشان و تعلل و توقف در مهمات بزرگان و سروران و مهتران هر قوم و کسادی بازارها و ظلم و بیدادی سلاطین و آفت زر و معدنیات و تنزل معارف و کسادی بازار صرافان
وبال زهره	دلیل است بر ضعف حال خاتونان و حرم سرایان و مطربان و فروبستگی اعمال و اشتغال این طایفه و کسادی بازار پیرایه و جواهر و اقمشه و البسه و غزلی و آفت و سختی اشجار و اثمار و تنگدلی خلایق و آمدن بارانهای بی نفع والله اعلم بالصواب
وبال عطارد	دلیل است بر ضعف حال عمال و کتاب و بیماری محاسبان و کثرت اراجیف و جستن بادهای مختلف و خطا در معالجات اطبا و احکام منجمین والله اعلم
وبال قمر	وبال قمر دلیل است بر ضعف حال عام و بیماری ایشان و فساد حیوانات ایلچی و سرگردانی رسولان و پیکان تمام شد احکام وبال ستارگان

جدول احکام کواکب در دوازده خانه که تعلق بمولید دارد

جون از احکام نظر تقویم فارغ شدیم از مولید نیز فی الجمله

زحل در طالع	زحل در طالع دلیل است برانکه مولود با مهتران خلطت کند و جاه و حرمت ~~استقبال کند و از چهار پایان زیان بیند و در از عمر بود~~ ~~و زیاده و لیکن بد دل و ترسنده~~ ~~و از جای بجای انتقال کند و از چهار پایان زیان و در آخر عمر~~ ~~بکشت و زراعت مایل شود و از زراعت فایده یابد~~
زحل در دوم	زراعت و تجارت کند اما گاه گاه دست تنگ شود و از جهت قرض غم بود و دفینه نهد و از ضمانت ملال بیند و مال بجایگاه بی فایده خرج کنند و هر چند زرکتر گردد احوالش بهتر شود و باغ و ری خرد
زحل در سوم	دوستان و برادران با او دشمنی کنند لیکن ظفر او را بود و از جایگاهی نقل کند و علتی بوی رسد و از خویشان غم بیند و مال خود نفقه کند و بر قومی مهتری کند و دانش آموزد

تتمه احکام زحل در بیوت دوازده گانه طالع

زحل در چهارم	از احوالها دیده و یا شنیده خبر دهد و کارها پسندیده کند و دوستان را نیکوی شود و از جایگاهی نهانی اندوه برد و اگر زحل خداوند چهارم بود میان او و پدر و برادران جدایی افتد و املاک بدست آرد
زحل در پنجم	تفکر و اندیشه بر او غالب بود و بناها نهد و بستانها عمارت کند و مال و جاه و خلقش فزون گردد و از جهت فرزندان غم برد و اگر در خانه خود بود در اول عمر غم برد و در آخر کارش نیکو گردد والله اعلم
زحل در ششم	در کارها پشیمانی بسیار برد و چیزی از مالش بزیان آید و رنج بسیار کشند و از جهت بندگان غم برد و از ضمانی رنج و ملال بیند اما از بندگان و خدمتکاران فایده ببینند

زیاده گردد و لیکن بد دل و ترسنده باشد و از جای بجای انتقال کند و از چهارپایان زیان بیند و در از عمر بود و در آخر عمر بکشت و زراعت مایل شود و از زراعت فایده یابد هم

تتمه احکام بودن زحل در بیوت طالع

زحل در هفتم

درویش بود و فرزندانش را مکروهی رسد و از طرف زنان سخن بد شنود و کار او ناپسندیده دارند و نکاح کم کند و آنچه کند از آن زحمت بیند و بدتر آن بود که زحل در آن خانه قریب بود

زحل در هشتم

منازعت بسیار کند و دشمنش بمیرد و میان او و خویشان وحشت افتد و کارها بد کند و باشد که سفر کند و در غربی منفعت بیند و از تجارت و دوستان فایده یابد و از سبب میراث خرم شود

زحل در نهم

در علم نجوم و فلسفه جهد کند و خوابها درست بیند و میان او و زنان خصومت افتد و سفر کند و اندوه برد و مالش رنجهای ناپسندیده تلف شود و وهم و وسواس بر او غالب باشند و مایل باشند بگوشه گرفتن

تتمه احکام بودن زحل در خانها دوازده گانه

زحل در دهم

با مهتران مخالفت کند و صید دوست دارد و بدنش را از آهن زحمتی رسد یا از جایی بیفتد اما بسلامت ماند و از جایی بجایی نقل کند و زراعت و عمارت دوست دارد و از آن هم منفعت و فایده بیند و کار سعدی بر و ناظر بود در همه احوال ترقی کند

زحل در یازدهم

خرمی بیند و لهو و طرب دوست دارد و مرغ و آب و املاک و اسباب بدست آورد و توانگر شود اما جماعتی دوستان بروی حسد برند و دشمنی و نقصان باشند و اگر سعدی ناظر بود از این رنج و غم دور گردد

زحل در دوازدهم

بر دشمن ظفر یابد و از مال و خدمتکاران زیان بیند اما دروغ گوی بود و هر کاری که شروع کند تمام نکرده و کار ناپسندیده کند و در مهمات پشیمانی برد و با زنان مخالفت کند اما در آخر عمر کارش نیکو شود تمام شد

احکام زحل در خانها

جدول احکام بودن مشتری در بروج دوازده گانه

مشتری در طالع	زندکانی بمراد کذراند وخورش خوش وکرامی بود وبا بزرکان می لطف کند ومال ومرتبه اش افزون شود وبا زنان مخالطت کند وبا مردم غریب پیوند کند وکارها ء پسندیده کند واز خویشان وبرادران صاحب بزرکتر کردد
مشتری در دوم	بهرچه امید بندد بدست آرد واز تجارت بهره بسیار سود بیند وبا وزرا وسادات واشراف مخالطت ومصاحبت کند وبجمع کردن مال مشغول شود اما بجای خود کریم وبخشنده بود واکر مشتری بود بدحال بود بخلاف این باشد
مشتری در سیوم	در دین اعتقاد پاک شود وحکیم مزاج بود وکارها نیکو کند ونیک نام کردد وبر برادران وخویشان مهتری یابد وبا همه کس نیکوئی کند وسخن حق کوید وامین وصاحب دیانت وعرض باشد

تتمه احکام بودن مشتری در خانها دوازده گانه

مشتری در خانه چهارم	از جایکاه پنهان چیزی بوی رسد وعمارت وتجارت وزراعت ویرا مناسب بود اما از تجارت منفعت بیشتر یابد وکارها نیکو کند واز اغلب اوقات کارش بزرک باشد ومعزز ومحترم بود
مشتری در خانه پنجم	مالش بیفزاید واز فرزندان خرمی بیند واز تحفه وهدیه فایده یابد اما ناکاه از جانب فرزندان المی بوی رسد ودشمنان را غمی رسد وخبر شنوان وراهبران کوید وسخنش اغلب راست آید
مشتری در خانه ششم	شوریده احوال بود وچند کونه سلاح را دوست دارد واز جانب زنان وفرزندان دل تنکی بر دو مال بادر زیان آورد واز مال بدر بهره مند شود واز خدام وشاکردان منفعت بیند وامراض صعب را بسهولت بکذراند

تتمه احکام مشتری در بیوت دوازده گانه

مشتری در هفتم

زندگانی در رفعت و منزلت گذرانند و زنی بلند قدر
کنند و آن زن آبستنی بسیار گردد اما فرزند کم ماند
و دوستان زیاده گردند و دشمنان هلاک شوند و
بناها نهند و اگر مشتری دران خانه منحوس بود میان او

[illegible]

مشتری در هشتم

از کار مرده گان و متروکات فایده بیند و اندوه
و غم بر دوبار او دروغ بسیار بندند و سخن بد گوید
و دروغ گو بود و به تهمت گرفتار شود و مالی
از مهر زنان و خصمان تلف شود

مشتری در نهم

سفر کند و فایده تمام یابد و در غربت
بناها نهد و با بزرگان مخالطت کند و پاک
اعتقاد بود در کار دین کوشد و علوم ظاهر
بدست آورد و اگر درین برج مشتری غریب
بود خوابهاء آشفته بیند

تتمه احکام مشتری در بیوت دوازده گانه

مشتری در دهم

با بزرگان و معارف مخالطت کند و مهتری یابد
اما نقصان در مالش واقع شود و زود با صلاح آید
و زمینها و املاک و اسباب بدست آورد و از شرکت
فایده بیند و موصوف و مشهور گردد و در ارث بهمت کوشد

مشتری در یازدهم

از دوستان خرم شود و دوستان بیک جهت وی را
بسیار باشند و زن کند و مال بدست آورد و
فرزندش آید و از هدیه و تحفه خرم گردد و با
بزرگان مخالطت کند و چون بیمار شود زود

[illegible]

مشتری در دوازدهم

بعضی با وی دشمنی کنند و در رشید قصد او باشند
اما ظفر او را بود و خرجش زیاده از دخل بود و
سفر دورش واقع شود و غم بسیار خورد
و از مخالطت معارف و
اشراف محترز بود

جدول احکام بودن مریخ در خانها دوازده کانه

مریخ در طالع

از آتش یا آهن آفتی بوی رسد و با مردم بی سببی
منازعت کند ولی دیانت باشد و زود خشم
گیرد و سخت دل بود و نقل و تحویل بسیار کند و تند
مزاج بود و با زنان خصومت کند و تلخ سخن بود

مریخ در دوم

در میان بزرگان غمز کند و خصومت انداز د
و مال را بیهوده تلف کند و بیشتر اوقات
اندوه کین باشد و از وی دزدی کنند و باعمال
و اشغال حقیر قیام نماید و با مردم بیشتر مخالفت کند

مریخ در سیوم

نجوشتن معجب بود و میان او و برادران و خویشان
سخنی رود و دشمنی ورزند و حیلت و مکر بسیار
کند و تردد بی فایده کند و ندیمی مهتر کند و سفر
کند اما در راه خوف باشد و فایده
کم یابد

تتمه احکام بودن مریخ در خانها دوازده کانه

مریخ در چهارم

بوی علتی یا جراحتی رسد و از جایگاهی بیفتد و ارباع
~~علتی یا جراحتی رسد~~ و خواسته اش زیان کرد و از ضیاع جهت
والم یابد و از زیر دستان دل تنگی برد و از اعمال و اشغال نقصان

[illegible]

مریخ در پنجم

از جهت فرزندان و رسولان و هدیه غم بوی رسد و علتی
از حرارت پیدا کند و فرزندانش بیماری و جراحت
کشند و با اهل خویش بدی کند و روز کار بد
گذراند اما اگر تجارت کند فایده بیند

مریخ در ششم

از جایگاهی بیفتد و علتی پیدا کند و کار بنده
و خدمتکار نیک نباشد و از وی بگریزند
و سخنان نا خوش و باطل گوید و از افعی جاره پیدا
کند و خلل در مزاجش فاسد گردد
و با شریران نشست و خواست کند

تتمه احکام مریخ در خانها دوازده گانه

مریخ در هفتم
در کارها پشیمانی برد و حرکت واندیشه بسیار کنند و از آتش یوبی آفت رسد و باران و فرزندانش منازعت افتد و از دزد ملال رسد و سفر کند و سلامت باز آید و با دوستان نیکویی کند و از خویشان دل تنگی بیند

مریخ در هشتم
رنج و تعب بسیار بود و منازعت کند و ظفر او را بود و از آتش یا آهن زیانی بوی رسد و کارش اشفته گردد و بکارهاء ناپسندیده قیام نماید و دروغ بسیار گوید و مخوف و منهزم باشد

و دشمن بسیار بود

مریخ در نهم
نقل و تحویل بی فایده بسیار کنند و نیز خشم و تند مزاج بود و از تجارت منفعت یابد و بر دشمنان پیروز گردد و با درویشان مکرمت کند و مهتران سخن او معتبر دارند و در اعتقاد خلل بود

والله اعلم بالصواب

تتمه احکام بودن مریخ در بیوت دوازده گانه

مریخ در دهم
با امرا و لشکریان مخالفت کند و با عمال و اشغال ایشان قیام نماید و زر و فرزندانش را مکروهی رسد و مایل بود بصحبت زنان و بکارهای ناپسندیده کند و خصومت بسیار کند متعجب و متکبر بود

مریخ در یازدهم
مال بسیار بی برکت او را بود و از جانب زنان خوب بیند و از تجارت سود کند و دوستیهای بسیار پنهان کند و با عمال سلطانی مشغول شود و از خویشان منهزم باشد و در مهمات مجتهد و ساعی باشد

مریخ در دوازدهم
خصومت بسیار کند و اغلب ظفر او را بود و از جهت بندگان غم بیند و از طلب ترقی و شهرت نبود و در بند ابتداء او فند و مردم باشد و سخت سخنی بود و در نظر مردم با هیبت تمام باشد احکام

مریخ در همه خانها

تم

جدول احکام بودن آفتاب در بروج دوازده گانه طالع

آفتاب در طالع	بر قومی فرمان دهد و قدر و دانش بیفزاید و عمل سلطان و حکام کند و از آن فایده یابد و موصوف و مشهور گردد و بنا نهد و عمارت کند اما بر او دروغ بندند و تعب برد و سفر کند والله اعلم
آفتاب در دوم	غمّاز و پرده در بود و جراحتی پیدا کند در چشم یا در شکم یا از جایگاهی بیفتد و از بزرگان و حکام او را مکروهی رسد و مال در وجه خیر صرف نماید و شهرت دوست دارد و متعجب بود و از اعمال حکام روزی پیدا کند
آفتاب در سیوم	مردم قوتش قبول پذیرفته دارند و گاه سخنان بد شنود و از آن متألم شود و از جهت زنان غم برد و با بزرگان منازعت کند و کارها نیک بدست وی بر آید و برادران و خویشان تکبر کنند و بزرگی نماید

تتمه احکام آفتاب در دوازده خانه طالع

آفتاب در چهارم	بنا و عمارت عالی و متکلف سازد و با بزرگان مخالطت کند و از زنان و فرزند منفعت بیند و محروم گردد و بعضی خویشان او را مکروهی رسد و کار را خواهش بسندیده بود و با پدر و بزرگان بزرگی کند و بلند همت بود
آفتاب در پنجم	مهتران او را گرامی دارند و قدر و دانش بیفزاید و خانه عبادت را عمارت کند و فرزندانش را غمی و مکروهی رسد و هرگاه که آفتاب در این خانه بود کارش نیکو بود و از حکام هدیه و تحفه یابد و محبوبان بزرگ زاده دوست دارد
آفتاب در ششم	خشم بسیار گیرد و ذلیل بود و عقلش بکار بود و علتی در سر و دماغ پدید آورد و از آفت چشم بیم بود و اغلب بیماری از حرارت و یبوست بود و مال بزیان آورد و از بندگان و زیردستان ملال و زحمت بیند و سودائی مزاج باشد

وعلت بسیار پدید کند و غلبه ... اوقات بیمان او و ...
... نزاع و خصومت بسیار کند

تتمه احکام بودن آفتاب در خانهای دوازده گانه

آفتاب در هفتم

قدر و منزلت بیفزاید و با بزرگان دوستی کند و نیکویی
بیند و کارهای پسندیده کند و معروف و مشهور
گردد و مایل بود بحکومت و بزرگی و بزرگ
اگر آفتاب درین خانه محظوظ بود بر قومی مهتری کند

آفتاب در هشتم

از زن و فرزند و خواهران و برادران و دوستان
محروم گردد و بضبط مال و اسباب مایل باشد
و امید کسی از بزرگان و حکام بر آید و هر چه در
طلب آن سعی کند عاقبت حاصل شود در بزرگان
با وی دوستی

آفتاب در نهم

مهتران او را گرامی دارند و در سفر و غربت فایده
یابد و بنا و عمارت کند و خویشان او را مکروه
رسد اما بر دشمن ظفر یابد و درست اعتقاد بود
و در مهمات مجد و ساعی
باشد

در ... بلندی یا چاریایه بیفتد ... پیدا کند ... نفر کند و در راه ... و خدمت کند و افتی ... رسد و بیماری ... کند و خوف ... بسیار ... باشد ... در بیماری ...
صح

تتمه احکام بودن آفتاب در بیوت موالید

آفتاب در دهم

قدر و منزلت بیفزاید و با بزرگان دوستی کند و نیکویی
بیند و کارهای پسندیده کند و معروف و مشهور گردد
و مایل بود بحکومت و بزرگی و بزرگ و اگر آفتاب
درین خانه بود و محظوظ بود بر قومی مهتری کند

آفتاب در یازدهم

از زن و فرزند و خواهران و برادران و دوستان
خرم گردد و بضبط مال و اسباب مایل باشد و امید کسی
از بزرگان و حکام بر آید و هر چه در طلب آن
سعی کند عاقبت حاصل شود و بزرگان با وی
دوستی کنند و شفقت نمایند والله اعلم

آفتاب در دوازدهم

از آتش تا از جراحتی آفتی بوی رسد و از مادر و پدر
فایده و منفعت نبیند و خدمت بزرگان
کند و از آن چیزی بدست آورد و از
دشمنان مخوف بود و در خصومت و معارضه اغلب
مغلوب باشد تمام شد احکام آفتاب در بیوت

جدول احکام زهره در بیوت دوازده گانه مولید

زهره در طالع	زنی از مهتران او را دوست شود و جامهای نیکو گرد و فروشد و بسیار خوار و لباک بود و زنی رست منفعت و فایده یابد و با هر که منازعت کند ظفر یابد یا بصلاح آید و عنبر و بوی های خوش دوست دارد و با زنان مخالطت کند والله اعلم
زهره در دوم	در مالش بسبب زنان زیان و نقصانی افتد اما زود صلاح آید و سخاوت کند و تجارت دوست دارد و سخنان دروغ گوید و زنی را بنو ببیند و با مردم مختلط بود و کاری کند که با قیمت و البته تعلوی آن نباشد
زهره در سیوم	قدرش افزون گردد و خرم و بانشاط بود و کتب و اصحاب ان و علم نجوم دوست دارد و دوستان بسیارش بود و بارشان نیکویی کند و ضیاع و عقار بدست آرد و از برادران و خواهران شفقت ببیند

تتمه احکام بودن زهره در خانهای دوازده گانه

زهره در چهارم	باغ و بستان خرد و با هم کسی مخالطت کند و از خوبان و نزدیکان عم و خال انتقال کند و از دور دست زحمت یابد و از بان بردار بدر و مادر بود و عاقبت کارش بستر بیله بود و نیکو خلق و کریم طبع باشد والله اعلم
زهره در پنجم	از تجارت سود کند و از جانب ایشان تحفه و هدیه یابد و از فرزندان خرم شود و با غریبان مصاحبت و مخالطت کند و عشرت و عشق بازی کند و اغلب اوقات خرم باشد اما اگر زهره درین خانه منحوس بود از جهت خواستن زنان غم برد
زهره در ششم	با دوستان و خربان منازعت کند و خصومت ورزد و از جهت زنان غم برد و بنکاح راغب بود و علتی در سر پیدا کند و با کنیزان و زیر دستان مخالطت در آید بیماری صعب زود بگذراند

زهره در هفتم

کار زنان و فرزندانش مختلف بود و زنش بیمار گردد
و حیلت و مکر و دروغ و سوگند بسیار از غایت شهوت ورزد
وی دعوی کنند و از آن ملال و نقصان باشد
و مایل باشد بزنان و نکاح بسیار کردن

زهره در هشتم

جراحت بسیار کشد و اندوهگین و می‌جامعت
بسیار کند با دوستان و خویشان زهره و زرد
و بددل و ترسنده بود و شراب بسیار خورد
و نه چنان باشد که نامید و از میراث و دفینه بهره
مند گردد اما تلف کند و رحیم دل و سلیم باشد و از
زنان خرم شود والله اعلم و منفعت

زهره در نهم

از جهت علم رنج و تعب بسیار برد و خوابها
گوناگون ببیند و سفر کند و از جاهی منفعت و
مالش ضایع گردد و نقل و تحویل بسیار کند و از سفر
و اندیشه فایده یابد خوش خلق و سبک روح و درست
اعتقاد بود و خوابی که ببیند اغلب راست باشد

زهره در دهم

قدر و منزلتش بیفزاید و شهوت دوست دارد و کارها
پسندیده کند و قومی از وی خرم شوند و بزرگان وی را
دوست دارند و اهل خانه را نیک نگاه دارد و با ایشان
شفقت نماید و از جانب ها در فرح شود

زهره در یازدهم

قدر و حشمت و مال و زینت یابد و فایده‌ها بسیار
بود و دوستان یکجهت داشته باشد و هرچه امید دارد
بسهولت و آسانی بدست آورد و با هر که منازعت کند
ظفر یابد و از شادی و خرمی بیرون نیاید

زهره در دوازدهم

از جهت مال و زن و فرزند و برده غمی بوی رسد
و کارها پنهانی کند و اگر سفر کند بد باشد
و علتی مزمن پیدا کند و از درد چشم بیم بود و با
زنان خصومت کند و از همه زنان نقصان
ببیند و مردم با وی به سبب زنی دشمنی کنند
تمام شد احکام زهره

جدول احکام بودن عطارد در هریکی از دوازده خانه مولود

عطارد در طالع

با حکما و دبیران و شعرا و منجمان صحبت ورزد و نیز الفت کند و
حکمت دوست دارد و علوم دقیق روی کشاده شود
و از تجارت سود کند و علمش در سر پیدا آید و نامه و خبر بسیار
باو رسد و نقل و تحویل دوست دارد و دوستان نقاشی
و نگارها با رنگ کند

عطارد در دوم

دروغ بسیار گوید و نامه و کتابتها به تزویر نویسند
و از پیشه کاری و صنعت معاش گذراند و از جهت فرزندان
غم برد و بزرگان او را گرامی دارند و از خرید و فروخت
و تجارت فایده بیند خاصه که عطارد در خوش حال بود

عطارد در سیوم

از علم نجوم و احکام بهره‌مند شود و از انبازی سود کند
و مصاحب بزرگان و سخنان صواب گوید اما
از جای افتادن بیم بود و هیچکس را
نپسندد و امیدی که داشته باشد
بر آید و با اقربا بمکر و تزویر
گذراند

تتمه احکام عطارد در دوازده خانه مولود

عطارد در چهارم

خصومت ورزد و میان او و پدر و برادران بفساد
انجامد اما ظفر او را بود و مرض پنهانی پیدا کند و عملها و
صنعتها مختلف آموزد و از بنا و عمارت فایده یابد
و بعمل و کار دیوانیان و محکمه اشتغال نماید

عطارد در پنجم

از تجارت و علم نجوم بهره و منفعت [illegible]
فایده یابد و از [illegible] فرزندان [illegible] و زنان یار او شوند
رنج [illegible] و مباحثه کند [illegible] لطف [illegible] او
ببیند و [illegible] و دشمنان [illegible] کنند و با [illegible] کنند
خرید و [illegible] مخالطت نماید و [illegible] نیکی [illegible] مصاحبت

عطارد در ششم

چشمش را علتی رسد و از گوش و گلو زحمت بیند
و چیزی از وی بدزدند و سوگند بدروغ بسیار خورد
و عجب و خودپسند بود و از خرید و فروخت دواب
منفعت یابد و از خدمتکاران بی وفائی
و ملال و زحمت بیند

تتمه احکام بودن عطارد در بیوت اثنی عشر طالع

عطارد در دهم

فرزند و علمش افزون گردد و صاحب رای و تدبیر بود و با زنان منازعت کند و نکاح و خلطه با کنیزان و غلامان کند و خشمگین و بدخوی باشد و از آن در زحمت باشد و از شترگربه و انبازی فایده بیند

عطارد در یازدهم

عملش بسیار بود [illegible] رشد و صلاح [illegible] و فکر و دانش [illegible] و در کارها [illegible] و سخن [illegible] غالب [illegible] والله اعلم

عطارد در دوازدهم

میان او و اصحابش اغلب اوقات گفتگوی بود و بیشتر اوقات دست تنگ بود اما محتمل که چیزی بیابد و از فرزندان نفع یابد و با بزرگان مخالطت کند و تجارت کند و چیزهای نو بدید آورد والله اعلم

تتمه احکام عطارد در دوازده خانه مولود

عطارد در دهم

خرد و علمش بیفزاید و از دوستان خرمی و منفعت بیند اما علم بدشواری آموزد و بر دشمن مظفر و منصور بود و مجامعت بسیار کند و کارهای غریب کند و خوش سخن و لطیف طبع بود و شعر گوید و طلب [illegible] دارد

عطارد در یازدهم

ازو [illegible] نیکان [illegible] نفع [illegible] منفعت [illegible] و صحیح [illegible]

عطارد در دوازدهم

ازوی افعال بد صادر شود و با دروغگویان و نقصان مخالطت کند و از تجارت و خرید و فروخت زیان بیند اما از حساب کردن و شروع در اعمال حسابی نمودن فایده بیند و با دشمنان بمکر و حیلت کند را بند و از اعمال دیوان نقصانی بوی رسد

جدول بودن قمر در بیوت اثنی عشریه موالید

قمر در طالع	از ضیاع و عقار و تجارت فایده بیند و مناظره و مباحثه بسیار کند و با بزرگان مخالطت کند و حرکت و آنچه سفر بسیارش واقع شود و از آن منفعت بیند و بیشتر اوقات قرین باشد و کار او منقلب بود و دیگر بر یک منهج نباشد
قمر در دوم	زن با مال ... [illegible] ... والله اعلم
قمر در سیوم	خبرها گوید و رسوائی کند و با مردم استهزا کند و از گشت و تنزه فایده یابد و سفر بسیار کند و از آن منفعت بیند و هر کار که شروع نماید بدست آورد و از بخش بهره برد و تجارتش نیک بود اما خواهرها سهمگین بیند

تتمه جدول احکام قمر در خانهاء موالید

قمر در چهارم	بیشتر اوقات اندوهگین و غمگین بود و از مخالطت بزرگان فایده یابد و میان او و پدر مخالفت افتد و با قومی دشمنی کند و کار و بارش هر چند روز بنوعی بود و نقل و تحویل بسیار واقع شود والله اعلم
قمر در پنجم	زن و فرزندان ... [illegible] ... والله اعلم
قمر در ششم	بخویشتن معجب بود و در بدی کردن بی باک باشد و در بالینش علتی پیدا شود و از سفر سود یابد و از بزرگان و زیردستان فرمان بیند و از خرید و فروخت چهارپایان فایده و نفع بیند و بیماریها آهنگو پیدا کند والله اعلم

قمر در هفتم

میان او و پدر و مادر مخالفت افتد و به چیزهای زنان خرم شود و خوابهاء بد بیند و از تجارت سود بیند و از سفر فایده یابد و با یم خصومت کند اغلب غالب آید و از تزویج بهره مند شود

قمر در هشتم

[illegible] بیند [illegible] خواری بیند و بیم رنج شود [illegible] بیماری [illegible] بود و خصومت [illegible] بطلب [illegible] خصومت [illegible] از زنان ضرر [illegible] والله اعلم

قمر در نهم

خبر آورد و رسولی کند و با بزرگان مخالطت کند و از سخن و خبر رسانیدن فایده بیند و ضایع شدن زود باز بدست آید و با غریبان نشست و خواست کند و بیشتر اوقات در امد شد باشد والله اعلم

قمر در دهم

پدر و منزلتش بیفزاید و داهی و دانا بود و تجارت کند و از آن فایده یابد و از زن و فرزندان خرمی یابد بیند و با بزرگان مخالطت کند و از نکاح و تزویج خرم شود و از [illegible] بزرگان منفعت و فایده یابد

قمر در یازدهم

از سفر و فایده [illegible] تجارت [illegible] آید و [illegible] بیند و [illegible] و [illegible] ضایع [illegible] منفعت [illegible] والله اعلم

قمر در دوازدهم

غم بسیار برد و از دشمنان ملال و تعب برد و با اهل خود خصومت کند و بیشتر اوقات تنگ دل بود و مادرش را مکروهی رسد و از چهارپایان ملال و نقصان بیند و از همه زنان مضرت یابد تمام شد احکام قمر در بیوت

احکام بودن راس در بیوت اثنی عشریه مولید

راس در طالع

با مهتران و بزرگان مخالطت کند و از ایشان کرمی
بیند و شغل دور کند و با عمال و اشغال پسندیده
اشتغال نماید و مایل بود بزهد و پرهیز و کوشش
گرفتن و مردم معتقد و مرید وی باشند

راس در دوم

[illegible] در اصلاح [illegible] همیشه [illegible]
کار [illegible] نفع [illegible] مال [illegible]
[illegible] حلال [illegible] بصلاح [illegible]
[illegible] محنت [illegible]

راس در سیوم

برادران و خویشان و اهل خانه و مهتری کند و ایشان
را از طعام و نعمت دهد و کارها بتدبیر و صواب
کند و در اوایل عمر حال و کارش سهل باشد
اما در آخر احوالش بهتر شود
و جمعیت یابد

تتمه احکام بودن راس در بیوت طالع مولود

راس در چهارم

قدر و جاهش بیفزاید و نقل و تحویلش واقع
شود و از ضیاع و عقار فایده یابد و بر دشمن
مظفر شود و با جماعتی دوستی کند و لکن در مالش
زیان رسد اما عاقبت کار و احوالش بخیر و صلاح انجامد

راس در پنجم

دوستان [illegible]
[illegible] فرزندان [illegible]
[illegible]

راس در ششم

از جایی بجایی گردد و کارش به یک نهج نباشد و نقل
و تحویل کند و از جایی به نیفتد و از جانب شاگردان
و خدمتکاران ملال یابد و بیماریهای سخت
باسانی گذراند و بستر او با صحیح المزاج باشد و از
خدمتکاران فایده بیند

راس در هفتم
از بعض زنان خرمی بیند و از جانب بعضی اندوهگین شود
و از بزرگان فایده یابد و بمادرش را مکروهی رسد
و زنان در ناموس واقع شود و با خصمان بمدارا گذرانند
و عاجبان روی حسد برند و زن مستوره
کند

راس در هشتم
نقصی [illegible] کند
و تعب بیند و از رنج و از دشمنان [illegible]
بیند بعضی رنج بیند و با عمال اشتغال [illegible] بابد
[illegible] بیند [illegible] اشتغال [illegible] مسیره
[illegible] احوال [illegible]
[illegible] بود

راس در نهم
از سفر و غربی فایده بیند و خدمتکار انشی
فرو کردند و سخنش نزد خلایق مقبول باشد
و در کارها متوسط بود و پاک اعتقاد و صالح
و زاهد بود و خوابهاء راست بیند و تعبیرش
زود واقع شود

راس در دهم
مال و کرامت کند و نیکنام بود و ملک و اسباب جمع
کند و به عملی مشغول شود و بر جمعی حکومت کند
و بر دشمنان مظفر و منصور گردد و با بزرگان
منی لطف و مصاحبت کند و معروف و مشهور گردد

راس در یازدهم
[illegible] نیکنامی [illegible] بود
[illegible] و با [illegible] نفع [illegible]
[illegible] نقصان [illegible]
[illegible] نقصان [illegible]
[illegible] شود [illegible]

راس در دوازدهم
خصومت ورزد و با دشمنان معارضه و مجادله کند
و در جهان یابان فایده یابد و غلبه دشمنان و خصمان
در آفد دوستی کردند و در اعتقادش خللی
پدید آید تمام شد احکام راس در خانها

و اندیشهای باطل در خاطرش پیدا شود

ع

قوماي از ابراد سال

جدول احکام بودن ذنب در بیوت دوازده گانه مولود

ذنب در هفتم

مال بزنان آورد و غم بسیار خورد و قومی بروی حسد برند و از آن سبب نقصان و ملال یابد و در کار مردم توقف انداز و منغص طبع بود و دشمن از جهت رسد و تدبیرهای نا پسندیده کند والله اعلم

ذنب در هشتم

ماش ... شود ... نقصان ... پسندیده ... سنجی ... سخن ... اعمال ... و از ... بیند ... آورد و ... والله اعلم بالصواب

ذنب در نهم

از برادران و خواهران و خویشان غم و تفرقه بیند و از ایشان در همه احوال فروتر بود و با مردم سفر ... کنند و از نقل و کوچ ملال یابد و در کارها پشیمانی بود و بر گذشته تاسف خورد و متحیر و متفکر بود والله اعلم

تتمه احکام بودن ذنب در بیوت موالید

ذنب در دهم

مالش تلف شود و بدنام گردد و با عمال نا پسندیده قیام نماید و از بزرگان مخوف و منهزم بود و ملال یابد و از عمل حکام در قید افتد و رنج بیند و اعمال و اشغال وی با دونان و بد اصلان بود و حسود و منغص طبع باشد والله اعلم بالصواب

ذنب در یازدهم

... نقصان ... و از ... بیند ... والله اعلم

ذنب در دوازدهم

از دشمنان مکر و حیله رسد و غم و اندیشه برد و نقصان ... بود و از چهارپایان نقصان یابد و فکر و اندیشه باطل بسیار آورد و دشمنی مردم بر حاصل باشند تمام شد احکام کواکب و راس و ذنب در خانهای دوازده گانه طالع

جدول در معرفت احکام محرّم نامه

روز شنبه

در سالی که اول محرم روز شنبه بود تجربه کرده اند
که در آن سال سرما سخت بود و در زمستان برفهای
سخت جهد و جو د کند [illegible] کم باشد و مرض بسیار بود
و مرگ کودکان بود و عسل و شیرینی کم باشند
و درختان را آفت رسد و محاربه بود و [illegible] باشند

روز یکشنبه

[illegible] اول محرم روز یکشنبه بود [illegible]
[illegible] بسیار بود [illegible]
[illegible]

روز دوشنبه

سالی که اول محرم روز دوشنبه بود تابستان
گرم بود و در زمستان باران بسیار آید و گاو
و گوسفند بسیار باشد و نرخها ارزان بود و میوه
بسیار بود و از طرف شمال شخص سلطان خروج کند
و گیاه را آفت رسد و دوام در [illegible] بسیار باشند

تتمه احکام محرم نامه

روز سه‌شنبه

در سالی که سه‌شنبه اول محرم باشد در زمستان
سرما سخت بود و برف بسیار آید و درختان را آفت رسد
و نرخها ارزان بود اما حادثهاء غریب روی
نماید و دشمن سلطان پیدا شود اما غلبه سلطان را
بود و در ناحیت فارس غله را آفت رسد و عسل و شیرینی کم بود

روز چهارشنبه

[illegible] اول محرم روز چهارشنبه [illegible]
[illegible] بسیار [illegible]
[illegible] ارزان باشد [illegible] طاعون [illegible]

روز پنجشنبه

در سالی که اول محرم روز پنجشنبه بود میوه و شیرینی
بسیار باشد اما در اول سال بیماری بسیار
باشد خاصه تبهاء محرق و طاعون در بعضی
مواضع شود خاصه در زمین بابل و باران کم
آید و غله و مزروعات نقصان پذیرد

تتمهٔ احکام محرم نامه

روز جمعه	در سالی که اول محرم روز جمعه باشد در ان سال آب و باران کم باشد و غله و مزروعات اندک بود و در صحرا و کوهستان مردم بسیار میرند و درختان را آفت رسد و در روم و جهت عرب فتنه بود و تردد سپاه و غلبه سلطان

تمام شد منتخب احکام نظرات و موالید و محرم نامه بود از اینی دوایر و جداول که اثر از زواید تقویم گویند بیاوریم جا احتیاج بان واقع میشود و حکما معتبر داشته اند

جدول در معرفت شهرهای مشهور اقالیم سبعه و طول البلدان

اقلیم اول	شهرهای هندوستان بلاد چین بلاد سند جزیره عرب طرف زمین حجاز عدن حبشه صنعا عمان زنگبار زمین بربر یمن تبت تا بدریای محیط و این اقلیم بزحل تعلق دارد
اقلیم دوم	مدینه رسول صلی الله علیه و آله و مکه طایف جده مکران هرموز افریقیه نیل مصر قطیف بحرین منصوره کابل بعضی از حبش و دریای مغرب و این اقلیم بمشتری منسوب است
اقلیم سیوم	قندهار زابلستان سیستان کرمان سیرجان دارگرد شیراز یزد ارزق بصره خوزستان واسط بغداد کوفه اسکندریه صفاهان قیروان شوشتر رمی شام دمشق طبریه و این اقلیم بمریخ تعلق دارد
اقلیم چهارم	ولایت ترکستان خجند ماوراالنهر خراسان بلخ مرو هراة سرخس طوس نیشابور طبرستان قزوین ری اصفهان بقول بعضی قم همدان تبریز آذربایجان نهاوند موصل حلب و بدخشان و این اقلیم بآفتاب منسوب است
اقلیم پنجم	بعضی از روم و کاشغر ختن و فرغانه و خجند بقول بعضی سمرقند بخارا نسف خوارزم گیلان ارمنیه کاث اسفیجاب و این اقلیم بزهره تعلق دارد
اقلیم ششم	بلاد یاجوج ماجوج تا دریای فغفور بعضی ترکستان و چرکس قسطنطنیه الان بلغار و دشت قپچاق خان بالغ و این اقلیم بعطارد تعلق دارد
اقلیم هفتم	برطانیا و جزایر تولی و بعضی از بلاد یاجوج و ماجوج و سقلاب و اقصی روم و صقالبه و روس و دریای شمالی تا بدریای مغرب و این اقلیم بقمر تعلق دارد

جدول در معرفت احکام ذوذوابه و ذوذنب

حکما گفته اند که ذوذوابه بر مثال سر آدمی باشد که از او چند
گیسوها آتش پدید آمده بود و ذوذنب ستاره باشد که او را
صورت دم باشد و از هر طرف که دنبال او بود از آن جانب
خیزد و آن جهت خراب شود و هر آینه این صورت
اغلب در صبح طالع شود خراب شود و در هر برجی که
باشد حکمها دارد چنانچه در این دایره است
از نیم شب مشرقی و بعد از نیم شب مغربی باشد



جدول در معرفت موضع سکن یلدوز و احکام آن

حکماء ترک تصور کرده اند چنین شمرده است و او را حرکتی معین
کرده که هر روز از روزها ترک در جهتی باشد از جهات عالم چون کسی کاری
مشغول شود یا بسفری رود نباید که روی در بستار را پشت
مقابل او دارد و مبالغه تا حدی نموده اند که اگر سوران
جهت ضرورت افتد اول پشت بر آن جهت باید کردن
و پاره زمینی و بعد از آن متوجه طرف مقصود شدن و
اگر دو لشکر مقابل یکدیگر باشند آنکه روی باو داشته
باشد مغلوب گردد و بودن او در جهات از این دایره
معلوم توان



جدول در معرفت احکام ایام مریض

حکما گفته اند که چون کسی بیمار شود از آن روز که
بیماری او بود احوال او را استدلال توان
کرد از درازی و کوتاهی و سختی و آسانی و خوف
و سلامتی و تجربه کرده اند و اغلب موافق
آمده و در این دایره نهاده اند تا بر وی
فهم شود



مصطفی زاده عصمت

جدول منفعت و مضرت فصد کردن از اول ماه تا آخر

حکما گفته اند که اختیارات نیک و بد و منفعت و مضرت
فصد کردن بزیادت و نقصان نور ماه تعلق دارد
چون ماه با اجتماع رسد تا رسیدن با استقبال در هر روز
مضرتی پدید آورد و از استقبال تا اجتماع هر روز
منفعتی دهد و حکم آن از روز اول ماه تا سی ام روز
بروز ضبط نموده اند بطریقی که در این دایره
مثبت است



جدول اختیارات ایام قدیم مروی از امام جعفر صادق علیه السلام

اول	نیکست تزویج و بیع و شری	شانزدهم	مهمات را نشاید
دوم	نیکست تجارت و طلب مال	هفدهم	مبارک است و صلت و معاملت
سیوم	مهمات را نشاید	هیجدهم	نیکست طلب حاجات و نقل و تحویل
چهارم	نیکست همه کار الا سفر	نوزدهم	مبارک است سفر و تزویج کردن
پنجم	مهمات را نشاید	بیستم	نیکست دیدار ملوک و سفر
ششم	مختار است سفر و صید کردن	بیست و یکم	مهمات را نشاید
هفتم	نیکست تزویج و بنا و حرکت	بیست و دوم	مبارک است تزویج و سفر کردن
هشتم	مبارک است همه کار الا سفر	بیست و سیوم	مختار است دیدار ملوک و حکام
نهم	نیکست سفر و طلب حاجات	بیست و چهارم	مهمات را نشاید
دهم	مجموع مهمات را نشاید	بیست و پنجم	حذر از کارها اولی بود
یازدهم	نیکست همه کار مگر عمارت	بیست و ششم	مبارک است همه امور الا سفر
دوازدهم	جمله کارها را شاید	بیست و هفتم	نیکست همه کار خاصه تجارت
سیزدهم	مهمات را نشاید	بیست و هشتم	مختار است طلب حاجات و سفر
چهاردهم	مبارک است دیدار اعاظم و اکابر	بیست و نهم	نیکست سفر و طلب کم شده
پانزدهم	مختار است سفر و طلب حاجات	سیم	نیکست همه حاجات خاصه نقل

جدول اختیارات بودن قمر در منازل بیست و هشت گانه

منازل	اختیارات	منازل	اختیارات
شرطین	نیکست دیدار حکام و امرا و فصد	غفر	نیکست نو بریدن و تزویج کردن
بطین	نیکست فصد و کارهای آتشی	زبانا	نیکست طلب مال و حاجات
ثریا	نیکست جلوس سریر و بنا نهادن	اکلیل	جز دارو خوردن نشاید
دبران	مهمات را نشاید	قلب	نیکست دیدار امرا و دعوی کردن
هقعه	نیکست سفر و تجارت کردن	شوله	مهمات را نشاید
هنعه	نیکست صید و شرکت کردن	نعایم	نیکست دیدار اعاظم و اکابر
ذراع	نیکست سفر و دارو خوردن	بلده	نیکست سفر و نو بریدن و پوشیدن
نثره	نیکست فرستادن رسول	ذابح	نیکست عمارت و زراعت کردن
طرف	نیکست دارو و مسهل خوردن	بلع	نیکست خریدن باغ و زمین
جبهه	نیکست فصد و دیدار ملوک	سعود	نیکست عهد و بنای مساجد و مدارس
زبره	نیکست ترکیب عطریات	اخبیه	نیکست تزویج و بنا نهادن
صرفه	نیکست نو بریدن و شرکت کردن	مقدم	نیکست شراب و دیدار اکابر
عوا	نیکست دیدار اعاظم و اکابر	مؤخر	نیکست نو بریدن و مسهل خوردن
سماک	نیکست سفر و نو بریدن	رشا	نیکست نکاح و ابتدا کارها

جدول احکام حالات قمر از شرف و هبوط و دیگر احوال

[illegible]	نیکست بنا مساجد و مواضع و عمارت و زراعت و تزویج و بیع املاک و طلب حاجت	تحت الشعاع	هیچ کار نشاید الا چیزی پنهان کردن و غدر و تکمین
فی الهبوط	هیچ کار نشاید مگر هلاک دشمن و خرابی بناها و مسهل دارو خوردن	[illegible]	بدست طلب حاجات و تجارت و معاملات و نقل و تحویل و سفر بقول البعض
[illegible]	نیکست دیدار زاهدان و رفتن بحج و غزا و خیرات و صدقات	سریع السیر	نیکست تزویج کردن و لهو و طرب و عشرت و تماشا و نقل و حرکت
مع الذنب	هیچ کار نشاید مگر ساختن مسمومات و مکر و حیلت و هلاک اعدا	[illegible]	هیچ کار نشاید خاصه سفر کردن و قصد دشمن و سنت کردن
[illegible]	نیکست خلوت ساختن و زینت و تماشا و حمام رفتن و عمارت و املاک	واقع بین السعدین	نیکست دیدار امرا و لهو و طرب و عشرت و تزویج و تناسل
بعید الاتصال	نیکست ناخن گرفتن و کرباس زدن و زینت و تجمل و عمارت و زراعت و خریدن املاک	[illegible]	هیچ کار نشاید مگر قتل و سیاست و اظهار عداوت

جدول موقت اتصال قمر با کواکب شش گانه

الانظار	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
نظر مقارنه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
تسدیس	بنا و خریدن املاک [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
تربیع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	هیچ کار نشاید	[illegible]	[illegible]
تثلیث	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
نظر مقابله	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول منسوبات کواکب سبعه سیاره

المنسوبات / الکواکب	زحل	المشتری	المریخ	الشمس	الزهره	عطارد	القمر
دلالت بر نامها	کیوان	هرمزد	بهرام	مهر	ناهید	تیر	ماه
سعد و نحس	نحس بزرگ	سعد بزرگ	نحس کوچک	سعد نیط	سعد کوچک	ممتزج	سعد
دلالت بر طبایع	سرد و خشک	گرم و تر	گرم و خشک	گرم و خشک	گرم و تر	سرد و خشک	سرد و تر
دلالت بر الوان	سیاه [illegible]	[illegible]	سرخ و سیاه	سرخ و زرد	سفید	ادیم	سفید
دلالت بر ایام و لیالی	روزی	روزی	شبی	روزی	شبی	روزی	شبی
دلالت بر نر و ماده	نر	نر	نر	نر	ماده	ممتزج	ماده
دلالت بر اعضا	گوش راست	گوش چپ	جگر و شش	دل و دماغ	سینه و شکم	دست و زبان	موی
دلالت در بروج	دو سال و نیم	یکسال و نیم	یکسال	یکماه	بیست و پنج روز	هجده روز	دو روز و نیم
دلالت بر جواهر	آهن	زر	مس	طلا	مروارید	زمرد	نقره
دلالت بر فرح	دوازدهم	یازدهم	ششم	نهم	پنجم	طالع	سوم
دلالت بر ترح	ششم	پنجم	دوازدهم	سیم	یازدهم	هفتم	نهم
دلالت بر ملت	جهودان	ترسایان	بت‌پرستان	آتش‌پرستان	ملت اسلام	فلسفی	راهبی

جدول ممتزج خطوط کواکب در بروج دوازده گانه

البروج / الکواکب	زحل	المشتری	المریخ	الشمس	الزهره	عطارد	القمر
الحمل	هبوط	مثلثه	خانه	شرف	وبال	غریب	مخطوط
الثور	غریب	غریب	وبال	مخطوط	خانه	حضیض	شرف
الجوزا	حضیض	وبال	غریب	غریب	اوج	خانه	مثلثه
السرطان	وبال	شرف	هبوط	اوج	مثلثه	مثلثه	خانه
الاسد	وبال	مثلثه	اوج	خانه	غریب	غریب	غریب
السنبله	غریب	وبال	غریب	غریب	هبوط	خانه و شرف	غریب
المیزان	شرف	غریب	وبال	هبوط	خانه	مخطوط	طریق محترقه
العقرب	غریب	غریب	خانه	غریب	وبال	اوج	هبوط
القوس	اوج	خانه	مخطوط	غریب	حضیض	وبال	غریب
الجدی	خانه	هبوط	شرف	حضیض	غریب	غریب	وبال
الدلو	خانه	غریب	حضیض	وبال	غریب	مثلثه	غریب
الحوت	غریب	خانه	مثلثه	مخطوط	شرف	وبال هبوط	مثلثه

جدول منسوبات بروج اثنی عشر

المنسوبات / البروج	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبله
طبایع	گرم و خشک آتشی	سرد و خشک خاکی	گرم و تر بادی	سرد و تر آبی	گرم و خشک آتشی	سرد و خشک خاکی
فصول	بهاری	بهاری	بهاری	تابستانی	تابستانی	تابستانی
روزی و شبی	روزی	شبی	روزی	شبی	روزی	شبی
راست و کج	کوشت		راست	راست	راست	راست
دلیل مواضع	صحاری	باغی	[illegible]	نزهتگاه	حصنها	کشتزارها و انبارها
دلیل اعضا	سر	گردن	ساعد و دوش	سینه	پشت و دل	امعا
نر و ماده	نر	ماده	نر	ماده	نر	ماده
منقلب و ثابت و ذو جسدین	منقلب	ثابت	ذو جسدین	منقلب	ثابت	ذو جسدین

تتمه منسوبات بروج اثنی عشر

المنسوبات / البروج	الميزان	العقرب	القوس	الجدی	الدلو	الحوت
طبایع	گرم و تر بادی	سرد و تر آبی	گرم و خشک آتشی	سرد و خشک خاکی	گرم و تر بادی	سرد و تر آبی
فصول	خریفی	خریفی	خریفی	زمستانی	زمستانی	زمستانی
روزی و شبی	روزی	شبی	روزی	شبی	روزی	شبی
راست و کج	راست	راست	راست		کوشت	کشت
دلیل مواضع	باغ	زندانها	صومعه	کوه پایها	[illegible]	دور دریاها
دلیل اعضا	زهار	عورت	ران	زانو	ساق	پای
نر و ماده	نر	ماده	نر	ماده	نر	ماده
منقلب و ثابت و ذو جسدین	منقلب	ثابت	ذو جسدین	منقلب	ثابت	ذو جسدین

جدول بقیه منسوبات بروج

المنسوبات / البروج	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبله
دلالت بر جهات	شرقی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلالت بر حیوانات و طیور	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلالت بر جواهر و معدنیات	لعل [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلالت بر طبقات مردم	لشکریان [illegible]	قاضیان [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	وزرا و [illegible] فضلا
دلالت بر دانه و میوه و حبوبات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلالت بر مواضع بقول دیگر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلالت بر شهرها	[illegible]	[illegible]	[illegible]	خراسان [illegible]	[illegible]	[illegible]
دلالت بر اخلاق و طبیعت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

تتمه منسوبات بروج

المنسوبات / البروج	المیزان	العقرب	القوس	الجدی	الدلو	الحوت
دلالت بر جهات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جنوبی	[illegible]	شمالی
دلالت بر حیوانات و طیور	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلالت بر جواهر و معدنیات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	صدف و عقیق
دلالت بر طبقات مردم	[illegible] و اهل ادب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	علما و زهاد و اهل ورع
دلالت بر دانه و میوه و حبوبات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلالت بر مواضع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلالت بر شهرها	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلالت بر اخلاق و خوی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	لجاج و بخل [illegible]	[illegible]	[illegible]

ایمه و قضات و [illegible] وزرا و [illegible]

جدول قسمت ایام و لیالی و ساعات بر کواکب و اختیارات ساعات

ایام	لیالی	ساعات اح ۱ ۸	ب ط ۲ ۹	ساعات ج ی ۳ ۱۰	د یا ۴ ۱۱	ساعات ه یب ۵ ۱۲	و ۶	ساعات ز ۷
یکشنبه	شب دوشنبه	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ
		دیدار ملوک	تعویذ [illegible]	دیدار اهل علم	تحویل [illegible]	دیدار [illegible]	نقل [illegible]	حمام رفتن
دوشنبه	شب سه‌شنبه	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
		تحریک و شعر	بنا [illegible]	[illegible] عمارت	نکاح [illegible]	دیدار [illegible]	آب در کردن	تحصیل علم
سه‌شنبه	شب چهارشنبه	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری
		سواری و ظفر	[illegible]	ترتیب [illegible]	دیدار وزرا	الوالدان	[illegible]	دیدار وزرا و علما
چهارشنبه	شب پنجشنبه	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره
		[illegible]	دارو خوردن	عمارت [illegible]	فال [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
پنجشنبه	شب جمعه	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل
		قصص [illegible]	دیدار امرا	طلب حاجت	دیدار [illegible]	[illegible]	بیع و شری	دیدار [illegible]
جمعه	شب شنبه	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس
		[illegible]	[illegible] تعلیم	[illegible] فرزند	[illegible]	[illegible]	[illegible]	دیدار ملوک [illegible]
شنبه	شب یکشنبه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
		ملک خریدن	کار ابتدا	سلاح خریدن	دیدار ملوک	دیدار خواتین	تعلیم کتابت	رسول فرستادن

جدول در معرفت شرایط رویت هلال

الحمل

چون ماه در برج حمل نو شود و به بینند باید که در شمع و چراغ و آتش افروخته و آلات طرب و دیدار ترکان و چیزهای سرخ نگاه کند

نشاید دیدار خواتین و اهل طرب

الثور

چون ماه در برج ثور نو شود و به بینند باید که در روی گاوی جوان و مواضع دلپذیر و سبزه و صحبت حسنان و زنان نگاه کند

نشاید سگ و گربه و صورتها کریه دیدن

الجوزا

چون ماه در برج جوزا نو شود و به بینند باید که در روی مردم زاهد و علما و اکابر و کتب حکمت و آلات کتابت و چیزها منقش نگاه کند

نشاید دیدار عامه و اهل سلاح

تتمه جدول شرایط رویت اهله

السرطان

جون ماه دربرج سرطان نو شود وبه ببینند
باید که درآب روان وجیزها سفید ونکین
انکشتری ونقره وزنان خوب صورت نظر کنند
نشاید دیدن جیزهاء سیاه وتیره

الاسد

جون ماه دربرج اسد نو شود وبه ببینند
باید که درمروارید وآینه روشن نظر کنند
وسه نوبت وحده لا شریك له بکویند
نشاید دیدار بندکان وخادمان

السنبله

جون ماه درانی برج نو شود وبه ببینند
باید که درکیاه وسبزه ومواضع نزه وروی فرزندان
بکر ودیدار اهل قلم وتجارت نظر کنند
نشاید دیدن جیزها سیاه وصورت مکروه

تتمه جدول شرایط رویت اهله

المیزان

جون ماه دربرج میزان نو شود وبه ببینند
باید که درآینه وجیزها روشن وصورت خوب
ورنکها سبز وسفید ودیباجه نظر کنند
نشاید دیدن جیزها سیاه ومواضع مقبوض

العقرب

جون ماه دربرج عقرب نو شود وبه ببینند
باید که درزر وسیم وجواهر وجراغ وعمارتها عالی
ودیدار اهل سلاح وآب روان نظر کنند
نشاید دیدار مردم زشت وعورات

القوس

جون ماه دربرج قوس نو شود وبه ببینند
باید که درکتب ونامه وکاغذ وزر وسیم وجواهر
ودیدار سادات وقضات ووزرا نکاه کنند
نشاید دیدار مردم مصروع ودیوانکان ولشکریان

تتمه جدول معرفت شرایط رؤیت اهله در بروج

جدی

چون ماه در برج جدی نو شود و به بینند
باید که در کشت ذرع نکنند و سه نوبت لاحول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم بگویند
نشاید دیدار زنان و خادمان

دلو

چون ماه در برج دلو نو شود و به بینند
باید که در جامع قرآن و کتب دعوات نظر کنند
و آیه رحمت بخوانند و باد بر خود دمند
نشاید دیدار زنان و فاسقان

حوت

چون ماه در برج حوت نو شود و به بینند
باید که در کتب فتاوی نگرند و جواهر و زینت
و روی زرکانی و اشراق نگاه کنند
نشاید دیدار مردم سپاه و سفله

ع

جدول در معرفت غالب و مغلوب

این جدول غالب و مغلوب نزدیک حکما روم و بابل بغایت معتبر است و طریق معرفت
این چنانست که حروف نام خود و نام خصم یا نام دو سلطان یا دو کس که با هم
معارضه و مقاتله داشته باشند بحساب جمل برگیرند و نه نه از آن طرح کنند آنچه
باقی ماند از نام خود یا سلطانی که بر حسب ملک او بود یا کسی که او خواهد که غالب
شود و دیگر عدد اول در طول جدول در آورد و در مقابل التقاء هر دو بنگرند
اگر عدد سرخ نهاده باشد خصمش غالب بود و اگر سیاه بود خصم
مغلوب بود و او غالب و اگر سبز باشد میان ایشان دیر نیاز یابد
و رساله برین جدول ساخته اند و دلیل گفته اند و تجربه نموده مثال آورده اند الله اعلم

اول	و	د	ح	ند	[illegible]	ب	ح	ی	ه
دوم	د	ط	ا		ح	ی	ه	و	ح
سیم	ه	و	د	ط	ط	ا	ب		ی
چهارم	د	ح	ط	ا	ب	ج		ه	و
پنجم	و	د	ی	با	ح	ط	ا	ب	ح
ششم	ب	د	ح	ط	ا	ب	ح	ی	ه
هفتم	ج	ی	ه	و		ح	ط	ا	ب
هشتم	ه	و	د		ط	ا	ب	ح	ی
نهم	ب	ح	ی	ه	و	ز	ح		ا

جدول حدود کواکب بقول مصریان

البروج / الکواکب	درجات	الکواکب	درجات	الکواکب	درجات	الکواکب	درجات	الکواکب	درجات	الکواکب
الحمل	و	مشتری	یب	زهره	ک	عطارد	که	مریخ	ل	زحل
الثور	ح	زهره	ید	عطارد	کد	مشتری	کو	زحل	ل	مریخ
الجوزا	و	عطارد	یب	مشتری	یز	زهره	کد	مریخ	ل	زحل
السرطان	ز	مریخ	ید	زهره	یط	عطارد	کو	مشتری	ل	زحل
الاسد	و	مشتری	یا	زهره	یح	زحل	کد	عطارد	ل	مریخ
السنبله	ز	عطارد	یز	زهره	کا	مشتری	کح	مریخ	ل	زحل
المیزان	و	زحل	ید	عطارد	کا	مشتری	کح	زهره	ل	مریخ
العقرب	ز	مریخ	یا	زهره	یط	عطارد	کد	مشتری	ل	زحل
القوس	یب	مشتری	یز	زهره	کا	عطارد	کو	زحل	ل	مریخ
الجدی	ز	عطارد	ید	مشتری	کب	زهره	کو	زحل	ل	مریخ
الدلو	ز	عطارد	یج	زهره	ک	مشتری	که	مریخ	ل	زحل
الحوت	یب	زهره	یو	مشتری	یط	عطارد	کح	مریخ	ل	زحل

دیگر

جدول الاحداث السنة فی النوروز السلطانی

۱	روز یکشنبه	نوروز اگر درین روز باشد سال فراخ باشد و باران بسیار و گیاه فراوان باشد و نرخها ارزان چه در کوهستان
۲	روز دوشنبه	نوروز اگر درین روز باشد سال فراخ و نعمت بسیار بود و انگور بسیار بود اغنیا و جمعیت ضعیفان را حمت بسیار رسد و پادشاه را نصرت رسد
۳	~~روز سه شنبه~~	اگر نوروز درین روز باشد سرما سخت بود و باران کم باشد و در آخر سال خلاف افتد و در سالها بدتر بود و مادر شاه و دیوان حذر باید کرد و بیماری بسیار
	~~روز چهارشنبه~~	
۴	روز پنجشنبه	نوروز اگر درین روز باشد سالی میانه باشد و باران بسیار آید و نعمت فراوان باشد و پادشاه را شورشی رسد و کار بسیار پدید گردد
۵	روز جمعه	نوروز اگر درین روز باشد سالی فراخ بود و میوه بسیار و نعمت فراوان بود ~~سالی فراخ و میوه بسیار نعمت فراوان باشد~~ و حال سلطان ضعیف باشد و خطا فتنها واقع شود
	یکشنبه	نوروز اگر درین روز باشد ابتدا سرد باشد و باران اندک بارد و در میان پادشاهان مخالفتها باشد اما مردمان ایمن باشند
	روز شنبه	نوروز اگر درین روز باشد ~~...~~ میوه فراوان بود و در میان مردم خصومت نباشد

فی محرم الحرام ۱۰۸۵

جدول الاختیارات علی کون القمر فی البروج الاثنی عشر

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
دیدار ملوک	ی	ی	ی	بد	ی	بد	بد	بد	ی	بد	بد	ی
نو پوشیدن نو بریدن	ی	بد	نه	ی	بد	نه	ی	بد	نه	ی	ی	نه
فصد کردن	ی	ی	بد	بد	ی	بد	ی	بد ی	ی	ی	بد	ی
دارو خوردن	نه	بد	نه	ی	بد	نه	بد	بد	بد	نه	بد	ی
سفر کردن	ی	بد	بد	ی	بد	ی	ی	بد	بد	ی	بد	بد
بنا نهادن	نه	ی	بد	نه	ی	ی	نه	ی	بد	ی	ی	بد
برده خریدن	بد نه	ی	بد	بد نه	بد ی	بد	بد	بد	بد	بد	بد	ی
دخول	بد	بد	بد	ی	بد	بد	بد	بد	بد	ی	بد	بد
ابتداء تعلیم	ی	ی	ی	ی	ی	بد	ی	بد	ی	ی	بد	ی
[illegible]	بد	ی	بد	بد	بد ی	بد ی	بد	بد	بد ی	ی	بد	ی
تزویج کردن	بد	بد	ی	نه	ی	ی	ی	ی	بد	ی	ی	[illegible]
[illegible]	ی	ی	بد	بد ی	ی	بد	ی	ی	ی	بد	ی	ی

بقیه الاختیارات علی کون القمر فی البروج الاثنی عشر

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
عبادات و ریاضت نفس	بد	بد	ی	بد	بد	ی	ی	بد	ی	بد	ی	ی
وقف نامه نوشتن	بد	ی	ی	خ	بد	ی	ی	ه	نه	ی	بد	نه
معالجه موی کردن	ی	بد	ی	نه	ی	بد	ی	نه	بد	ی	ه	ه
تعلیم موسیقی کردن	ه	ی	بد	نه	نه	ی	بد	نه	ی	ی	بد	نه
[illegible] عودا	ی	بد	نه	بد	ی	ی	نه	بد	ی	بد	نه	نه
معالجت صفرا	بد	بد	ی	ی	بد ی	ی	نه	بد	ی	بد	ی	ی
مناظره علما	بد	بد	ی	بد	بد	ی	نه	بد	ی	بد	ی	نه
حاجت خواستن	نه	ی	ی	بد	ی	نه	ی	بد	ی	بد	بد	ی
شکار کردن	ی	ی	ی	ی	ی	نه	ی	نه	ی	ی	نه	نه
آغاز کارها	ی	بد	ی	ی	بد	ی	ی	بد	نه	بد	نه	ی
ملک خریدن	بد	ی	نه	نه	ی	ی	بد	بد	ی	نه	بد	ی
کاریز کندن	بد	نه	بد نه	ی	بد	نه	نه	نه	بد	ی	ی	نه

بقیة الاختیارات علی کون القمر فی البروج الاثنی عشر

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
رخت نو بریدن	بد	ک	ک	ک	بد	ک	بد	ک	بد	ک	بد	ک
تخم افکندن	بد	ک	نه	ک	بد	ک	نه	بد	بد	ک	نه	نه
بحرب رفتن	ک	بد	نه	ک	بد	بد	ک	ک	ک	ک	نه	نه
علاج کردن	ک	ک	نه	ک	ک	بد	بد	ک	بد	ک	ک	ک
[illegible]	ک	ک	ک	ک	بد	بد	ک	ک	ک	بد	ک	ک
ولایت گرفتن	ک	ک	بد	ک	ک	ک	ک	بد	ک	بد	نه	ک
لشکر فرستادن	ک	نه	ک	ک	ک	بد	ک	ک	ک	ک	نه	ک
ولی عهد نشاندن	نه	ک	نه	بد	ک	نه	نه	بد	ک	بد	ک	نه
قباله نوشتن	ک	نه	ک	ک	بد	ک	ک	بد	ک	نه	ک	ک
نزهت و تماشا	ک	ک	ک	نه	نه	ک	ک	بد	نه	بد	نه	ک
طعام نیکو دادن	بد	نه	ک	ک	بد	ک	ک	بد	ک	ک	نه	نه
تفاریق کردن	نه	بد	ک	بد	نه	نه	بد	ک	ک	ک	نه	نه

بقیة الاختیارات علی کون القمر فی البروج الاثنی عشر

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
حساب کردن	ک	ک	ک	ک	بد	ک	بد	بد	ک	ک	بد	ک
با خصم رفتن	ک	ک	بد	ک	ک	ک	ک	ک	ک	بد	ک	بد
حمام رفتن	ک	نه	ک	ک	نه	ک	ک	ک	بد	بد	ک	ک
بیع اجناس	بد	نه	ک	نه	ک	بد	بد	ک	نه	بد	ک	ک
ستور خریدن	ک	ک	ک	ک	ک	ک	نه	بد	ک	بد	بد	ک
موی ستردن	بد	ک	ک	ک	بد	بد	بد	ک	بد	نه	ک	نه
شرکت کردن	نه	نه	ک	بد	ک	ک	بد	بد	ک	نه	ک	نه
اسب تاختن	بد	ک	ک	ک	ک	ک	ک	بد	ک	بد	بد	بد
سنت کردن	ک	ک	ک	بد	ک	ک	بد	ک	نه	بد	ک	نه
طلب فرزند	ک	نه	ک	بد	بد	بد	نه	ک	ک	بد	بد	ک
بنده آزاد کردن	بد	ک	ک	ک	ک	ک	بد	بد	ک	بد	نه	ک
نقل و تحویل	ک	بد	ک	ک	ک	نه	ک	[illegible]	ک	بد	بد	ک

معرفة الاختيارات على كون القمر في البروج الاثنى عشر

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
بارستن	ک	ک	نه	ک	ک	ک	ک	ک	بد	ک	بد	ک
بار [illegible]	ک	بد	بد	ک	ک	نه	نه	بد	ک	نه	نه	بد
چوگان زدن	ک	بد	نه	ک	بد	نه	ک	بد	نه	ک	بد	بد
نام نهادن	بد	ک	نه	بد	ک	نه	بد	نه	بد	نه	ک	نه
[illegible]	ک	ک	نه	ک	ک	ک	بد	بد	بد	نه	ک	بد
تخم افکندن	ک	ک	ک	ک	بد	ک	ک	ک	بد	ک	نه	نه
حصه کردن	بد	ک	ک	ک	ک	ک	ک	بد ک	ک	نه	بد	بد
دیدن خواجگان	بد	بد	ک	بد	نه	ک	نه	بد	ک	بد	نه	ک
دیدن [illegible]	بد	بد	ک	بد	نه	ک	نه	بد	ک	بد	بد	ک
دیدن اهل صلاح	ک	بد	بد	بد	ک	نه	بد	ک	ک	ک	نه	نه
دیدن خاتونان	بد	ک	نه	ک	نه	ک	بد	ک	بد	ک	بد	نه
مهمانی کردن	ک	بد	ک	ک	بد	نه	ک	بد	ه	بد	نه	ک

معرفة الاختيارات على كون القمر في البروج الاثنى عشر

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
نوره نهادن	بد	بد	بد	ک	بد	بد	ه	ح	بد	بد	نه	ک
نرد و شطرنج باختن	ک	ک	ک	بد	ک	نه	ک	بد	نه	ک	بد	نه
لوا بستن	بد	ک	ک	ک	ک	ک	بد	ک	بد	بد	ک	
زفاف کردن	بد	ک	نه	بد	ک	ک	بد	بد	ک	بد	ک	ک
[illegible]	بد	نه	ک	نه	بد	ک	ک	بد	نه	بد	بد	نه
مشغول کردن	بد	نه	نه	بد	ک	ک	بد	ک	نه	بد	ک	بد
معالجت بلغمی	بد	بد	نه	ک	بد	بد	نه	ک	بد	بد	نه	ک
خراج [illegible]	ک	بد	ک	بد	ک	بد	نه	نه	بد	ک	ک	نه
امانت نهادن	ک	بد	ک	ک	بد	نه	ک	بد	ک	نه	بد	ک
[illegible] خوردن	بد	ک	ک	ک	بد	ک	بد	بد	بد	بد	ک	نه
طلب [illegible] کردن	ک	بد	ک	بد	نه	ک	بد	نه	نه	بد	ک	
معشوق گرفتن	بد	غه	ک	بد	ک	نه	ک	بد	ک	بد	بد	نه

بقیة الاختیارات علی کون القمر فی البروج الاثنی عشر

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
مناظره و مباحثه	بد	بد	ک	بد	ک	نه	ک	ک	ک	ک	نه	نه
عهد و پیمان کردن	بد	ک	نه	نه	ک	ک	بد	بد	نه	نه	ک	نه
در خانه نشستن	بد	ک	ک	بد	ک	بد	ک	بد	ک	ک	نه	نه
اجاره دادن و زمین بسیار [illegible]	ه	ک	ک	ک	ک	ک	بد	بد	نه	بد	ک	نه
از شهر [illegible]	بد	ک	نه	نه	بد	ه	ک	بد	ک	نه	نه	ک
کودک به مکتب فرستادن	بد	بد	ک	ه	ه	ک	ک	بد	ک	بد	بد	ک
کودک از شیر باز کردن	بد	ک	ک	ه	ک	ک	بد	ک	نه	ه	ک	ک
فرزند [illegible] بستن	ک	ه	ک	ک	ک	ک	بد	بد	بد	ک	ک	ک
بنا کردن	ک	ک	ک	ه	بد	ک	ک	بد	ک	ک	ه	ک
قرض دادن	بد	بد	ک	بد	ک	بد	بد	ک	بد	بد	ک	ک
عطر آمیختن	ک	ک	ک	ک	بد	ک	ک	ک	بد	ک	ک	ه
شروع در عمارت کردن	بد	ک	ک	بد	ک	ک	ک	ک	بد	ک	بد	ک

تتمة الاختیارات علی کون القمر فی البروج الاثنی عشر

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
کارهای آتشی	ک	بد	ه	بد	ک	بد	ک	بد	ک	بد	نه	ک
کارهای خاکی	بد	ک	ه	بد	بد	ک	ه	بد	بد	ک	ه	بد
کارهای بادی	ه	بد	ک	بد	بد	ه	ک	بد	ه	بد	ک	بد
کارهای آبی	بد	ه	بد	ک	بد	ه	بد	ک	بد	نه	بد	ک
کارهای پنهانی	بد	ک	بد	بد	ک	ک	بد	ه	بد	بد	بد	ه
قصد و [illegible]	ک	ک	بد	ک	بد	بد	ک	ک	بد	ک	ه	بد
دعا کردن	بد	ک	ک	ک	بد	بد	ک	ک	بد	بد	ک	ک
دعوا کردن	بد	بد	ک	ک	بد	ک	بد	ک	بد	بد	ک	ه
خانه [illegible]	ک	بد	ک	ک	بد	ک	ک	بد	ک	بد	بد	ک
زن خواستن	ک	بد	ک	ک	ک	ه	ک	بد	ه	ک	بد	ه
سلاح خریدن	ک	بد	ک	بد	ک	ک	بد	ه	ک	ه	بد	ه
[illegible]	ک	ک	ک	بد	ک	ک	بد	ک	ک	بد	ک	بد

هو الباقی

در بیجاپور این دایره از تقویم برداشته شده است
در سنه ۱۳۱۳ فی شهر شعبان
در قوس اثبات

و در همین اوقات جنگ
و قتل نوله شد
و یکه فعه خانخ
سنجش شد
و بعضی
مشکل



یا هوا سند غایت از ناظرین بخشش یا دعا نمایند احقر
این دایره چون در بعضی اوقات لازم میشود

جدول اشرف اوقوع

جدول معرفت اوقوع عن قول الحکماء المتقدم

حکمای ترک و ایغور گویند که روز بروز تعلق بجان دار دو از غرها ترک با بلخ هر روز در عضو باشد از اعضای آدمی را در این دایره نهاده اند تا آن روز که جان در آن عضو باشد از فصد و غیره در آن موضع هیچ مضرت نرسانند از آن سبب که موجب هلاک باشد و بنابر سورانی مدوان جدول حکما قتاده ایغور در کار بکار داده اند

۱	درین روز در کف پای باشد	۱۶	درین روز در بازو باشد
۲	درین روز در کعب باشد	۱۷	درین روز در قفا باشد
۳	درین روز در ساق پای چپ باشد	۱۸	درین روز در پهلو باشد
۴	درین روز در شتنگاه باشد	۱۹	درین روز در ساق چپ باشد
۵	درین روز در ساعد راست باشد	۲۰	درین روز در زیر پای باشد
۶	درین روز در بازو باشد	۲۱	درین روز در پای باشد
۷	درین روز در زبان باشد	۲۲	درین روز در شکم باشد
۸	درین روز در بینی باشد	۲۳	درین روز در جگر باشد
۹	درین روز در شتنگاه باشد	۲۴	درین روز در دل باشد
۱۰	درین روز در دندان باشد	۲۵	درین روز در پستان باشد
۱۱	درین روز در راوی باشد	۲۶	درین روز در سینه باشد
۱۲	درین روز در خصیه باشد	۲۷	درین روز در شش باشد
۱۳	درین روز در زنخ باشد	۲۸	درین روز در سر و گردن باشد
۱۴	درین روز در ران باشد	۲۹	درین روز در دست باشد
۱۵	درین روز در ساعد چپ باشد	۳۰	درین روز در حساب نیاید

جدول الحکما رجال الغیب از قول حکما المتقدمین

بدانکه ارباب مکاشفات و قطب الاقطاب و رجال الغیب که عبارت از ایشان است هر یومی بطرفی از اطراف عالم متوجه میشوند و فیض باهل عالم میرسانند و هر که خواهد که از ایشان استمداد نماید روی جانب ایشان نکرده بدیشان سلام دهد و هر حاجتی که دارد طلب نماید که محقق شود و جهات ایشان از نام عربی معلوم میشود و دوازده نسبت بدیشان نموده استعانت بخواهد السلام علیکم یا رجال الغیب السلام علیکم یا ایها الارواح المقدسة اعینونی بقوة وانظرونی بنظرة واجیبونی بدعوة واغیثونی بغوثة یا رقبا یا نجبا یا ابدال یا اوتاد یا قطب یا غوث اغیثونی بحرمة محمد و آله و اولاده اجمعین

اطنوکد میان مشرق و جنوب	زهدکیکط در مشرق	وکالج میان شمال و مشرق
جاطالو در جنوب	[illegible] در شمال باشند	در شمال [illegible] ح یه کیه
وه کج میان مغرب و شمال	در مغرب یحکطالن	میان جنوب و مغرب سدی بن کر

جدول الاختیارات قول ابی معشر البلخی هذا اللوح

چون کسی را مهمی پیش آید و خواهد بداند که چون باشد بنگرید که از هفدهم ماه شباط و بقول دیگر هفدهم ماه شوال چند گذشته است آنچه گذشته است سی سی طرح کنند آنچه باند درین جدول در آورد اگر در جدول نیک باید آن کار نیک است و اگر در جدول میانه باید میانه است و اگر در جدول بد باید

ایام سعد		ایام متوسط		ایام نحس	
۱	۴	۲	۵	۳	۶
۷	۱۰	۸	۱۱	۹	۱۲
۱۳	۱۶	۱۴	۱۷	۱۵	۱۸
۱۹	۲۲	۲۰	۲۳	۲۱	۲۴
۲۵	۲۸	۲۶	۲۹	۲۷	۳۰
۳۱	۳۴	۳۲	۳۵	۳۳	۳۶

جدول الاختیارات علی کون القمر فی البروج الاثنی عشر

برج		برج	
حمل	نیک است دیدن امیران و بزرگان و اصحاب و طلب حاجت و قصد و مهمی پیش کردن و نکوی دادن نباید سوی آن کسی	میزان	نیکو دیدن زنان اهل طرب و طلب حاجت از ایشان و عروسی و نکاح و عزیمت بد خصومت و دوا و رگ زدن
ثور	نیکو دیدن زنان اهل طرب و طلب حاجت از جوانان و عقد نکاح و عروسی کردن و نباید حجامت و رگ شدن	عقرب	نیک است ازو خوردن علاج و مهمی و قیاس و ابتکار و دیدن اهل سلاح و نباید سفر و نقار و تحویل کردن
جوزا	شایسته بود دیدن امیران و وزیران و دبیران و طلب حاجت از وزرا و تعلیم حکمت با خرج چیزی	قوس	پسندیده بود دیدن ملوک و طلب حاجت از ایشان و قرب دادن و سفر و صید و سواری نباید دار و چیز دل
سرطان	پسندیده بود دیدن شریفان و طلب حاجت به کرم و سوال و دیوه و نشاندن نباید عمل الکیمیا و تتبع علوم دقیق	جدی	شایسته بود دیدن مشایخ و زرگر و طلب حاجت از ایشان و عمارت و شده ازیشان نباید ابتدای کارهای تاخیر کردن
اسد	نیکست دیدن ملوک و کارها و طلب حاجت و قصد و مهمی بسته شود و کارها و جرب و صید و نشاید جامه نو پوشیدن و بریدن	دلو	نیکست افزون کالسمات و سرنگات و عوالم خواندن و کتمان اسرار و کارهای دیر نشاید جامه نو بریدن و پوشیدن ترک او اول
سنبله	نیکو دیدن وزیران و اصحاب و عملدار و محاسبان و دبیران و تعلیم خط کودکان کردن و دادن نباید عروسی و نکاح دختر بکر	حوت	نیک بود دیدار اشراف و اعیان و طلب حاجت از زنان و صدقات دادن طاعات کردن نباید ماخن جدولی صید کردن

جدول الاختیارات لاتصالات القمر بالکواکب فی البروج

	از زحل	از مشتری	از مریخ	از شمس	از زهره	از عطارد
ه	بنا نهادن و کاریز	از اشراف حاجت	و سلاح عمارت	بجهت نکاح	ورشعر جامه بریدن	زر اشراف و عمله
ز	جاروب و کاشتن	فتح کار از اکابر	جهاد کردن	حاجت از ملوک	جامه بریدن	حاجت از دبیران
ع	و کشت و عمارت	سفر و حج	سلاح عمارت	و سلاح عمارت	نکویی سفر	بدکان و محاسبه
ا	عمارت ارضی	بر نفقات	دیدن امرا	جامه ایوان	حلوا از زنان	زرگر ملک
د	بجهت کاریز	سفر	بجهت کار زنان	و زنعت	نکویی نیک	قصد و حجی
ه	بنا نهادن	حاجت از قضات	نوز پیاده	جامه از [illegible]	زن و داماد	نقاشی
▲	حاجت از امیران	دیدن زنان اشراف	صید کردن	دیدن زنان [illegible]	نوع عروسی	ابتدای کارها
س	عمارت ارضی	بنا نهادن	وازنعت	نو زنان بد	نو زن بازار	کاسب
ع	بنا نهادن	بنا نهادن	و سلاح عمارت	از اشراف	عطر ابتیجی	ترکی
ب	عمارت	حج و زن	دفن مال	جامه از ملوک	بیستن شش	ابتدای کارها
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بحساب الاختيارات الاتصالات القمر بالكواكب فی البروج

زحل	[illegible]
المشتری	[illegible]
المریخ	[illegible]
الشمس	[illegible]
الزهره	[illegible]
عطارد	[illegible]

معرفة الاختيارات الاتصالات القمر بالكواكب والبروج الاثنی عشر

الحمل	[illegible]
الثور	[illegible]
الجوزا	[illegible]
السرطان	[illegible]
الاسد	[illegible]
السنبله	[illegible]

بقية اختيارات الاتصالات القمر بالكواكب في البروج

		الزحل	المشتري	المريخ	الشمس	الزهره	العطارد
[illegible]	☌	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	س	[illegible]	[illegible]	صيد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	ع	[illegible]	سفر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	ث	حاجت از دبیران	دیدن پادشاه	دیدن زنان	[illegible]	حاجت [illegible]	دیدن [illegible]
	م	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	☌	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	س	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	ث	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	م	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

٥٦

تقيد الاختيارات الاتصالات القمر في البروج الكواكب السعيدة [illegible]

		الزحل	المشتري	المريخ	الشمس	الزهره	العطارد
القوس	☌	[illegible]	سفر	[illegible]	[illegible]	حاجت از زنان	[illegible]
	س	[illegible]	حاجت [illegible]	صيد	حاجت از ملوک	[illegible]	[illegible]
	ع	[illegible]	سفر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	ث	دیدن [illegible]	[illegible]	[illegible]	دیدن ملوک	دیدن زنان	حاجت از دبیران
	م	[illegible]	سفر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	☌	[illegible]	حاجت [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	حاجت از دبیران
	س	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	ع	[illegible]	سفر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	ث	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	م	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بتقدير الاختيار		الاتصالات		القمر بالكواكب زاد	في البرج نبي	عنه
		الزحل	المشتري	المريخ	الشمس	الزهرة	العطارد
[illegible]	ق	عمارت زمین	ملکداره	فراغت	مال دنیا کردن	لهو و لعب	صحبت ازدواج
	س	بنا بنهادن	حاجت از ...	تصرف ...	حاجت از ملوک	حاجت از زنان	حاجت از وزرا
	ع	فراغت	[illegible]	فراغت	دیدن ملوک	[illegible]	[illegible]
[illegible]	ث	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	م	فراغت	[illegible]	فراغت	دیدن ملوک	[illegible]	[illegible]
[illegible]	ق	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	س	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	ع	[illegible]	معامله	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	ث	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	م	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول موقت موافقت و مخالفت

این باب لطیف است که حضرت امام ناطق جعفر صادق علیه السلام
ترتیب نموده در شناختن موافقت و مخالفت شوهر و زن
و فرزند و مادر و پدر و یار و دوست و غیره که نام
دو کس به حساب جمل برگیرد یک یک بس از هر نامی نه نه بیندازد
آنچه بماند در جدول بنگرد اگر مخالف آید دلیل
مخالفت و اگر موافق آید دلیل موافقت است و جدول
اینست

۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
مخالف	مخالف	موافق	موافق	موافق	موافق	موافق	مخالف	موافق
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	
مخالف	مخالف	مخالف	مخالف	موافق	موافق	مخالف	مخالف	
۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹		
مخالف	موافق	مخالف	موافق	موافق	مخالف	مخالف		
۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹			
مخالف	موافق	موافق	مخالف	مخالف	موافق			
۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹				
مخالف	موافق	موافق	موافق	مخالف				
۶۶	۶۷	۶۸	۶۹					
مخالف	موافق	مخالف	موافق					
۷۷	۷۸	۷۹						
مخالف	مخالف	موافق						
۸۸	۸۹							
مخالف	مخالف							
۹۹								
مخالف								

حساب جمل مطابق هندسه
ا ب ج د ۱ ۲ ۳ ۴
ه و ز ح ط ی ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰
ک ل م ن س ع ف ص ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰
ق ر ش ت ث خ ذ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰
ض ظ غ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

حساب ابجد

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰

س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ

۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰

ض ظ غ

۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

آحاد	عشرات
ا ب ج د ه و ز ح ط ی ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰	ک ل م ن س ع ف ص ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰
مئات	الوف
ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰	غ ۱۰۰۰

ابجد صغیر

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۸ ۶

م ن س ع ف ص ق ر ش ت

۴ ۲ ساقط ۱۰ ۸ ۶ ۴ ۸ ساقط ۴

ث خ ذ ض ظ غ

۸ ساقط ۴ ۸ ساقط ۴

جدول اختلاجات اعضا از جانب راست			
فرق سر	جاه و عز	لب زیرین	مهمانی
نیمه سر	نعمت	گوشه لب	خصومت
پس سر	دولت	لب زیرین	شادی
جمله سر	سعادت	زنخدان	عیش
زلفگاه	حشمت	گوش	شادی
پیشانی	عیش	گلو	دولت
ابرو	دوستی	دوش	اندیشه
میان ابرو	شادی	بازو	توانگری
دنب ابرو	خصومت	آرنج	نعمت
پشت چشم	ملالت	ساعد	خصومت
خانه چشم	رنج سبک	بند دست	مال
دنب چشم	مهر و دوستی	پشت دست	اندیشه
زیر چشم	شادی	کف دست	مال
رخساره	خبر خوش	انگشت بزرگ	خیال
بینی	خصومت	دوم	جاه و عز

تتمه اختلاجات اعضا از جانب راست

انگشت میانه	راز گوید	زانو	خصومت
چهارم	جاه	زیر زانو	سفر
کالوج	مال	ساق	مال
سینه	خصومت	میان ساق	غایب
پستان	شادی	بیرون ساق	سفر
شکم	پیوند	اندرون ساق	مال
ناف	غم	نشستگاه	پیوند
پهلو	سلامتی	پشت پای	اندیشه
تهیگاه	رنج	پاشنه	سفر
سرین	دوستی	کف پای	تحویل
زهار	مال	انگشت پای	نعمت
مقعد	دولت	دوم	خبر خوش
خصیه	فرزند	میانه	از سوف
بن ران	عیش	چهارم	خصومت
میان ران	خبر خوش	کالوج	نعمت

جدول اختلاجات اعضا از جانب چپ

فوق سر	جاه و عز	لب زبرین	روزی
نیمه سر	خصومت	گوشه لب	عیش
پس سر	جاه	لب زیرین	شادی
جمله سر	مال	زنخدان	کامرانی
زلفگاه	عیش	گوش	خبر خوش
پیشانی	خبر خوش	گلو	بیماری
ابرو	دوستی	دوش	رنج سبک
میان ابرو	خصومت	بازو	مال
دنب ابرو	شادی	آرنج	خبر خوش
پشت چشم	دوستی	ساعد	رنج
خانه چشم	شادی	بند دست	خصومت
دنب چشم	غربت	پشت دست	جاه و عز
زیر چشم	خصومت	کف دست	روزی
رخساره	دولت	انگشت ابهام	جاه و عز
بینی	جاه	دوم	شادی

تتمهٔ اختلاجات اعضا از جانب چپ

انگشت میانه	شادی	زانو	بشادی
چهارم	خصومت	زیر زانو	خصومت
کالوج	غایب	ساق	جاه
سینه	شادی	میان ساق	غایب
پستان	جاه	بیرون ساق	روزی
ناف	کام	اندرون ساق	خصومت
پهلو	خرمی	نشستگاه	سفر
تهیگاه	دولت	پشت پای	جاه
سرین	روزی	پاشنه	مال
زهار	سفر	کف پای	عمر
مقعد	سفر	انگشت بزرگ	عیش
شکم	کام	دوم	روزی
خصیه	اندیشه	میانه	خصومت
بن ران	حرکت	چهارم	تنگی
میان ران	سفر	کالوج	نعمت

جدول اختیارات نظم افضل الحکما خواجه نصیر الدین طوسی نور مرقده

حمل	هر مهی کاید نباید شد جدا ای اهل دل	جرم مه در خانهٔ مریخ یعنی در حمل
	نیک باشد هم سفر هم دیدن روی امیر	جامه پوشیدن حریر و صید افکندن بتیر
	گرچه نیکست ابتداء کار خون برداشتن	بد بود بنیاد کردن خاصه چیزی کاشتن
ثور	ماه چون در ثور آید عقد کردن نیکوست	تخم افکندن بباغ و نامه بنوشتن بدوست
	خوبتر دیدار خاتون و عطر آمیختن	از جدال بکر گختن در خرمی آویختن
	گرچه شاید سر گرفتن بیع سیمین و یا جبین	فصد کردن بد بود گرمابه رفتن همچنین
جوزا	چون نشسته در برج جوزا نور ماه آفتاب	بیع ترکان خطائی که چنین باشد صواب
	هم توانی خواندن کتاب هم توانی دیدن امیر	هم توانی نامه نوشتن هم توانی انداختن تیر
	جامه پوشیدن ناسزاست و سفر کردن رواست	لیک ناخن چیدن و فصد و حجامت ناصواب

تتمهٔ اختیارات بودن قمر در بروج بنظم

برج		
السرطان	ماه چون در برج خرچنگ آید نکو باشد نکو	جامه پوشیدن سفر کردن نشاید در او
	داروی مسهل در خوردن عجیب در خور بود	نامه بنوشتن چه کوهم ز همه بهتر بود
	ملک و زر را ها بخریدن سوی بگشادن لیک	فصد و تزویج و بنا نو نهادن نیست نیک
الاسد	ماه چون سیر چون جرم افکند در برج شیر	نیک باشد عهد بستن شغل کردن دلیر
	فصد و کارش و جانب شاهان نواستن	زر ز تاج داران روی بخت آراستن
	بیع ترکان خطا اند و همی بر خاست	لیک نو پوشیدن و عزم سفر کردن خطاست
السنبلة	چون قمر از برج اسد آید بسوی سنبله	بر ره هامون همی باید شدن با قافله
	نو بریدن جامه کردن از این بهتر و کار	خاص تعلیم کردن عامیان را کسب و کار
	خوش بود خریدن بیع سیمین تربیت سرو قد	بد بود بذر زرکی خانه علاج و فصد و عقد

تتمهٔ اختیارات منظوم

برج		
المیزان	مه چو در میزان بود نیکو بود کرد و دیم	هم سفر هم عقد هم جوهر خریدن یکی سیم
	جامه باید پوشیدن و بخشیدن انگه جام می	خاصه بر بانگ سماع جان فزای چنگ و نی
	لیک جستن هم بگذر دار عقد و هم جدو درج	هر که کاری کرد از آن دید بحد نخلی فرج
العقرب	ماه چون در عقرب آید نیک باشد بگیره ساختن	خوردن دارو و ورد کردن طعام و غیره
	هم جراحت بست شاید هم سواحی پختن	هم شکار باز هم رخصم بردن تاختن
	اسب را نشاید ریاضت دادن و با خون افکند	لیک دیگر کارها هرگز نباشد سود مند
القوس	ماه چون در قوس شد نیک باشد اجار کار	اولش تزویج و تعلیم آخرش فصد و شکار
	هر که بیع جوهر و جسور کند باید خجل	خاصه نو بوشیدن مرضی رود و ساز دبجل
	قرض دادن حلق کردن تخم کشتن بد بود	گر کسی مسهل خورد بی شک عدوی خود بود

تتمه اختیارات منظوم

الحمل	ماه چون در برج حمل باشد کاین زمان ای عزیز جادوی و ساحری با خدا بردن پناه نیک باشد نیک دیگر وصیت عقد و قصد را	خاصه بر کشتن و خونریزی و صید کردن خوش است بیش از خاصه عطارد را نظر باشد به ماه بد بود فرمودن شاهان عقد و قصد را
الدلو	ماه چون در دلو آید رشته و بیز خدو عهد نیک باشد نیک کر با رهی و اقبال و تخت حصنها و قلعها شاید برای کردن بنا	زر ارای ملک و کار از تسبی میثاق و عهد بستن و هندو خریدن یا نشانیدن درخت لیک نقل و قصد و ترفها ز آن دو خیره می
الحوت	جمع حجم در حوادث نیک شود دلی شکفت لیک در عهد نیک باشد دیدن اشراف نیز هم قبا و هم کلاه و هم کمر و هم پیرهن	فصد کردن را و پای ناخن گرفت کوری چرخ فلک بر خوان از نو جار چیز دانجه در زین باشد آن از جمله بخشیدن بمن

جدول احکام الشهاب الثاقب علی کون القمر فی البروج الاثنی عشر

حکما تقدم اتفاق کرده اند که ستارگان که در هوا ریخته شوند آن را شهاب ثاقب خوانند این ستاره نیست بخاری است که در هوا ریخته شود و باد آن را به جنباند از آن بزرگتر و بعضی کوچکتر پس چون این علامتها بدید آید حکمی از آن برج بود که ماه در آن بود پس باید دید که ماه در کدام برج است فی الحکام آن از این جدول باید خواندن تا فعل آن معلوم گردد و بسیار تجربه کرده اند آنچه بیان افتاده بصحت پیوسته است و خلافی نیست و مختصر شده درین نسخه

الحمل	دلیل کند بر سپاهی و حوش و نیکوی حال ترکان اما ترک جهارپایان بسیار شود	المیزان	دلیل کند بر نیکوی حال خواتین اهل کتاب و خادمان و تجاران اما خیانت در مردم پدید آید
الثور	دلیل کند بر نیکوی حال زنان مخدرات و اهل طرب را اما مرگ جهارپایان بسیار بود	العقرب	دلیل کند بر نیکوی حال ترکان و بسیاری نجمه و حیوانات اما غله را آفت رسد
الجوزا	دلیل کند بر نیکوی حال دبیران و وزیران و دبیران و گیاه و میوه اما باد بسیار بود	القوس	دلیل کند بر نیکوی حال اشراف و عزیزی جهارپایان اما بعضی غلها آفت رسد
السرطان	دلیل کند بر نیکوی حال عوام و بسیاری آب و گیاه و میوه اما بیماری بسیار بود	الجدی	دلیل کند بر نیکوی حال مشایخ و دهاقین و [illegible] اما در اقلیم اول [illegible]
الاسد	دلیل کند بر نیکوی حال ملوک و پادشاهان و اصحاب دولت اما از آتش حذر باید کرد	الدلو	دلیل کند بر نیکوی حال زرگان و ارباب و اصحاب [illegible] اما مرگ جهارپایان
السنبله	دلیل کند بر نیکوی حال دبیران و بسیاری آب و گیاه و میوه اما کاهلان را زیان رسد	الحوت	دلیل کند بر نیکوی حال اشراف و [illegible] و بسیاری آب اما بیماری بلغمی بسیار بود

جدول معرفة اقدار الاجرام الكواكب السبعة السيارة

سیزده هزار و دویست و نه هزار و چهار صد و سی و هفت و سنگ است هزار و
صد و شصت و شش بار و کثری چندین زمین است
چهار صد و چهل هزار و نهصد و هشتاد و یک فرسنگ است
هفت هزار و سیصد و چهل و نه فرسنگ و چهار دانگی فرسنگ است
صد و یک و دو فرسنگ و نیم است
هشتاد و دو بار و کثری چندین زمین است
نود و شش بار دو کثری چندین زمین است
ده بار و ثلثی چندانکه زمین است
هفتاد و هفت بار چندانکه زمین است
سی و شش چندان که زهره و سی و نه چندانکه قمر و دو هزار چندانکه عطارد
یکبار و نیم چندانکه زمین است
سی و شش بار از زمین کوچکتر است
سی و نه بار و ربعی از زمین کوچکتر است
بیست و دو هزار بار از زمین کوچکتر است

جدول لوح الغالب

چون کسی اندر تن کاری کند و خواهد که بداند که چون باشد از روز نوروز سلطانی تا روز مفروض بشمارد و از مجموع ۳۶ ۳۶ طرح کند الخ باشد در این جدول طلب کنند اگر نقطه در تحت نیک بود و اگر نقطه در میانه بود میانه باشد و اگر نقطه در زیر بد بود بد باشد

نه		ند		ک	
۸	۳۰	۲۵	۲	۴	۱
۱۲	۶	۲۲	۵	۱۰	۷
۱۸	۱۶	۱۹	۱۸	۱۵	۳
۳۵	۳۱	۲۶	۱۱	۲۴	۹
۳۰	۲۸	۱۷	۱۴	۲۷	۲۵
۳۶	۳۳	۳۲	۲۰	۲۹	۲۱

جدول احکام الشروع

دو بیت از قول علی علیه السلام که از قرعه کرد که در این روز کار که رود بوجود آید تو تا عمر بود و اگر شود و بیمار از رسید و اگر بیمار شود خلاص نیابد و اگر در تحت نیشتر نیشوه ندهد و بجا بفساد آید و اگر

۲۵	۴	آذار
۲۵	۳	نیسان
۸	۶	ایار
۸	۳	حزیران
۲۰	۶	تموز
۱۵	۴	آب
۳۰	۱	ایلول
۲۵	۱۰	تشرین الاول
۱۵	۱	تشرین الثانی
۱۱	۶	کانون الاول
۱۴	۳	کانون الثانی
۲۱	۱۳	شباط

جدول باز نمودن ربع مسکون

بدانکه خط استوا تا انجا که عرض نود درجه باشد و نود هزار فرسنگ گرفته اند و ازان چهار دو هزار بانصد و سی فرسنگ عمارات موجود است و باقی از افراط سرما و گرما مسکون و معمور نیست و انمقدار که معمور است از مشرق تا مغرب بهفت بخش کرده اند و هر بخشی را اقلیمی خوانند و طول هر اقلیمی از مشرق تا مغرب است قریب چهار هزار فرسنگ است و پهنای اقلیم اول ۴۶ ۱ فرسنگ است و پهنای اقلیم دوم ۱۳۲ فرسنگ است و پهنای اقلیم سیوم ۱۰۱ فرسنگ است و پهنای اقلیم چهارم ۱۰ فرسنگ است و پهنای اقلیم پنجم ۷۵ فرسنگ است و پهنای اقلیم ششم ۷۰ فرسنگ است و پهنای اقلیم هفتم ۶۱ فرسنگ است و پهنای اقلیم ... از این دایره هیات فهم توان کرد



جدول خواص الاعداد والهادب والمهمات عن قول الحکماء

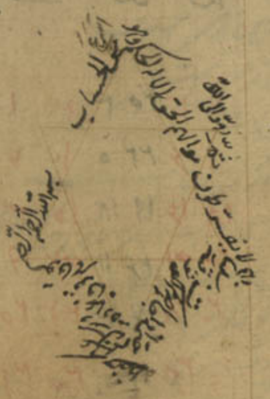
این شکل را عزیز داشته اند و خواص این شکل فراوانست که چون قمر مقارنه زهره شود در برج ثور بود و ازجه طالع این شکل را بر صفحه آهن نقش کنند و بوقت مقابله خصم در کارزار بر سر علم بندد خصم منهزم شود و در کارها مذکور مظفر و منصور گردد والسلام

حکما و بعض اند که هر کس را مهمی پیش آید از انان مقصد باشد این شکل را بر کاغذ نوشته بر ... خود نهد و ان کار را بدل اندیشه قصد کنند و انگشت برانی خانها بنهد اگر خط زوج افتد ...

١	٣٢	٣٤	٢	٣٥	٦
٣٠	٨	٢٧	٢٨	١١	٧
٢٩	٢٤	١٥	١٦	١٣	٢٣
١٩	١٧	٢١	٢٢	١٨	١٤
١٥	٢	١٢	٩	٢٩	٢٥
٣١	٤	٣٠	٣٣	٥	٣٦

ما	ب	ضو	بد	این شکل را باره کاغذ نوشته از برای گریخته وگم شده و تمام گریخته را از بهر کاغذ نوشته ان
رر	حج	ح	ے	
ع	ط	لح	حب	
صا	رط	ب	ما	

٣	٩	٤	٤	٩	٣
٧	٥	٣	٣	٥	٧
٦	١	٨	٨	١	٦



جدول الاختيارات الفال على كون القمر في البروج الاثنى عشر

حادثات الزمان	بقعه عظم	افقی افاک	افقی ماهتاب	ترکی اک	ترکی ماهتاب	خوبی ماه	زلزله	کرفی درهوا	[illegible]	[illegible]
حمل	بسیاری اب	بیماری	بناهی بهاء	تجارب	جنر	[illegible]	مرغ بسیار	کمی میوه	خوفی	حبس
ثور	تنکی	[illegible]	اشوب	[illegible]	برما وباد	[illegible]	ارکو سفند	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جوزا	فراخی	[illegible]	غزل	[illegible]	باران	[illegible]	نعمت	[illegible]	[illegible]	بیماری
سرطان	خسر	[illegible]	خوف	[illegible]	بیماری	[illegible]	ارزانی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اسد	ظلم	[illegible]	فراخی	[illegible]	اکر	[illegible]	جاه	سنجه	ایمنی	سلامت
سنبله	کسب	[illegible]	ارزانی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شادی	سنجه	[illegible]	[illegible]
میزان	سود	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شاد	[illegible]	ارزانی	[illegible]	[illegible]	شادی
عقرب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ارزانی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قوس	کسب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	گرانی	[illegible]	[illegible]	ارزانی
جدی	بسیاری اب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شادی	[illegible]	جاه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلو	جنک	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ایمنی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ارزانی
حوت	وبا	[illegible]	شادی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سلاح

بقية الاختيارات الفال على كون القمر في البروج الاثنى عشر

حادثات الزمان	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
افتادن کفش ابا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
برهنه افتادن کفش	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کشودن بند ازار جامه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یشی یون جنازه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عطسه دن درستر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اواز طشت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
اواز دراز کوی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

در سرطان ۳۱

اول جله زرک اول سرطان

اول جستی سموم ۱۰ سموم

تولد یحیی بن ذکر ۱۰ سرطان

ذکر ان جرتوما ۲۲ سرطان یعنی یادکردن دران روز

در معبد که خود نشسته ذکر میکنند تا او برود دو دیگری

بجای او دراید

تموز طلوع هنعه ۱۰ سرطان

۲۱ ۳۱ روز

۲۲

آب

در اسد ۳۱ اول ایام باحورا ۱۸ مهر

عید مرداری وان روز روی شکستن کلمت

عید اسد این لفظ یونانی است

طلوع اخر ایام باحورا

شعری یمانی ۲ اسد

۱۶ مهر

اول جله سوج کنا مه

احبس دانیال

باد سموم ۲۲ مه

جبر کوچک

بهمنجنه ۱۸ مهر در این روز فرسیان

سپند با شکر بخورند تا حفظ

بنفزاید

سده عید

چهلم ۵ بهمن تجلی ۲۴ چهار

اتش بلند و دود کنند و این روز عیسی تجلی کرد

بر حواریان

۱۰۷

آب

در سنبله ۳۱ طلوع سهیل ۱۲ مهر

سهیل بحجاز

سهیل باصفهان ۱۵ امر

۸ امرداد نوشتن رقعه کژدم

۱۶ امر

سهیل بخراسان ۲۳ ۱۲ امر

طلوع زبره ۵ ۲۵ امر

امتساح

بحی علی‌هم ۱۵ الفصلین

۱۵ امر

ک ب

در میزان ۲۳ یعنی یکی از دوستان روم

اول خلیسدی

فصل خزان فروردگان

اصفهانیان ۵ امه

ام و عید گلیم ۱۰ امه

نعی روز نو روز آبانگاه

عام ۲۰ مه ۲۵ مه

۲۹ مه فرشته الیت که

عوا عرصه

۲ مه ۱۸ مه

تشرین الاول

۲۰ مه

۱۳ روز

ا ف ب

عقرب ۳۰

ماسم کونی ٤ سماک

٤ غفر ٤ زبانا نثرس الاخر

۱۷ امه

قوس ا ب

۲۹ امه

عید

چنکه ۱۱ امه شخصی حبار

که دختران بردم را گرفته

از اینکار میکرد شخصی چنکه را کشته

ز روی حمیت این روز را عید کرده

استناح

العصلی کانون الاول

۵ امه ۲۲ امه

٤ فلک الکلل

۲۸ امه ۱۴ امه

ث

یلدا ۲۹ امه

اول چکه بزرگ در ۳۰

عید

غ رت ۲ امه روزیت

عیسی مریم حد رفت ورقت

عید

ا ب

در جدی ۲۶

اول

جلبه کوچک بزرگ اوچ

لیلت

المیلاد مسیح نشست

که عیسی ع تظهر اند

خواخت

سوبال ۲۸ امه

٤ شوله ٤ نعایم

۱۰ امه

۲۳ امه

کانون الاخر

۲۳ امه

۳۱ روزاند

۱۰۶

ا ب

در دلو ۳۰ اول جله کوچک عید

جمع ان اورتیب

سقوط حمره ۱۳ امه

شب ط

اول در زمین

۱۵ روس

۴ ۲ امه

۲۱ امه ۲۸ دور

صو

اول جکه کوچک اول درجه سقوط جمره ثانیه در اب

ستوط جمره ثالثه آمدن امتراح الفصل

در نیجارات لتلق

۶ امه ۱۶ امه

۱۵ امه ۱۴ امه

اول اول فطر نیستول

برد العجوز ۳۱ اول

صوم سر نصاری

صوم نیستول اول دور

روزرسته که قوم عاد

هلاک شدند

۲۴ امه

احمد ٤ سعود اداره روم

برد العجوز

۱۴ امه

۲۲ امه ۳۱ دور

۲۴ امه

جدول [illegible] حکام [illegible]

این جدول منیر المحبة از اسرار هرمز حکیم و ابقراطیس حکیم است که حکمای یونانی این جدول را استنباط کرده اند چون نوبت باسکندر ذوالقرنین رسید ارسطاطالیس این جدول را از بهر او مبتنی کرد داشت او را و از اسرار دل هر کس خبر میداشت و با این جدول رجوع نمود بیکار یکسی نمودی و با کسی تنازع نشدی و ظفر یافت این جدول الکسندر نام هر دو خصم یا هر دو دوست که اسمی مشهور باشد هر یکی را علیحده بحساب کنند و نه نه طرح کنند الخ از اول تا باقی آنچه در طول جدول آورده و آنچه از نام مسئول باشد در عرض جدول در موضع التقا احوال ایشان معلوم کنند والله اعلم

الاعداد	۱								
۱	مطیع	۲							
۲	محب الصادق	یجری فی المحبة	۳						
۳	فی الوداد صادق	خفیف المحب	لا ینفعان	۴					
۴	محبة ابوتر	یحبون	کاذب المحبة	قلبهما واحد	۵				
۵	ینفقان	الخصومة	لا ینفعان	یجری فی المحبة	کثیر المحبة	۶			
۶	فارغ و صابر	ینفعان	قلبهما واحد	قلبهما واحد	مطیعان	لا ینفقان	۷		
۷	نجوی للمحبة	الخصومة	بینهما اصلحة	یجری فی المحبة	المحبة الوفاق	نفاق لا اتفاق	بینهما لا ینغلق	۸	
۸	بینهما صحبة	الخصومة	الخوف	لا امن بینهما	المحبة الخالص	زاهد و متفق	ینفقان	یسعی فی المحبة	۹
۹	الاتفاق و عقل	قلبهما	یسعی فی المحبة	ما متبع	قلبهما و حسد	الاتفاق	الفرقة	القدر	الاتفاق و فرقه

ایام [illegible] ... یکی ... داندکه ... اعواد ... دائم ... قریب ... نیست

موش و بقر و پلنگ خر گوش شمار
سیچقان اود بارس توشقان
زین چار چو بگذری نهنگ آید و مار
لوی ییلان
انگاه باسپ گوسفند است حساب
یونت قوی
حمدونه و مرغ و سگ خوک آخر کار
میمون پیچی
بیچین تخاقو ایت تنکوز

سنه ۱۳۱۰

ستاره ها

قمر عطارد زهره شمس مریخ مشتری زحل

ایام منحوسه

سیم هر ماه و پنجم و سیزدهم و شانزدهم و بیست یکم و بیست چهارم و بیست پنجم بعضی بیست ششم و نیز نحس میدانند تمام شهر از حضرت رسول اکرم در بلند ضعیف بروایت است در راست بیت چهار روز نحس است در هر ماه و در روز برای هیچ کار خوب نیست محرم یازدهم و چهاردهم صفر یکم و هشتم ربیع اول یکم و پنجم ربیع الثانی یازدهم و بیستم جمادی اول دهم یازدهم جمادی الاخر دوم و چهاردهم رجب یازدهم و سیزدهم شعبان سیم و چهارم رمضان سیم و بیستم شوال هشتم و بیستم ذی قعده دوم و پنجم ذی حجه ششم و بیستم مبالغه بسیار کرده اند که در این ایام از بیماری همه کار و شغل بد است پرهیز باید کرد والله اعلم

تحریر ۲۴ ذی قعده ۱۳۱۲

جدول معهود اوقات المذموم عن قول الحکماء الفارس والروم

حکماء روم و فارس که نهایت حکیم کامل بوده اند این ساعات را عظیم و معتبر دارند و درین ساعات از جمله کارها حذر کنند از نقل و حرکت و نو بریدن و پوشیدن و خریدن املاک و تزویج و زفاف و حاجت بملوک و اگر کسی درین ساعت کار کند آن کار روی دشوار کرده و باتمام نرسد والله اعلم

الاسبوع	ساعات	اوقات المذموم	
ا	ه	اوقات نماز شام	اوقات چاشت فراخ
ب	ط	نیم چاشت	نماز دیگر تا نشستن آفتاب
ج	د	نیم روز	
د	ج	چاشت اول	بعد از نماز دیگر
ه	ز	بعد از نیم روز	
و	د یا	چاشتگاه	وقت غروب
ز	ا ح	بامداد	بین الصلوتین

بگذشته زماه ضرب کن ای سرور ۵ در یازده با فزودنش بر سر
حاصل شده بر بروج سی سی بخوان ۵ از منزل آفتاب تا نزد قمر
آنچه ز ماه شد مثنی کن ۵ بنجد بکر فزای بر سر آن
پس به پنج آران بموضع شمس ۵ کیر برجی و جای ماه بدان
آنچه از ماه میرود بشمار ۵ هر یکی را دوازده انگار
بعد از ان بین که آفتاب کجاست ۵ از دویم برج ابتدا کن راست
بعد از ان جمله طرح کن سی سی ۵ تا بجائی که مقصد است رسی
برج او باشد و درج است ۵ این حساب دقیق آسان است

از خواجه نصیر رحمه الله

هر روز زماه سیزده چنین کن ۵ پس بیست و شش دگر باو ضم کن
هر برجی ز موضع خور سی ده ۵ مبداش در جانب مه را تحقیق کن

در ماده تاریخ همین رساله ... [illegible]

[illegible]

جدول الایام الساعات السبعه علی کواکب الکواکب و الروم

ساعات روز	ز	ا	ب	ج	د	ه	و
صبح	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
[illegible]	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد
زوال	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
[illegible]	شمس	قمر	[illegible]	عطارد	مشتری	زهره	زحل
[illegible]	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
عصر	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
[illegible]	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس

جدول اللیالی الساعات السبعه علی کواکب الکواکب

ساعات شب	ز	ا	ب	ج	د	ه	و
[illegible]	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر
[illegible]	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل
نصف شب	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری
[illegible]	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ
[illegible]	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره	زحل	شمس
[illegible]	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد	مشتری	زهره
[illegible]	مشتری	زهره	زحل	شمس	قمر	مریخ	عطارد

جدول احکام الکواکب فی الایام واللیالی علی ساعات السبعة المذکوره

الزحل

چون ساعت زحل رسد نیکو باشد سپاه کشیدن و جوی کندن و درخت کردن
و بنا کردن نشاید و دیدار و موافقت و کار خیر را جایز باشد خراشیدن و بیع
و کارهای نهانی و طلسمات دشمنی نشاید تزویج و نکاح و سفر و فصد و حجامت
و مصالحت دارد و خوردن و دیدار ملوک و سلاطین و اشراف سلاح نو
بریدن نو پوشیدن و هر فرزندی که در این ساعت زاید دراز عمر باشد و ازای

المشتری

چون ساعت مشتری رسد نیک باشد ترفیع مراتب و طلب حاجات و کنشت و حمام و
دیدار ملوک و سلاطین و منع و سری و ابتداء کارهای بزرگ و نو بریدن و پوشیدن
نشاید کارهای نهانی و آلت حرب و کار زرف و داروی خوردن
و فرزندی که در این ساعت زاید مصلح دینی باشد و امین باشد

المریخ

چون ساعت مریخ رسد نیک باشد آلت حرب و سلاح و طلسم و دشمنی و تحجر و تیغی
و شکار کردن و کار زرف نشاید دیدار ملوک و سلطنت
و اشراف و طلب حاجات و تجارت و شود نو بریدن و پوشیدن و هر
فرزندی که در این روز زاید ذلیل گردد که حریص باشد و بدخلق و
خونریزان

نشاندن

مصاهرات

الشمس فی احکام الکواکب فی الایام واللیالی علی ساعات السبعة المذکوره

چون ساعت شمس رسد نیک کارهای عظیم و دیدار ملوک و سلاطین و هر فرزندی که در این روز
زاید دراز عمر باشد و از اصحاب سلطان باشد و با دولت و نعمت باشد و نشاید
بتجارت و حرکت و جامه نو بریدن و پوشیدن و طلب
حاجت و طلسم و دشمنی کردن والله اعلم بالصواب

الزهره

چون ساعت زهره رسد نیک باشد نکاح و تزویج و دیدار خواتین و طلسم
و الفت و اسباب لهو و عشرت و فصد و حجامت و مصالحت
و دارو خوردن و نو بریدن و پوشیدن و آرایش باغ و بوستان و نشاید
کودک به دبیرستان فرستادن و تعلیم کارهای نهانی و کتابت و طلسم
دشمنی هر فرزندی که در این ساعت زاید عزت و طرب دوست باشد با زنان و با سادی

العطارد

چون ساعت عطارد رسد نیک باشد کارهای نهانی کودک به دبیرستان فرستادن و ابتدا
تعلیم کردن و دیدار اصحاب قلم دیدن و غوص کردن در کارهای
باریک و طلسم الفت و نشاید فصد و حجامت و کارهای فساد
و تجارت و مصالحت دارو و کارهای نهانی و فرزندی که در این
ساعت زاید عالم و دانا بود و بزرگ منش باشد والله اعلم

القمر

چون ساعت قمر رسد نیکو باشد طعام فرستادن و فصد و حجامت و مصالحت و دارو خوردن
و عمارت و باغ و بریدن حرب و کار نیز و طلسم الفت مستوران و نشاید کارهای نهانی و مصاحبت
و تزویج و هر فرزندی که در این ساعت زاید ... و اسباب ارادت

جدول الصحیح المنازل القمر و مواضعها بالفلک و زمان طلوعها

المنازل			الشهور الرومی	شرح المنازل	صورة المنازل
شرطین	از ا حمل تا یب حمل	۲۰	نیسان	دو ستاره روشن است بر شاخها نهاده از شمال سوی جنوب میان ایشان دوری چند گز با آنکه سوی جنوب است ستاره خرد که او را [illegible] خوانند	٥٥ ٥
بطین	از یب حمل تا کد حمل	۶	ایار	سه ستاره باریکست بر مثال مثلثی و بر دنبه حمل و میان او و شرطین مقدار رمحی باشند تا معلوم گردد و ماه گاه گاه او را بپوشد	٥٥
ثریا	از کد حمل تا ز ثور	۲	ایار	هفت ستاره خرد است بر مثال خوشه انگور چهار از او روشن است و سه تاریک و منزلی مشهور است و او را ابو یحیی و سنام الثور خوانند	٥٥٥٥ ٥٥٥
دبران	از ز ثور تا کا ثور		حزیران	ستاره سرخ و روشن است و او را عین الثور خوانند و او را سه کوکبی دیگر مانند والی بوده باشند بدین مثال	٥٥ ٥٥
هقعه	از کا ثور تا د جوزا	۱۵	حزیران	سه ستاره خرد است بر سر جوزا بر مثال مثلثی و نقطه ثبت مانند و ماه هرگز نزدیک ایشان نشود و او را راس الجبار خوانند	٥٥٥
هنعه	از د جوزا تا ط جوزا		حزیران	دو ستاره است یکی خرد و یکی بزرگ و دوری ایشان دو ذرع و نیم باشد و هر دو پای توامین اند بدین مثال	٥ ٥
ذراع	از ط جوزا تا [illegible]		تموز	دو ستاره است روشن پس یکدیگر در میان توامین جلیان ستارگان خرد و او را آن شوم خوانند و عرب ذراع مبسوط و ذراع مسبوط خوانند و شعرای یمانی خوانند	٥ ٥

منازل القمر و مواضعها الفلک و زمان طلوعها بتقویم الاسلامی

المنازل		طلوع المنازل	الشهور الرومی	شرح المنازل	صورة المنازل
نثره	از [illegible] سرطان تا [illegible] سرطان	۲۴	تموز	چون پاره ابر است در سینه سرطان در میان چهار کوکب بر شکل مربع منحرف و آنرا [illegible] خوانند بر این مثال	٥٥ ٥٥
طرف	از [illegible] سرطان تا [illegible] سرطان	۶		دو ستاره است که ماه برابر شمال ایشان بگذرد و عرب گویند که طرفه گذشت یکی از صورت و یکی از بیرون صورت بر این مثال	٥ ٥
جبهه	از [illegible] سرطان تا ی اسد	۱۹	آب	پنج ستاره روشن بر خطی معوج و یکی از ایشان روشن تر است و بزرگتر بر طرف خط است از جانب جنوب و او را قلب الاسد خوانند بر این مثال	٥٥٥ ٥٥ ٥
زبره	از ی اسد تا کج اسد	۱		دو ستاره روشن است مقدار یک ذرع بود از ایشان باشد و در برج اسد یکی از سوی جنوب نشسته است روشن است منکب الاسد خوانند	٥ ٥
صرفه	از کج اسد تا [illegible] سنبله	۱۴	ایلول	ستاره روشن است از قدر اول در برج سنبله در میان ستارگان تاریک گرد آمده و ماه از جانب جنوب محاذی او شده	٥
عوا	از [illegible] سنبله تا ط سنبله	۲		پنج ستاره است روشن بر سینه عوا [illegible] از او سه کوچک در جانب جنوب و ماه او را بپوشاند و گویند این پنج سگانند از پس شیر بانگ کنند	٥٥ ٥٥٥
سماک	از ط سنبله تا [illegible] میزان	۲	تشرین اول	این ستاره را سماک الاعزل خوانند متقابل سماک رامح و نزدیک [illegible] است و از قدر اول است بر کف دست عوا و ماه گاه گاه او را بپوشاند [illegible]	٥

ادراج محل المنازل القمر ومواضعها بالفلک ودرمان طلوعها

المنازل	مواضع المنازل	طلوع المنازل	[illegible]	شرح المنازل	صور المنازل
غفر	از [illegible] میزان تا [illegible]	۲۳	[illegible]	سه ستاره است روشن برابر سماک بر طرف دامن عذرا بر یک خط معوج و ماه که گاه اورا بپوشاند و گوید او بر طالع [illegible]	∘∘ ∘∘
زبانا	از [illegible] میزان تا [illegible] میزان	۶	[illegible]	دو ستاره است میان مقدار رمح بالا برابر یکدیگر برنهاده و پله میزان گویند و ماه این را بپوشاند	∘∘ ∘∘
اکلیل	تا [illegible] میزان تا [illegible] عقرب	۱۹	[illegible]	سه ستاره است باریک بر خطی مقوس و یکی از آن روشن تر است بر پیشانی عقرب و بعضی گویند که عقرب است و بعضی گویند روشن است	∘∘∘
قلب	از [illegible] عقرب تا [illegible] عقرب	۱	[illegible]	یک ستاره است سرخ بر دل عقرب بمنطقه نزدیک جنوب و ماه اورا بپوشاند و اورا قلب العقرب خوانند مثلا	∘ ∘ ∘
شوله	از [illegible] عقرب تا [illegible] قوس	۱۵	[illegible]	دو ستاره است روشن بر طرف ذنب عقرب بر موضع نیش میان ایشان مقدار یک دست و ایرا ذنبال عقرب خوانند	∘∘
نعائم	از [illegible] قوس تا [illegible] قوس	۲۸	[illegible]	چهار کوکب مربع منحرف و نزدیک آن چهار دیگر است و عرب اورا نعائم صادر خوانند و ماه بعضی ایشان را بپوشاند	∘∘∘∘ ∘∘∘∘
بلده	از [illegible] قوس تا [illegible] جدی	۷	[illegible]	قطعه است بر آسمان که آنرا هیچ ستاره نیست و خواره خوانند و بود از آن ستاره ایست که آنرا قلاده خوانند مثلا	∘

۱۱۱

بقیة الاشکال محل المنازل القمر ومواضعها بالفلک ودرمان طلوعها

المنازل	مواضع المنازل	طلوع المنازل	[illegible]	شرح المنازل	صور المنازل
ذابح	از [illegible] جدی تا [illegible]	۲۳	[illegible]	دو ستاره است بر سر جدی و از اسعد دابح خوانند در شمال و یکی خوردتر نزدیکان گویند که گوسفند است که اورا ذبح میکنند	∘∘∘
بلع	[illegible]	۵	[illegible]	دو ستاره است روشن تر بر شخص جدی میانه ایشان مقدار ذرعی و میان ایشان یک ستاره خورد است	∘∘
سعود	از [illegible] جدی تا [illegible] دلو	۱۸	[illegible]	سه ستاره است بر خطی مقوس و یکی از او روشنتر است بر بیتها نهاده و میان شمال و جنوب از سوی منوف و جای ایشان دست چپ است	∘ ∘∘
اخبیه	از [illegible] دلو تا [illegible] دلو	۲	[illegible]	چهار ستاره است بر دست راست ساکب الما و سه بر شکل مثلثی و چهارم در مثلث سعد است داود [illegible] را رأوف خوانند	∘∘ ∘∘
مقدم	از [illegible] دلو تا [illegible] حوت	۱۶	[illegible]	دو ستاره است روشن میان ایشان مقدار رمحی و بزرگتر منکب الفرس خوانند	∘ ∘
مؤخر	از [illegible] حوت تا [illegible] حوت	۲۹	[illegible]	دو ستاره است یکی کوچک و یکی بزرگ سیزه الفرس خوانند مثالم	∘ ∘
رشا	از [illegible] حوت تا [illegible] حمل	۵	[illegible]	کوکبی روشن است نزدیک هراه و مسلسله و قمر نزدیک او گذرد	∘

المنازل	
نطح	حرف این منزل الف است و ذکر مناسب یا الله است و الله کلام الله و آیة الکرسی و سوره قل هو الله احد ۱۱۱ بار بخواند
بطین	حرف این منزل ب است و ذکر مناسب یا باری یا بدیع السموات والارض بسمله ان روز اینها را بسیار ذکر کند
ثریا	حرف این منزل ج است ذکر مناسب یا جمیل را آن روز بسیار تکرار کند هر دفعه ۵۳ مرتبه بخواند بجهة قهر اعدا
دبران	حرف این منزل د است و ذکر مناسب یا دائم یا دیان ۵۳ بار تکرار کند مراتب کسب دوام و طلب دارد که حاصل است
هقعه	حرف این منزل ه و ذکر مناسب یا هو یا هادی است بسیار تکرار کند کشف حاصل شود و ذکر دیگر یا مهلک است جهة هلاک دشمن و در آن روز ۱۲ دفعه نماید و دشمن هلاک شود
هنعه	حرف این منزل و و ذکر مناسب یا ولی یا وکیل یا ودود است جهة افزونی عمر و دولت و جاه و آیه مناسب آیة الکرسی است
ذراع	حرف این منزل ز است ذکر مناسب باری و طاهر جهة ازاله غم مداومت کند سرور و فرح حاصل شود

المنازل	
نثره	حرف این منزل ح است و ذکر مناسب یا حی یا حلیم یا حفیظ بود جهة کارها حل نمودن هر مهم مداومت نماید که کار است
طرفه	حرف این منزل ط است ذکر مناسب یا مطهر است جهة خلاص شدن کارهای مشکل و آیه طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی است
جبهه	حرف این منزل ی است مناسب یس والقرآن الحکیم انک رحیم است
زبره	حرف این منزل ک است ذکر مناسب یا کافی است ۷۰ بار ۱۱۰ بار ۲۱۰ بار مداومت کند و آیه مناسب [illegible] عرض حرف [illegible] انما قولنا لشیء اذا اردناه ان نقول له کن فیکون والله اعلم است
صرفه	حرف این منزل لام است ذکر مناسب یا لطیف است ۱۱۱ بار تکرار نماید و آیه مناسب الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو العزیز
عوا	حرف این منزل م است ۹۰ بار بخواند ذکر مناسب یا ملک یا مجید است جلالت و عزت در مراتب و صلح اعلا میسر کند آیه مناسب قل اللهم مالک الملک است
سماک	حرف این منزل ن است ذکر مناسب یا نور است ۵۶ ۲ بار تکرار کند از دعای خیر مؤمنین و مؤمنات کند و آیه مناسب ربنا افرغ علینا صبرا و توفنا و ثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم الکافرین است

[illegible]	
غفر	حرف این منزل است و ذکر مناسب یا سلام یا سمیع [illegible] بار بخواند از خوف دنیا و عقبی ایمن بود آیه مناسب سلام قولا من رب رحیم است
زبانا	حرف این منزل ع است ذکر مناسب یا علیم یا عظیم است ۱۳۰ بار بخواند و انتقام امور طلب کند آیه مناسب والله خلقکم و ما تعملون است
اکلیل	حرف این منزل ف است ذکر مناسب یا فتاح الا تکرار کند خیر و عافیت طلب کند آیه مناسب ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین است
قلب	حرف این منزل ص است ذکر مناسب یا صمد یا صادق ۹۵ بار بخواند از برای [illegible] کار و غایب آمدن طلب آیه مناسب و انزلنا فیه من السماء ماء مبارکا فانبتنا به جنات و حب الحصید است
شوله	حرف این منزل ق است ذکر مناسب یا قوی [illegible] بار بخواند [illegible] آیه مناسب [illegible]
نعایم	حرف این منزل ر است ذکر مناسب [illegible] بار بخواند [illegible]
بلده	حرف این منزل ش است ذکر مناسب یا شهید یا شدید البطش ۳۰۰ بار بخواند از جهت هلاک ظالم آیه مناسب و کذلک اخذ ربک اذا اخذ القری و هی ظالمة ان اخذه الیم شدید [illegible] یا فتی بخواند [illegible]

ذابح

۱۱۴

المنازل	
ذابح	حرف این منزل ت است ذکر مناسب یا تواب آیه مناسب ثم تاب علیهم لیتوبوا ان الله هو التواب الرحیم
بلع	حرف این منزل ث است ذکر مناسب یا ثابت ۵۰۰ بار بخواند [illegible] آیه مناسب ربنا افرغ علینا صبرا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین
سعود	حرف این منزل خ است ذکر مناسب یا خبیر یا خالق ۱۰۶۰ بار بخواند جهت تفاخر احکام و تمشیت امور و قهر اعدا بخواند آیه مناسب قل اللهم مالک الملک است
اخبیه	حرف این منزل ذ است ذکر مناسب یا ذاکر یا ذاری یا ذی الطول ۱۴۰۱ بار بخواند آیه مناسب یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکرا کثیرا و سبحوه بکرة و اصیلا است
مقدم	حرف این منزل ض است ذکر مناسب یا ضار [illegible] آیه مناسب یضل الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء [illegible] بار بخواند [illegible]
مؤخر	حرف این منزل ظ است یا ظاهر است ۹۰۱ بار بخواند [illegible] [illegible] طلبد و هلاک ظالم طلبد آیه مناسب الا لعنة الله علی الظالمین
رشا	حرف این منزل غ است ذکر مناسب یا غنی یا غایب ۱۰۶۰ بار بخواند [illegible] آیه مناسب الم یجدک یتیما فآوی و وجدک ضالا فهدی

جدول شرح اسامی الفرس فی القدیمه

۱	اورمزد	نامیست از نامهای خدای تعالی درین روز جهان را آفرید نیک است سفر و حاجت
۲	بهمن	ملکیست موکل بر گوسفندان درین روز رها (؟) آفرید نیک است نیک است و دیدن ملوک
۳	اردیبهشت	ملکیست موکل بر آتش درین روز ها بل بوجود آمد نیک است حذر از کارها
۴	شهریور	~~ملکیست موکل بر ... روز ... بنا نهشت کرد~~ هیچ کار نشاید کرد ملکیست موکل معدنی سوسی
۵	اسفندارمذ	ملکیست موکل بر زمین روز شداد بنا ء بهشت کرد هیچ کار نشاید کرد
۶	خرداد	ملکیست موکل در آب درین روز ایوب بوجود امد مبارکست بهمه کارها
۷	امرداد	ملکیست موکل بر نباتات درین روز هابیل قابیل را کشت نشاید هیچ کار خاصه دیدار ملوک
۸	دی باذر	ملکیست موکل بر آدمی درین روز تزویج فاطمه علیها السلام بود نیک است همه کار
۹	آذر	ملکیست موکل بر آتش و دوزخ درین روز نوح علیه السلام بوجود امد نیک است کارزار و عمارت
۱۰	آبان	ملکیست موکل بر زمین درین روز زنان ... نیک است سفر و سوداگری
۱۱	خور	ملکیست موکل بر معدنی درین روز شیث بوجود آمد نشاید دیدن ملوک
۱۲	ماه	ملکیست موکل بر ... درین روز دیلمی از حام بوجود امد نیک است دیوار ... نشاید خصومت
۱۳	تیر	ملکیست موکل بر آب درین روز حق از باطل جدا شد هیچکار نشاید
۱۴	گوش	ملکیست موکل بر گوسفندان درین روز حسن بن علی علیهما السلام بوجود امد نیک است همه کار
۱۵	دی بمهر	ملکیست موکل بر آدمی درین روز فرعون دعوی خدای کرد نیک است طلب حاجت از ملوک

تعقیب شرح اسامی الفرس فی القدیم

۱۶	مهر	ملکیست موکل بر معدنی درین روز جبرئیل پیغمبر را وحی آورد حذر
۱۷	سروش	ملکیست موکل بر آتش و دوزخ درین روز شهر لوط خراب شد نیک است همه کارها
۱۸	رشن	ملکیست موکل بر نباتات درین روز اسحق ابراهیم بوجود امد نیک است حاجت خواستن
۱۹	فروردین	ملکیست موکل درین روز یعقوب علیه السلام بوجود آمد نیک است تزویج و سفر و وصیت کردن
۲۰	بهرام	ملکیست موکل بر آتش و دوزخ درین روز پیغمبر با قضا احد کرد نیک است سفر و دیدار ملوک
۲۱	رام	ملکیست موکل بر گوسفندان درین روز یعقوب را از یوسف خبر آمد نشاید کارها
۲۲	باد	ملکیست موکل بر باد درین روز یوسف بوجود آمده نیک است تجارت و زینت ساختن
۲۳	دی بدین	ملکیست موکل بر آدمی درین روز پیغمبر ما دعوه آشکارا کرد نیک است تزویج و سفر
۲۴	دین	ملکیست موکل بر زمین درین روز یونس علیه السلام نجات یافت نشاید بسفر کردن
۲۵	ارد	ملکیست موکل بر نباتات درین روز موسی علیه السلام از نیل بگذشت نیک است عمارت
۲۶	اشتاد	ملکیست موکل بر معدن نباتات درین روز آسمان آفریده شد نیک است کارهای معظم
۲۷	آسمان	ملکیست موکل بر نباتات درین روز موسی علیه السلام بوجود آمد مبارکست بهمه کارها
۲۸	زامیاد	ملکیست موکل بر زمین درین روز موسی علیه السلام بطور رفت نیک است طلب حاجت و سفر
۲۹	مارسپند	ملکیست موکل بر آدمی درین روز آفرینش جهان تمام شد نیک است نکاح و معاملت
۳۰	انیران	ملکیست موکل بر زمین درین روز و بروایتی ابن یمین بوجود امد هیچکار نشاید

اورمزد ... از ...

بر معونه (؟) ... اورمزد الور ... نیک است تزویج و دیدن بزرگان

جدول بازنمودن اقلیم السبعه وطول عرضها

بدانکه شکل زمین مانند گوی گرد است و بیشتری را آب گرفته و از سطح وی کمتر از ربع معمور است بجانب قطر شمالی که آنرا ربع مسکون خوانند و هر گروهی این را بقسمی از قسمها مختلف کرده اند و حکماء هندیان بنه قسمت کرده اند و جماعتی دیگر از حکماء روم و فرس بهفت قسمت کرده اند و هر قسمی را از آن نامی نهاده اند و بکوکبی منسوب کرده اند و درین دایره کیفیات آن اقلیم پدید کردیم تا هر که مطالعه کند کیفیت اقالیم سبعه را بداند والله اعلم

اقلیم اول

ابتداء این اقلیم از آنجا بود که درازی روز آن در ۱۲ ساعت نیم بود و ربعی و عرض وی ۱۶ درجه و درازی این اقلیم از مشرق و مغرب سه هزار و دویست و پنجاه فرسنگ بود و درو دو هزار پاره شهر است از الجمله پنجاه شهر بزرگ است و باقی خورد و بیست پاره کوه است و سی و دو رود روان بزرگ

اقلیم دوم

ابتداء این اقلیم از آنجا است که درازی روز تابستان ۱۳ ساعت بود و سدسی و عرض وی ۲۰ درجه و نیم و درازی این اقلیم از مشرق تا مغرب بود و میانه این اقلیم از آنجا بود که درازی روز تابستان ۱۳ ساعت و نیم و عرض وی ۲۳ درجه و نیم و سدسی بود و درازی دو هزار و چهارصد فرسنگ و بنهایتش ۱۳۲ فرسنگ و مساحت بسیط ۴۲۲ هزار ۱۶۴ فرسنگ

اقلیم سیوم

ابتداء این اقلیم از آنجا بود که درازی روز تابستان ۱۳ ساعت و سه ربع و عرض وی ۲۷ درجه و ربعی میانه این اقلیم از آنجا بود که درازی روز آن ۱۴ ساعت بود عرض وی ۳۰ درجه و ثلثی بود و درازی این اقلیم از مشرق تا مغرب بود ۲۹۲۰ فرسنگ و بنهای این اقلیم ۱۰۰ فرسنگ و اندرین اقلیم سه هزار پاره شهر است و از الجمله [illegible] شهر بزرگ است و باقی خورد و درین سی و شش کوه است و ۲۲ رود روان بزرگ

اقلیم چهارم

ابتداء این اقلیم از آنجا بود که درازترین روز آن ۱۴ ساعت و ربع بود و عرض وی سی و سه درجه میانه این اقلیم از آنجا بود که درازی روز آن ۱۴ ساعت و نیم بود و عرض وی سی و شش درجه و ثلثی بود و درازی این اقلیم را با غرب و مشرق هست ۲۷۹۴ فرسنگ بود و بنهایتش ۱۱۰ فرسنگ و مساحت بسیط او ۳۰۹۲۸ فرسنگ و اندرین اقلیم چهار هزار پاره شهر است از الجمله ۲۱ شهر بزرگ است و باقی خورده ۲۱ کوه است و ۲۰ رود بزرگ

اقلیم پنجم

بقیه بازنمودن اقالیم السبعه وطول وعرضها

چنین نقل کرده اند که نوح علیه السلام سه قسمت کرده است و هر قسمی را بفرزندی داده است یک قسم بیافث داده و یکی را بحام داده و دیگری را بسام داده است و حکماء یونان نه قسمت کرده اند و بهات اقلیم سبعه را درین دایره معلوم توان کرد والله اعلم

اقلیم پنجم

ابتداء این اقلیم از آنجا بود [illegible] عرض وی [illegible] درجه [illegible] میانه این اقلیم از آنجا بود که درازی روز آن ۱۵ ساعت [illegible] و درازی این اقلیم از مشرق تا مغرب [illegible] فرسنگ [illegible] و اندرین اقلیم [illegible] شهر است [illegible] کوه است و [illegible] رود روان والله اعلم

اقلیم ششم

ابتداء این اقلیم از آنجا بود [illegible] ساعت و ربعی [illegible] میانه این اقلیم از آنجا بود که درازی روز آن ۱۵ ساعت [illegible] و عرض وی [illegible] درجه [illegible] و درازی این اقلیم از مشرق تا مغرب [illegible] فرسنگ [illegible] و اندرین اقلیم [illegible] شهر است [illegible] کوه است و [illegible] رود روان است والله اعلم

اقلیم هفتم

ابتداء این اقلیم از آنجا بود که درازترین روز آن ۱۵ ساعت و ربع بود و عرض وی ۴۱ درجه و خمس بود و میانه این اقلیم از آنجا بود که درازی روز آن ۱۵ ساعت و نیم بود و عرض وی ۴۸ درجه و خمسی بود و آخر این اقلیم آخر عمارت بود و درازی این اقلیم از مشرق تا مغرب بود دوازده هزار و دویست و شش فرسنگ است و بنهایتش ۱۶۴ فرسنگ و اندرین اقلیم از مشرق تا مغرب [illegible] هزار شهر است از الجمله دو شهر بزرگ است و باقی خورد از آنجا بگذرد عمارت ندارد و باقی مردم بزرگ [illegible]

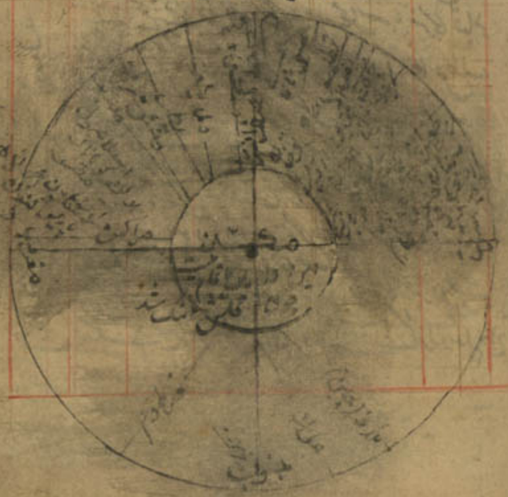
جدول غره شهرها در ایام السبعه فی احکام

اگر اول ماه روز یکشنبه بود دران ماه کارها را آدمیان
همه راست بود و کارها همه عالمیان نیک و فراخ باشد
واگر اول ماه دوشنبه بود دران ماه کار دبیران و وزیران
و حاکمان و مردمان عالم همه نیک باشد واگر اول ماه روز سه شنبه
بود دران ماه جنگ غیب و منازعت و فتنه انگیختن بود
واگر اول ماه روز چهارشنبه بود دران ماه کار مردمان
بر گردش بود و دران ماه هیچ کار نباید کرد واگر اول ماه
روز پنجشنبه بود دران ماه بازرگان نیکو بود و حاجت
روا مردمان بود در مردمان واگر اول ماه روز آدینه بود
دران ماه خلق در آسایش بود و شادمانی باشد و کار مردمان
راست باشد و بکس بر پادشاهان گران واگر اول ماه
روز شنبه بود دران ماه هر کاری از باخرین ضایع و آبادانی
کردن و برده خریدن و زن هم دران ماه نیک باشد
باید که تجارت را نگاه دارد که منفعت بسیار نباشد والله اعلم

مکه مبارکه		اصفهان	
طول	عرض	طول	عرض
عز ی	کا م / کا م	نوم	لب که

تفاوت مابین طول مکه و اصفهان طول است
پس بعد سمت قبله اصفهان از نقطه جنوب طول
که نه درجه و نیم بهت خواهد بود

و تفاوت بعد قبله اصفهان و بعد سمت قبله
تنکابن از نقطه جنوب چهل دقیقه است



جدول الاختيارات القمر با الکواکب السیار

الاتصال بالزحل

ه	نیکست شکار کردن و کاریز کندن و بذر و نو [illegible] کردن
س	نیکست دیوار و بنا نهادن عمارت و [illegible] وزراعت دریا کردن
ع	نیکست ریاضت [illegible] دکاریز کندن و [illegible] و [illegible] کار
ث	

الاتصاله بالمشتری

ه	نیکست بنا و مساجد وطلب حقوق و مناظره شرعی و حاجات و ملک خریدن و نشو کردن
س	نیکست دیدن قضات و خواستن حاجات از اشراف و بیع و شرب کردن و عقد بستن
ع	نیکست بحث و مناظره شرعی و طلب محاسبه با شرکا قبالم و حجت نوشتن شاید
ث	نیکست دیدن قضات و داشتن علما و طلب حاجت از فرزند و نو بریدن و پوشیدن
له	نیکست قصد و حجامت و دعوی شرعی و طلب صلاح [illegible] و بنای مساجد

الاتصال بالمریخ

ه	نیکست قصد کردن و داغ [illegible] و شبیخون و عقد و [illegible] و قصاص راندن
س	نیکست دیدن امرا و اتراک و سلاح خریدن و ابتدای کارهای لشکری و قصد و حجامت
ع	نیکست رجوع رسیدن و جبر و بند از جبر و [illegible] کارها [illegible] و خلوت کردن
ث	نیکست دیدن امرا و حکام و طلب حاجت از امرا و تعلیم سلاح
له	هیچ کار نشاید

درانکست عبادت [illegible] و [illegible] کردن
درباره [illegible] مرغ [illegible]

جدول بعضی الاختیارات الاتصالات القمر با الکواکب السیاره

الاتصال بالشمس

ه	نیکست مشورت و اسرار نهانی و دفینه نهادن و پنهان شدن و نشاید [illegible] قصد و حجامت [illegible]
س	نیکست دیدن ملوک و سلاطین و حاجت خواستن و حکم ستاندن و طلب فرزند
ع	نیکست نقل [illegible] و طلب خراج کردن شاید و دیدن اشراف و سلاطین و طلب حاجت
ث	نیکست دیدن سلاطین و حاجت خواستن و برکت نشستن و حکم ستاندن و طلب [illegible] و اعمال
له	نیکست طلب ریاست و شهرت و کم شده و گریخته و غایب نشاید نو بریدن و پوشیدن

الاتصاله بالزهره

ه	نیکست نو بریدن و پوشیدن و عقد عروسی و عطرهای امینی و عیش خوش کردن
س	نیکست دیدن خواتین و زنست خاص و تجملات [illegible] و [illegible] کردن
ع	نیکست تعلیم موسیقی و عطرامینی و بعیش و عشرت مشغول بودن
ث	نیکست دیدن خواتین و اهل طرب و مناکحه و مواصلت کردن و بعیش مشغول بودن
له	نیکست مواصلت اهل طرب و سفر کردن و دختر [illegible] [illegible]

الاتصاله بالعطارد

ه	نیکست تعلیم علم موسیقی درس نجوم و ابتدای کتب و [illegible]
س	نیکست دیدن اهل قلم و اشراف و صدور و حاجت خواستن و ارباب دولت
ع	نیکست محاوره دیوانی و محاسبه کردن و نامه نوشتن
ث	نیکست دیدن امرا و تعلیم علوم و ابتدای [illegible] و بیع و شرب و نشو کردن
له	نیکست طلب [illegible] و [illegible] دیوانی و مناظره و محاسبه اهل قلم

جدول اختیارات حالات القمر فی البروج الاثنی عشریه

فی الشرف درجوزا	نیکست اجلاس و بنیاد بناها و مواضع خاص و نکاح و تزویج و بیع املاک و عمارت و زراعت
مع الراس	نیکست زیارت عباد و زهاد در مواضع و حج و عمره و بنده خیرات و صدقات روا بود و ادب زیر دستان
فی الهبوط السرطان	نیکست هلاک دشمن و زوال ملک و بنا و استنواع و حقنه و دارو خوردن [illegible] دوا نیدن اولی بود
مع الذنب	نیکست ساختن سموم و ترکیب معاجین و غدر و مکر و حیل و هلاک دشمنان
خالی السیر	نیکست حلوت ساختن و حمام رفتن و تفرج و تماشا و عمارت املاک و عقار
بعید الجدی [illegible]	نیکست استحکام و ناخن گرفتن و زینت و تجمل ساختن و پاکی طهارت کردن
[illegible] در شمال	نیکست ملک و عقار خریدن و بنا نهادن و عمارت و زراعت کردن و تعلیم ساخت
در جنوب [illegible]	نیکست بچه از شکم مادر بیرون آوردن و دارو خوردن و مسهل و حجامت کردن

بقیه للاختیارات القمر فی البروج الاثنی عشریه

تحت الشعاع میزان	نیکست نهادن دفاین و غدر و کمین [illegible] و پنهان شدن [illegible] و نشاید غیر از اینها
بطی السیر	نیکست زفاف و دخول بلد و بدست طلب حاجت و ابتدا کارها و بنا نهادن
سریع السیر	نیکست تزویج و مناکحه و طرب و لهو و ابتداء کارها و نقل و حرکت کردن
طریقه محترقه ثور	نیکست آشتی [illegible] و توقف در امور خاصه [illegible] قصد دشمن کردن و نشاید [illegible]
واقع بین السعدین دلو	نیکست [illegible] کارها خاصه میان سادات و ائمه و علما و اشراق و عشرت و حیا [illegible] مناکحت و توالد
محصور بین النحسین حوت	نیکست محاربه و تقاتل با اعدا و خصومت و نشاید امور خاصه ابتداء کردن کارها
جوز ناقص الضوء	نیکست حجامت و قی و غرغره و نوره نهادن و وضع دادن و ختنه کردن
جوز زاید النور	نیکست حاجت خواستن و بنده آزاد کردن و سفر و نقل و حرکت کردن

١١٩

دا	ی	عه	ه یه	کج	او	رحا	یوه	ر	
١٠٩٦	١٩٧	١٩٨	١٩٩	١١٠٠	١١٠١	١١٠٢	١١٠٣		
١٠٨٨	١٠٨٩	١٠٩٠	١٩١	١٠٩٢	١٩٣	١٠٩٤	١٠٩٥		
١٠٨٠	١٠٨١	١٠٨٢	١٠٨٣	١٠٨٤	١٠٨٥	١٠٨٦	١٠٨٧		
١٠٧٢	١٠٧٣	١٠٧٤	١٠٧٥	١٠٧٦	١٠٧٧	١٠٧٨	١٠٧٩		
١٠٦٤	١٠٦٥	١٠٦٦	١٠٦٧	١٠٦٨	١٠٦٩	١٠٧٠	١٠٧١		
١٠٥٦	١٠٥٧	١٠٥٨	١٠٥٩	١٠٦٠	١٠٦١	١٠٦٢	١٠٦٣		
١٠٤٨	١٠٤٩	١٠٥٠	١٠٥١	١٠٥٢	١٠٥٣	١٠٥٤	١٠٥٥		
١٠٤٠	١٠٤١	١٠٤٢	١٠٤٣	١٠٤٤	١٤٥	١٤٦	١٠٤٧		
١٠٣٢	١٠٣٣	١٠٣٤	١٣٥	١٣٦	١٣٧	١٣٨	١٣٩		
١٠٢٤	١٢٥	١٢٦	١٢٧	١٢٨	١٢٩	١٣٠	١٠٣١		
١٠١٦	١٠١٧	١٠١٨	١٠١٩	١٠٢٠	١٠٢١	١٢٢	١٠٢٣		

محرم الحرام	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه شنبه
صفر	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه شنبه	شنبه	پنجشنبه
ربیع الاول	سه شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه
ربیع الآخر	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	سه شنبه	یکشنبه
جمادی الاولی	جمعه	سه شنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه شنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه
جمادی الثانی	یکشنبه	پنجشنبه	سه شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه
رجب	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه شنبه	شنبه	پنجشنبه
شعبان	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه شنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	[illegible]
رمضان	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	سه شنبه	یکشنبه
شوال	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه شنبه
ذی القعده	یکشنبه	پنجشنبه	سه شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه
ذی الحجه	سه شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه

الحدیث ١٢ الرویة اذا طلب الهلال فی المشرق غدوة
ولم یر فیهما هلالا جدیدا ولم یر صدق رسول الله
یعنی در صبح روز ٢٧ ماه نمیر در شد ٢٩ ماه

هو

در تقویم کوکب خواه راجع وخواه مستقیم در شبانروزی که انرا ثبت
آن کواکب خوانند اگر مساوی سیر شبانروزی وسطان کوکب باشد
آنرا سیر اوسط گویند علامت صسط واگر کواکب را دران حال
توسط السیر ومعتدل السیر خوانند واگر زاید باشد بر سیر اوسط و
هرچند برابتدای زیادتی تنزاید بود وانرا سیر زاید متزاید خوانند
علامت صسد واگر در تناقص بود انرا سیر زاید متناقص گویند
علامت مسعص وکوکب را درین دو حال سریع السیر خوانند
واگر سیر تقویم ناقص باشد از سیر وسط وهر چند زاید روی در تناقص
نهد انرا سیر ناقص گویند علامت قصد مسعه واگر روی در
تزاید نهد انرا سیر ناقص متزاید گویند علامت قصد مسعر
وکوکب را درین دو حال بطی السیر خوانند ودر تقویم نام که باشد
گردرین حال درانثای تقادیم کوکب سبعه در سر جداول ان ثبت
کنند وحرکت وسط مرزحل را در هر شبانروزی دو دقیقه ومشتری
را چهار دقیقه وپنجاه ونه ثانیه ومریخ را سی ویک دقیقه وبیست وشش ثانیه
وشمس را پنجاه ونه دقیقه وهشت ثانیه وزهره وعطارد را همین مقدار
وقمر را سیزده درجه ودوازده دقیقه وپنج ثانیه است

۱۲۰

۱۳۰۴	۱۳۰۵	۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۳۱۰	۱۳۰۱۱
۱۲۹۶	۱۲۹۷	۱۲۹۸	۱۲۹۹	۱۳۰۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳
۱۲۸۸	۱۲۸۹	۱۲۹۰	۱۲۹۱	۱۲۹۲	۱۲۹۳	۱۲۹۴	۱۲۹۵
۱۲۸۰	۱۲۸۱	۱۳۸۲	۱۲۸۳	۱۲۸۴	۱۲۸۵	۱۲۸۶	۱۲۸۷
۱۲۷۲	۱۲۷۳	۱۲۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۲۷۷	۱۲۷۸	۱۲۷۹
۱۲۶۴	۱۲۶۵	۱۲۶۶	۱۲۶۷	۱۲۶۸	۱۲۶۹	۱۲۷۰	۱۲۷۱
۱۲۵۶	۱۲۵۷	۱۲۵۸	۱۲۵۹	۱۲۶	۱۲۶۱	۱۲۶۲	۱۲۶۳
۱۲۴۸	۱۲۴۹	۱۲۵۰	۱۲۵۱	۱۲۵۲	۱۲۵۳	۱۲۵۴	۱۲۵۵
۱۲۴۰	۱۲۴۱	۱۲۴۲	۱۲۴۳	۱۲۴۴	۱۲۴۵	۱۲۴۶	۱۲۴۷
۱۲۳۲	۱۲۳۳	۱۲۳۴	۱۲۳۵	۱۲۳۶	۱۲۳۷	۱۲۳۸	۱۲۳۹
۱۲۲۴	۱۲۲۵	۱۲۲۶	۱۲۲۷	۱۲۲۸	۱۲۲۹	۱۲۳۰	۱۲۳۱
۱۲۱۶	۱۲۲۷	۱۲۲۸	۱۲۲۹	۱۲۲۰	۱۲۲۱	۱۲۲	۱۲۲۳
۱۲۰۸	۱۲۰۹	۱۲۱۰	۱۲۱۱	۱۲۱۲	۱۲۱۳	۱۲۱۴	۱۲۱۵

محرم الحرام	ز	د	ب	و	د	۱۰	ه	ج
صفر	ب	و	د	ا	و	ج	ز	ه
ربیع الاول	ج	ز	ه	ب	ز	د	ا	و
ربیع الآخر	ه	ب	ز	د	ب	ج	ج	ا
جمادی الاول	و	ج	ا	ه	ج	ب	د	ب
جمادی الآخر	ا	ه	ج	ز	ه	ج	و	د
رجب الاصب	ب	ز	و	ا	و	ه	ز	ه
شعبان		ا	و	ج	ا	و	ب	ز
رمضان المبارک	د	ب	ز	د	ب	ز	ج	[illegible]
شوال	ز	و	ب	و	و	ا	ه	[illegible]
ذی القعده	ا	ه	ج	ز	ه	ب	و	د
ذی الحجه الحرام	ج	و	ه	ب	ز	د	ا	و

بقیه	دانستن	غره	ماه	که چه	روز	خواهد	بود
۱۲۰۰	۱۲۰۱	۱۲۰۲	۱۲۰۳	۱۲۰۴	۱۲۰۵	۱۲۰۶	۱۲۰۷
۱۱۹۲	۱۱۹۳	۱۱۹۴	۱۱۹۵	۱۱۹۶	۱۱۹۷	۱۱۹۸	۱۱۹۹
۱۱۸۴	۱۱۸۵	۱۱۸۶	۱۱۸۷	۱۱۸۸	۱۱۸۹	۱۱۹۰	۱۱۹۱
۱۱۷۶	۱۱۷۷	۱۱۷۸	۱۱۷۹	۱۱۸۰	۱۱۸۱	۱۱۸۲	۱۱۸۳
۱۱۶۸	۱۱۶۹	۱۱۷۰	۱۱۷۱	۱۱۷۲	۱۱۷۳	۱۱۷۴	۱۱۷۵
۱۱۶۰	۱۱۶۱	۱۱۶۲	۱۱۶۳	۱۱۶۴	۱۱۶۵	۱۱۶۶	۱۱۶۷
۱۱۵۲	۱۱۵۳	۱۱۵۴	۱۱۵۵	۱۱۵۶	۱۱۵۷	۱۱۵۸	۱۱۵۹
۱۱۴۴	۱۱۴۵	۱۱۴۶	۱۱۴۷	۱۱۴۸	۱۱۴۹	۱۱۵۰	۱۱۵۱
۱۱۳۶	۱۱۳۷	۱۱۳۸	۱۱۳۹	۱۱۴۰	۱۱۴۱	۱۱۴۲	۱۱۴۳
۱۱۲۸	۱۱۲۹	۱۱۳۰	۱۱۳۲	۱۱۳۳	۱۱۳۴	۱۱۳۵	۱۱۳۶

محرم	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه
صفر	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه
ربیع الاول	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه
ربیع الآخر	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه
جمادی الاول	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه
[illegible]	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه
رجب	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه
[illegible]	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه
[illegible]	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه
[illegible]	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه
[illegible]	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	پنجشنبه	یکشنبه	دوشنبه		
[illegible]	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه

در بیان خواب دیدن

از حضرت امام جعفر صادق منقول است که خواب
دیدن در اول ماه باطل است ۲ و ۳ ماه برعکس است
۴ و ۵ ماه در تاخیر افتد ۶ و ۷ ماه هر چه بیند
درست است ۱۳ و ۱۴ ماه خیر باشد و نه شر باطل است
۱۵ ماه درست است ۱۶ و ۱۷ ماه تاخیر افتد ۱۸ و ۱۹ ماه
درست و راست باشد ۲۰ و ۲۱ ماه دروغ باشد
۲۲ و ۲۳ فرح و شادی باشد ۲۴ ماه برعکس باشد
۲۵ ماه و ۲۶ و ۲۷ ماه برعکس است بیست و هفتم و ۲۸ ماه
راست باشد ۲۹ و ۳۰ ماه راست باشد روایت است
از سلمان فارسی رضی الله خوابی که در روز ۶ ماه دیده
شود بعد از یک روز تا ده روز تعبیرش ظاهر شود
و روز ۹ خوابی دیده شود تعبیرش در همان روز ظاهر
شود و اگر در روز ۱۰ خوابی دیده شود تعبیرش بعد از
۲۰ روز بظهور آید و در روز ۱۱ ماه هر خوابی دیده شود
بعد از ۲۰ روز بعمل آید اگر در روز ۱۲ خواب بیند
تعبیرش بخیر مبدل شود اگر در روز ۱۳ خواب بیند بعد از
۹ روز تعبیرش ظاهر شود ۱۴ ماه هر خواب دیده شود
بعد از ۲۰ روز بعمل آید اگر ۱۵ ماه خواب دیده شود

جمعه	[illegible]
یکشنبه	[illegible]
دوشنبه	[illegible]
چهارشنبه	[illegible]
پنجشنبه	[illegible]
شنبه	[illegible]